

چقدر در زندگی تسلیم خدا هستیم؟!

ازدواج اینترنتی



فصلنامه  
فرهنگی  
اجتماعی

قیمت ۳۰۰۰ تومان

سال سوم، شماره ۷، تابستان ۹۴

مؤسسه مهدقرآن کریم و ولایت استان اصفهان

وقتی خدا چنترت می شود

همسر خوب یا کارمند خوب

رنگ سیاه چادر، بهترین پوشش در برابر نامحرم

رزق و روزی در قرآن

اثر شبکه های اجتماعی بر زندگی انسانها

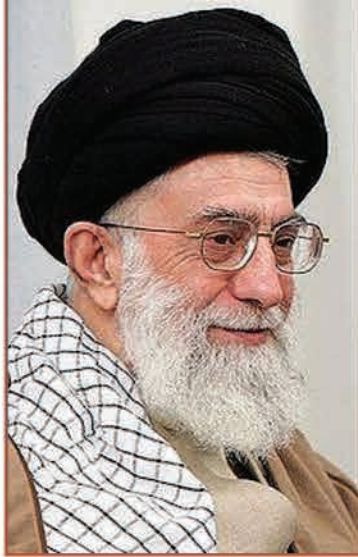
و خداوند!

از جایی که گمان نمی کنی

روزی تو را می رساند...



# بیتنا



سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه ها و پرسه زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست، **با قرآن**، با نوشتجات مرحوم شهید مطهری، با نوشتجات فضیلائی بزرگی که خوشبختانه امروز در حوزه های علمیه حضور دارند، آشنا شوید.

**صاحب امتیاز:** موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

**مدیر مسئول:** حسین خاکساری عربندی

**سر دبیر:** محمد افشار

**هیات تحریریه و شورای علمی:**

دکتر نرگس عطریان، دکتر زهرا محققتیان

**مدیر اجرایی:** مرضیه مقفص

**ملاقات و صفحه آرایی:** سلیسه افلاکی ۰۹۱۳۲۶۸۵۶۹۵

**چاپ:** سینا ۰۳۱ - ۳۲۶۵۳۹۴۹

**نشانی دفتر نشریه:**

اصفهان، خیابان سروش، چهارراه عسگریه، کوچه محمدی، پلاک ۵، دبیرخانه فصلنامه زلال

**تلفن:** ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶ **دورنگار:** ۰۳۱ - ۳۲۲۸۵۴۰۶

**سندوق پستی:** ۹۳۱۱۳ - ۸۱۶۳۸

**ایمیل:** Zolal.mahdgh@yahoo.com

**سایت موسسه مهد قرآن کریم و ولایت:** www.mehad.org

## از عزیزان اهل قلم همچون:

دکتر نرگس عطریان، دکتر زهرا محققتیان، طاهره سادات سیدناری، زهرا نظری، شهناز مهرانی، وجیهه کریملو، نفیسه سادات ناجی، محدثه کریمی، مریم سلمانی زاده، مرضیه السادات محمدی، معصومه سیفی، نازنین آبشاری، نسیم قباشی، انسیه جهاننیده، الهام سنجایی، سید محمد سادات اخوی، محمدحسین حسام، سیدجواد موسوی، امیر مسروری، محمدهادی شمس الدینی، محمد صفاریان پور، مهدی ضیایی که در تهیه محتوای این مجله ما را یاری رساندند کمال تشکر را داریم.

۳۰-۳۱.....	فصلت در مورد دیگران	۱.....	فهرست
۳۲-۳۳.....	حیا	۲.....	سخن فصل
۳۴-۳۵.....	شادی یک فرصت است	۳.....	ترجم وحی
۳۶-۳۷.....	تسلیم در برابر خدا	۴-۵-۶.....	وقتی خدا جترت می شود
۳۸-۳۹.....	چگونه غذا بخوریم؟	۷.....	اثر شبکه های اجتماعی بر زندگی انسانها
۴۰-۴۱.....	حدیث عنوان بصری	۸-۹.....	همسر خوب با کارمند خوب
۴۲-۴۳.....	مصاحبه با قاری بین المللی قرآن کریم (جناب آقای سید فقیه)	۱۰-۱۲.....	آموزش گام به گام تجوید
۴۴.....	مشاوره حقوقی	۱۲-۱۳-۱۴.....	از دواج اینترنتی
۴۵.....	کلیبک کودک	۱۵.....	قضا و قدر
۴۶.....	تاثیر دعا بر سلامتی روح و جسم انسان	۱۶-۱۷.....	کودک و نوجوان هوشمند
۴۷.....	غرور	۱۸-۱۹.....	خرید کالای خارجی = تعطیلی تولید داخلی
۴۸.....	اخبار موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان در آئینه تصویر	۲۰-۲۱.....	میراثی از قوم لوط
۴۹.....	اخبار اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان در آئینه تصویر	۲۲-۲۳-۲۴.....	رزق و روزی در قرآن
۵۰.....	جدول	۲۵.....	مدیر محبوب کیست؟
۵۱.....	اشتراک فصلنامه زلال	۲۶-۲۷.....	رنگ سبزه جادر بهترین پوشش در برابر نامحرم
۵۲.....	پرسمان	۲۸-۲۹.....	شهید سوخته

قرآن کریم،

کتابی است که از سوی خداوند بلند مرتبه نازل شده و تجلی صفات جلال و جمال اوست. بدین روی شناخت قرآن برای هر فرد مسلمان و مؤمن، واجب و ضروری است. زیرا قرآن منبع اصلی و اساسی دین و زیر بنای اندیشه و روح بخش زندگی هر انسان مسلمان است. شناخت قرآن برای برخی دلای ضرورتی افزون تر است، بدان رو که قرآن کریم موضوع اصلی زندگی آنان است. بشر برای شناخت قرآن راهی جز معرفی این کتاب از سوی خداوند ندارد.

در این راستا هدف فصلنامه زلال که فصلنامه ای فرهنگی، اجتماعی با صبغه و رنگ و بوی قرآنی است آن است که در این مسیر قدمهایی هر چند اندک بردارد، اما این مهم جز با یاری و مساعدت شما قرآن یاوران میسر نمی باشد. لذا ما را از ضعفها و نقصهای مجله همراه با پیشنهادات سازنده خود هم در بحث محتوا و هم در بحث قالب بهره مند سازید. هفتمین شماره این فصلنامه در حالی به پیش می رود که مشکلات تأمین محتوای فاخر و متناسب با شرایط روز و همچنین تأمین هزینه های چاپ و انتشار آن هنوز جز دغدغه های ماست. منتظر الطاف بیشتر حضرت حق در ادامه راهمان و مساعدت و یاری مسئولان فرهنگی و مردم قرآن دوست در این زمینه هستیم.

والسلام- مدیرمسئول

# ترخمی وحی

خدایا، مرا در اصلاح نفس خویش به کاری فرمان داده‌ای که خود در انجام دادن آن از من تواناتری، و قدرت تو بر آن کار و بر من، از قدرت من افزون‌تر است. پس مرا چنان نیرویی ده که با آن به کاری مشغول شوم که تو را از من خشنود می‌سازد، و خشنودی خود را در حال تن درستی [نه در گرفتاری و سختی] از من بخواه.

خدایا، مرا طاقت رنج نباشد، و بر بلا شکیبایی نتوانم، و تاب تحمل درویشی ندارم. پس روزی‌ام را از من بگیر و مرا به آفریدگانت وامگذار. تو خود حاجتم را برآور و خود مرا کفایت کن.

به چشم رحمت خود نگاهم کن و در همه‌ی کارها مرا مدد فرما، که اگر مرا به خود واگذاری، در کار خود فرو مانم و به آنچه مصلحت من در آن است نپردازم، و اگر به آفریدگانت مرا واگذاری، چهره‌ی خویش درهم کشند، و اگر مرا به نزدیکانم حواله دهی، ناامید سازند، و اگر چیزی بخشند، اندک و بی‌خیر باشد و بسیار بر من منت نهند و مرا سرزنش‌ها کنند.

پس خدایا، به فضل خود مرا توانگر ساز، و به عظمت خود مرا بلند مرتبه گردان، و به توانمندی خود مرا گشاده دستی عنایت کن، و با آنچه نزد توست، بی‌نیازم فرما.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا از بند حسد رهایی بخش، و از گناهان در پناه آور، و از حرام‌ها پرهیزان، و مرا بر آنچه نافرمانی توست گستاخ مفرما، و خواهش مرا به سوی خود گردان، و مرا به آنچه از تو به من می‌رسد دلخوش ساز، و به آنچه روزی‌ام کرده‌ای و آنچه به من بخشیده‌ای و آن نعمت که ارزانی‌ام داشته‌ای، برکت ده، و مرا در هر حالی، در امان دار، و از نافرمانی نگاه دار، و از چشم بد پیوشان، و از دست دشمنان دور ساز، و در پناه خویش آور و ایمن گردان.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و چون از شکر نعمت‌هایی که در آسودگی و سختی و تن درستی و بیماری به من عطا کرده‌ای، کوتاهی ورزم، حق را روزی من فرما تا در هنگامه‌های بیم و امنیت و خرسندی و خشم و زیان و سود، حقیقت خشنودی و آرامش جان خود را در عمل به آنچه در برابر تو وظیفه‌ی من است، بدانم.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و سینه‌ی مرا از رشک و حسد تهی گردان، تا بر هیچ یک از بندگانت، به سبب احسان تو به ایشان، حسد تبرم؛ آن گونه که اگر بینم به یکی از بندگان خود در کار دین و دنیا و تن درستی و پرهیزگاری و توانگری و آسودگی، نعمتی داده‌ای، من نیز از تو و به یاری تو برای خود برتر از آن را آرزو کنم؛ ای که یکتا و بی‌همتایی.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا در این جهان و آن جهان، در حال خشنودی و خشم، از خطاها به دور دار، و از لغزش‌ها پرهیزان، تا خشنودی و خشم برای من یکسان باشد، و از تو فرمانبرداری کنم، و خشنودی تو در حق دوستان و دشمنان را بر گونه‌ی خشنودی خویش ترجیح دهم؛ آن گونه که دشمنم از جور من در امان ماند و دوستم از هواخواهی ناحق من ناامید شود.

و مرا از کسالتی قرار ده که هنگام آسودگی، تو را مخلصانه می‌خوانند؛ آن سان که بیچارگانت هنگام درماندگی، آری، تو ستوده و بزرگواری.

## فرازی از صحیفه سجاده

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و توفیقم ده که هر چه را بر من لازم گردانده‌ای و در پیوند با خودت یا آفریدگانت بر من واجب کرده‌ای، به جای آورم، اگر چه تنم از انجام دادن آن ناتوان باشد و نیرویم به سستی گراید و وسع من بدان نرسد و مال و دارایی‌ام تحمل آن نتواند؛ خواه آن وظیفه را به یاد داشته باشم یا فراموشم شده باشد؛ ای پروردگار من، آن وظیفه را تو بر عهده‌ام گذاشته‌ای و من به اختیار خود از آن غفلت ورزیده‌ام. اینک تو آن را، از جانب من، از بخشش بی‌پایان و احسان فراوان خویش ادا فرما، که تو بس بی‌نیاز و بخشنده‌ای، تا چیزی از آن بر گردن من باقی نماند که بخواهی در روز دیدارت - ای پروردگار من - به جای آن از نیکی‌های من بکاهی یا بر بدی‌هایم بیفزایی.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و مرا به کاری برانگیز که در راه تو برای آخرت خود بدان پردازم، تا آنجا که صدق آن رغبت را در دل خویش احساس کنم و زهد ورزی در کار دنیا خلق و خوی من گردد و از سر اشتیاق به نیکی‌ها مبادرت ورزم و از روی هراس از بدی‌ها پرهیزم، و مرا چنان روشنایی ده که با آن در میان مردم راه بسپرم و در تاریکی‌ها به راه راست روم و تیرگی شک و شبهه را بزدایم.

خدایا، بر محمد و خاندانش درود فرست و ترس اندوه عذاب و شوق پاداش موعود را روزی‌ام کن، تا لذت چیزی را که تو را برای آن می‌خوانم، و غصه‌ی چیزی را که از آن به تو پناه می‌برم، دریا بم.

خدایا، تو خود می‌دانی که سامان کار این جهان من در چیست. پس با مهربانی بزرگ خود به خواسته‌های من توجه فرما.

# وقتی خدا چترت می شود

مرضیه السادات محمدی

چکیده:

در زندگی روزمره برای هر یک از ما بارها پیش آمده که در کاری به خدا توکل کرده ایم، اما در آن کار شکست خورده یا نتیجه ای نگرفته ایم، در این حالت اولین سؤالی که برای ما پیش می آید این است که چرا با وجود اینکه به خدا توکل کردم بازهم نتیجه نگرفتم؟ هدف این نوشته این است که به این سؤال و سؤالاتی از این قبیل در حد توان خویش، پاسخ گوید. برای رسیدن به پاسخ ابتدا مختصراً به مفهوم توکل اشاره و سپس بررسی این واژه در آیات قرآن و روایات ائمه اطهار، به عنوان قرآن ناطق، انجام گردیده است.

در پایان می توان تا اندازه ای متوجه شد که هدف از توکل بر خداوند در زندگی چیست و این امر، چه آثار و نتایجی برای آدمی دارد و ما چه میزان انسان متوکلی هستیم.

مقدمه:

هیچ چیز در عالم هستی بدون هدف و قانون نیست و تمام هستی قانون مند است و بر پایه ی علت و معلول شکل گرفته، در این بین انسان که جزئی از این نظام قانون مند است نیز در زندگی وابسته به یک سری قوانین است که تنها با عمل به این قوانین می تواند به پیشرفت و سعادت دنیوی و اخروی دست یابد. عامل اصلی در پیروزی و رسیدن به مقاصد انسانی و الهی، دعا و توکل بر خداست. درحقیقت، توکل، از مقامات بسیار بلند روحی انسان مؤمن و مسلمان واقعی است، و آن اندازه بلند است که خداوند در قرآن کریم، مکرراً آن را مورد تأکید قرار داده و فرموده است: هر که بر خدا توکل کند، خداوند، او را کافی است و هیچ نیازی، به هیچ چیز و هیچ کس دیگر ندارد. و خداوند، دارندگان توکل را دوست می دارد. و واقعاً چه مقامی از این بالاتر که انسان، محبوب خدا بوده و خداوند، او را در دامن حمایت خود نشانند.

مفهوم توکل:

توکل در لغت، واگذاری کار به دیگری و انتخاب او به وکالت است. و اصطلاحاً به این معناست که انسان، تمام امور خود را به خدا واگذار کند. ولی باید توجه داشت که مفهوم توکل، این نیست که چون انسان، امورش را به خدا سپرده، دیگر، دست از تلاش و کوشش بردارد و به گوشه انزوا خزیده و بگوید: تکیه گاه من خداست.

توکل به خدا یعنی انسان خود را با قوانین الهی همسو کند و در جهت این قوانین گام بردارد. توکل نوعی ایمان قلبی برای واگذاری عاقبت امور به خداوند است و کسی که به قدرت و حکمت بی همتای خدا ایمان و اعتقاد قلبی دارد در کارهایش تماماً به خداوند تکیه می کند و به بزرگی خدا اعتماد کامل دارد و می داند که پس از توکل هر چه برایش پیش آید به صلاح او می باشد.

پیامبر گرامی اسلام (ص) تفسیر توکل را از جبرئیل سؤال کرد، جبرئیل گفت: معنای توکل این است که انسان یقین کند به این که سود و زیان و بخشش و حرمان به دست مردم نیست و باید از آن ها ناامید بود و اگر بنده ای به این مرتبه از معرفت برسد که جز برای خدا کاری انجام ندهد و جز او به کسی امیدوار نباشد و از غیر او نهراسد و غیر از خدا چشم طمع به کسی نداشته باشد، این همان توکل بر خدا است. (بحارالانوار ج ۶۸ ص ۱۳۸)

توکل در قرآن و روایات:

«...وَعَلَى اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ ...بر خدا توکل کنید اگر ایمان دارید (سوره مائده، ۲۳).  
«...وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ ...افراد با ایمان باید تنها بر خدا توکل کنند (سوره آل عمران، ۱۲۲).

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تَلَّتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛ مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود دل‌هایشان بیمناک می گردد و هنگامی که آیات او بر آن ها خوانده می شود

پیامبر گرامی اسلام (ص)

تفسیر توکل را از

جبرئیل سؤال کرد،

جبرئیل گفت: معنای

توکل این است که انسان

یقین کند به این که سود

و زیان و بخشش و

حرمان به دست مردم

نیست و باید از آن ها

ناامید بود و اگر بنده ای

به این مرتبه از معرفت

برسد که جز برای خدا

کاری انجام ندهد و جز او

به کسی امیدوار نباشد و

از غیر او نهراسد و غیر از

خدا چشم طمع به کسی

نداشته باشد، این همان

توکل بر خدا است

### آثار توکل از دیدگاه قرآن

۱- عزم راسخ: «...فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ»... هنگامی که تصمیم گرفتی، قاطع باش و بر خدا توکل کن زیرا خداوند متوکلان را دوست می‌دارد (سوره آل عمران، ۱۵۹).

۲- شجاعت: «وَلَا تَطْعَمُ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعِ أَذَاهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا» و از کافران و منافقان پیروی مکن و به آزارهای آن‌ها بی‌اعتنا باش و بر خدا توکل کن و همین بس که خدا حامی و مدافع تو باشد و با توکل به خدای متعال از هیچ کس نهراس (سوره احزاب، ۴۸).

۳- عدم سلطه‌ی شیطان به متوکلین: «إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» چرا که او [شیطان] بر کسانی که ایمان دارند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند تسلطی ندارد (سوره نحل: ۹۹).

۴- عدم نگرانی در حوادث: «...فَاعْرَضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا»... به آن‌ها اعتنا مکن و از نقشه‌های آن‌ها وحشت نداشته باش و توکل بر خدا کن و کافی است که او یار و مدافع تو باشد (سوره نساء، ۸۱).

### توکل در زندگی

طی مطالب گذشته ضرورت توکل در زندگی بیان شد و دیدیم که انسان متوکل مورد دوستی و رحمت خداوند قرار می‌گیرد، قطعاً فراوانی آیات و روایات در این زمینه گواه ضرورت و فایده‌ی غیر قابل انکار توکل در زندگی انسان است. هر کدام از ما بارها این شعر را شنیده ایم که "راهرو گر صد هنر دارد توکل بایدش". پس ما هرچقدر هم که علم و هنر زیادی داشته باشیم باز هم بدون توکل و ایمان قلبی به خداوند و بدون یاری او به جایی نمی‌رسیم گاهی اوقات ما تنها به تصور خود به خدا توکل کرده ایم اما در حقیقت اعتماد قلبی به خداوند نداریم، به خاطر همین است که توکل ما نتیجه نمی‌دهد. بارها برای هر یک از ما پیش آمده که کاری را آغاز کرده ایم،



ایمانشان فزونی می‌گیرد و فقط بر پروردگارشان توکل دارند (سوره انفال، ۲).

نکته ای که از این آیات دریافت می‌شود این است که؛ توکل از نشانه‌های انسان با ایمان است، و البته ایمانی که به دور از نفاق و خالصانه باشد، که در این صورت شخص متوکل تنها به خداوند امید دارد و فقط به او تکیه می‌کند و دست نیاز به سوی غیر دراز نمی‌کند.

امام علی علیه السلام: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ نَجَاةٌ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَحَرَزٌ مِنْ كُلِّ عَدُوٍّ؛ توکل بر خداوند، مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است. (بحار الأنوار، ج ۷۸، ص ۷۹، ح ۵۶).  
امیرالمؤمنین (ع) توکل را مایه‌ی نجات از شرور عالم معرفی کرده‌اند چرا که اگر انسان تمام کارهایش را بر پایه قوانین الهی و در جهت رضای خدا تنظیم کند، خداوند او را از بدی‌ها و پلیدی‌ها حفظ می‌کند.

قال الباقر علیه السلام: مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ لَا يُغْلَبُ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ لَا يُهْزَمُ؛ هر کس به خدا توکل کند، مغلوب نشود و هر کس به خدا توسل جوید، شکست نخورد. (جامع الأخبار، ص ۳۲۲) توکل با توجه به این حدیث می‌تواند عامل پیروزی و موفقیت انسان در هر کاری باشد. به شرطی که عاقلانه تصمیم بگیرد و با تدبیر و پشتکار عمل کند و نتیجه را به خداوند واگذار نماید.

و در ابتدای امر می‌گوییم "الهی توکل به تو" اما در این کار مرتکب حرام می‌شویم، قوانین الهی را دور می‌زنیم، حق عده‌ای را پایمال می‌کنیم، به وعده‌های خود با خدا عمل نمی‌کنیم و... آیا به راستی ما توکل کرده ایم؟ فرض کنیم که کسی وکالت امری را به ما واگذار کرده و ما در ازای تقبل این وکالت و به انجام رساندن کار، یک سری تعهدات از او بگیریم. اگر شخص به کارهایی که ما بگوییم عمل کند و آنگونه که تعهد کرده رفتار نماید به نتیجه‌ای که قرار بوده می‌رسد. ولی اگر ضد فراری که با هم داشتیم عمل کند و با شکست مواجه شود. بعد از این آیا می‌تواند بگوید که تو وکیل خوبی نبودی؟ قطعاً آنچه باعث شکست او شده رفتار خود اوست که اولاً به وکیلش اعتماد نکرده و ثانیاً قوانین او را زیر پا گذاشته پس موفق نشده. آدمی در توکل به خدا نیز اینگونه است و همیشه ما از سمنی می‌افتیم که به خدا تکیه نکرده ایم. خوب است بعضی مواقع در طی مسیرمان وقتی به دوراهی می‌رسیم یک بررسی ساده انجام دهیم؛ راهی که باید ها و نباید‌ها و پیچ و خم‌های دینی دارد در یک طرف و راهی که مستقیم و بدون پیچ و خم و قوانین دینی است، طرف دیگر ما قرار دارد. انتهای مسیر اول به یک جایی می‌رسد که هم هدف ما در آنجاست و هم مثل جاده‌ی چالوس با اینکه

خیلی پر پیچ است ولی سرسبز و با صفاست، به قول معروف هم فال است و هم تماشا، هم به هدف می‌رسیم و هم کلی لذت می‌بریم. ولی مسیر دوم مثل یک اتوبان است هم جاده‌ی صاف و همواری دارد و هم زودتر ما را به مقصد می‌رساند اما طی کردن این مسیر هیچ لذتی ندارد. شما کدام مسیر را انتخاب می‌کنید؟ ما در مسیر زندگی بارها به این دوراهی‌ها می‌رسیم و بارها راه دوم را انتخاب می‌کنیم چون تنها هدف و مقصد را در نظر داریم و برای رسیدن به آن عجله می‌کنیم، ولی خیلی کم حاضر می‌شویم از جاده‌ای که انتهایش خدا ایستاده برویم و حتی از لذت‌های فراوان این مسیر هم بهره مند شویم. درست مصداق این آیه‌ی قرآن که می‌فرماید: **عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**. بقره/۲۱۶ \* چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آنکه خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آنکه شر شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید. (تفسیر نمونه ج ۲ ص ۱۰۶) پس بهتر است همه‌ی امور خود را به دست کسی بسپاریم که خیر و صلاح ما را می‌خواهد و به او اعتماد کامل داشته باشیم تا به سر منزل مقصود که سعادت دنیا و آخرت است دست پیدا کنیم.

### نتیجه‌گیری:

در دنیایی که پر از زرق و برق و جاده‌های منحرف‌کننده است، سرگرم شدن به این مسیرهای انحرافی به راحتی می‌تواند ما را از مقصد اصلی دور کند و زمانی متوجه این امر می‌شویم که زمان گذشته و دیگر نمی‌توانیم به عقب بازگردیم. برای اینکه به قولی علاج واقعه پیش از وقوع کنیم، بهتر است از مسیر الهی خارج نشویم هر چند مسیرهای دیگر بهتر و راحت‌تر به نظر برسند. توکل کردن به خدا یکی از عواملی است که ما را در مسیر الهی قرار می‌دهد البته به شرطی که فقط توکل لسانی نباشد، چراکه مثل ایمانی که درونی نشده باشد نهایتاً به نفاق می‌انجامد و نتیجه‌ی عکس می‌دهد. بهتر است در زندگی تنها به خدا اعتماد کنیم چراکه خدایی که انسان را آفریده بهتر از خود انسان خیر و صلاح او را، می‌داند، می‌خواهد و می‌تواند که او را به آن مسیر رهنمون کند. کافی است که ما خود بخوایم و همت کنیم و قدم در راه سعادت بگذاریم تا خداوند هم دست ما را بگیرد و به مقصد اصلی که کمال و پیروزی و شادمانی ابدی و قرب الهی است برساند.

وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ



# اثرات شبکه های اجتماعی بر زندگی انسانها

پروین خالصی



۶. ایجاد کننده احتمالی مشکلات و خستگی های روحی، تحصیلی و آموزشی
۷. سرد شدن روابط بین اعضاء در خانواده
- ۸- کم رنگ شدن نقش والدین در تربیت فرزندان
۹. افزایش سوء ظن ها و اختلافهای بین زوجین و افزایش آمار طلاق
۱۰. تشدید سوء استفاده های جنسی و اخلاقی
۱۱. افزایش کلاهبرداریهای مالی و اقتصادی

## راهکارها:

از آنجا که حضور شبکه های مجازی در محیط اطراف افراد کم و بیش غیر قابل اجتناب گشته اند بایستی به دنبال راهکارهای عقلانی بود که برخی از آنها عبارتند از: افزایش آگاهی و شناخت مردم بر فواید و مضرات آنها، آموزش به مردم در زمینه ی شیوه ی مدیریت بر فرهنگ جدید الورد، نظارت صحیح و اصولی والدین بر رفتار فرزندان، ارتقاء سواد رسانه ای، تقویت مبانی دینی و اخلاقی و اعتقادی مردم، آموزش شیوه های صحیح استفاده از شبکه ها و....

اما آنچه مهم می باشد این است که گر چه بسیاری از اختراعات و نوآوری های بشر با انگیزه ی تأمین رفاه و آسایش و تحکیم ارزشهای انسانی و در جهت نیل به کمال شکل گرفته است اما در عین حال به دلیل برخی کج فکریها و استفاده های نادرست، جسم و جان و اخلاق و روان انسانها را مورد آسیب قرار داده است و حتی گاهاً فرهنگ و اعتقادات و رفتارهای اجتماعی آنها را دگرگون کرده است. در ابتدا به چند مزیت و سپس معایب شبکه های اجتماعی اشاره خواهیم نمود:

## مزایای شبکه های اجتماعی:

۱. انتشار سریع و آزادانه اخبار و اطلاعات
- ۲- افزایش قدرت تحلیل و تقویت روحیه انتقادی
۳. امکان عبور از مرزهای جغرافیایی و آشنایی با افراد، جوامع و فرهنگهای مختلف
۴. شکل گیری و تقویت خرد جمعی
۵. امکان بیان ایده ها به صورت آزادانه و آشنایی با ایده ها، افکار و سلیقه های دیگران
۶. ارتباط مجازی مستمر با دوستان و آشنایان
۷. توسعه ی مشارکتهای مفید اجتماعی

## پیامدهای منفی شبکه های اجتماعی:

۱. تبلیغات ضد دینی و القای شبهات
۲. تخریب و نقض حریم خصوصی افراد
۳. اتزوا و دور ماندن از محیطهای واقعی اجتماع
۴. گم شدن هویت واقعی افراد
۵. ایجاد کننده مشکلات ارگونومی بدن به دلیل استفاده های طولانی مدت از شبکه های مجازی

شبکه های اجتماعی یکی از جدیدترین و پر مخاطب ترین سرویس های اینترنتی است لذا از جنبه های مختلف قابل کنکاش و تجزیه و تحلیل می باشد. اینترنت به عنوان یکی از مهم ترین ابداعات بشری در قرن اخیر، با قابلیتها و کارکردهای متعدد و گسترده اش بخشهای مختلف زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده که این تأثیرات می تواند مثبت یا منفی باشد. اهداف اصلی اینترنت، برداشتن فاصله جغرافیایی میان انسانهای سراسر دنیا، ایجاد تحول در عرصه ارتباطات و تبادل اطلاعات است. اینترنت کار خود را به عنوان ابزار ارتباطی بین دانشمندان و خصوصاً جهت تبادل داده ها و منابع تحقیقاتی شروع کرد اما سریعاً توانست خود را در بین مصرف کنندگان عمومی جای دهد. این در حالی بود که هرگز هیچ کس تصور نمی کرد که روزی بعد جنبه اجتماعی اینترنت، به صورت کاربرد اصلی آن در آید. شبکه های اجتماعی، نسل جدیدی از پایگاه هایی هستند که این روزها در کانون توجه کاربران شبکه های جهانی اینترنت فرار گرفته اند. این تغییر و تحولات در نظام اجتماعی ناشی از اینترنت، انکار ناپذیر است. امروزه حتی بچه ها هم به نوعی برای انجام تکالیف درسی و برقراری روابط اجتماعی به اینترنت وابسته شده اند. حتی شیوه برقراری ارتباط شاگرد و استاد و روش تدریس در برخی دانشگاهها نیز متحول گشته است.

## به خانواده برگردیم

اجازه ندهیم رسانه ها ما را از هم دور کنند.





دین اسلام جایگاه بسیار والایی را برای زنان، هم در خانواده و هم در اجتماع، قائل شده است. اسلام، زن را سازنده اجتماع می‌داند که قادر است یک جامعه را به سوی سعادت و تعالی هدایت کند یا اینکه به سوی فساد و تباهی سوق دهد. حضرت امام خمینی (ره) نیز در این زمینه می‌فرماید: "صلاح و فساد یک جامعه، از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد."

زنان علاوه بر ایفای نقش سازنده در خانه و خانواده، نقش اساسی و سرتوشت ساز مادری و همسری را نیز بر عهده دارند. زنان در جامعه و اجتماع نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود

انسیه جهان‌دیده



اختصاص داده اند، به طوری که بسیاری از چرخ‌های اقتصادی، آموزشی و خدمات باستان توانمند آنان به حرکت در می‌آید. به جرئت می‌توان گفت عدم حضور آنان در برخی مشاغل به ساختار جامعه ضربه خواهد زد. و همچنین جدا از جنبه اجتماعی حضور زنان در جامعه از لحاظ شخصی نیز حضور هر فردی در عرصه‌های اجتماعی طبعاً رشد و تعالی شخصیتی را برای فرد در پی خواهد داشت.

به علت تعدد نقش‌های زنان به ویژه نقش مادری و همسری در کنار نقش اجتماعی، برای اینکه حضور زنان منشأ آثار مفید برای خود آنان و جامعه باشد، اسلام تمهیداتی اندیشیده است. در متون اسلامی، درباره حفظ کانون خانواده توسط زنان تاکید بسیاری شده است. اسلام با کار کردن و اشتغال زن مخالف نیست. رهبری نیز درباره کارکردن زن، معتقد است که اسلام با کارکردن زن موافق است تا آنجایی که مزاحم مهمترین شغل زن یعنی تربیت فرزند و حفظ خانواده نشود. اعتقاد حضرت آیت الله خامنه‌ای بر این است که شغل اصلی زن، شغل همسری و مادری است، هرچند که برخی این را اهانت به زن می‌دانند اما شغل اجتماعی زنان نباید مخل و مزاحم جنبه مادری شان باشد.

# همسر خوب پا کارمند خوب

رهبری با اشاره به جذابیت طبیعی بانوان، معتقدند که اگر حضور زنان در اجتماع بی ضابطه باشد، نه تنها این حضورشان خدمت نیست که می‌تواند در اجتماع اختلال ایجاد کند. رهبری یکی از ملزومات حضور زنان در اجتماع را تکبر زن در برابر مرد نامحرم می‌داند. تکبری که در هیچ جا پذیرفته شده نیست مگر تکبر زن در مقابل مرد نامحرم. «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» این خواسته اسلام و الگوی زن مسلمان است.

برای اینکه شخصیت زن مورد سوء استفاده قرار نگیرد و در جامعه اختلال ایجاد نشود، ضوابطی برای بانوان برای حضور در اجتماع در نظر گرفته شده است از جمله در مورد پوشش ایشان و همچنین نگاه ریزین اسلام به مواردی چون نحوه صحبت کردن، نگاه و مواردی دیگر می‌پردازد تا نگاه جامعه به زنان نگاهی ابزاری نباشد و ایشان را تنها به خاطر فکر و اندیشه شان بسنایند و نه چیزی دیگر.

شهید مطهری درباره زیانهای اختلاط بدون ضابطه در این عصر ارتباطات و دهکده جهانی می‌نویسد: "جامعه امروزی، زیانهای اختلاط زن و مرد را به چشم خود می‌بیند؛ چه لزومی دارد که زنان، فعالیتهای اجتماعی خویش را به اصطلاح دوشادوش مردان انجام دهند؟! آیا اگر در دو صف جداگانه انجام دهند، نقصی در فعالیت کاری آنان رخ می‌دهد؟ از جمله اثر بارز این دوشادوشی‌ها این است که هر دو همدوش را از کار و فعالیت مثبت باز می‌دارد و هر یک را به جای توجه و دقت به کار خود، متوجه "همدوش" می‌کند، تا آنجا که غالباً این همدوشی‌ها به هم آغوشی‌ها منتهی می‌گردد." در آیه ۱۲ سوره ممتحنه، خداوند به حضور سیاسی زنان در زمان پیامبر اشاره می‌کند. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «وقتی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مکه را فتح نمودند با مردان بیعت کردند، سپس زن‌ها آمدند که با حضرت بیعت نمایند و خداوند آیه ۱۲ سوره ممتحنه را نازل فرمود.

بنابراین در زمان صدر اسلام نیز زنان مسلمان در جریان مسائل سیاسی مهم روز بودند و در آنها شرکت می‌کردند. بیعت بازرترین مظهر عمل سیاسی آن دوران است که زنان نیز ملزم به پذیرفتن شرایط آن بودند.

دنیای مدرن که مظهرش زندگی در غرب است، به دلیل عدم رعایت حقوق زن و نادیده گرفتن ویژگی‌های ذاتی و طبیعی زنان، شاهد فروپاشی بنیان خانواده و سوء استفاده از زنان در جهت منافع اقتصادی است. یکسان دیده شدن زن با مرد و تحمیل هر نوع کار و همچنین نادیده گرفتن و حتی ضدیت با عفاف زنان موجب شده است که زنان به تبع آن خانواده‌های غربی ضرر می‌کنند. در جوامع غربی، کار زنان یک امر ضروری و عرف اجتماعی است، زن نمی‌تواند در خانه بنشیند و بگوید نمی‌خواهم کار کنم. جامعه این موضوع را به وی تحمیل می‌کند و زن و مرد هر دو باید برای تأمین معاش خانواده کار کنند. یکی از معدود جاهایی که ذات زن در غرب به رسمیت شناخته است، در زمان زایمان و مرخصی زایمانی است که به او می‌دهد.

در حقیقت نادیده گرفتن تفاوت‌های زن با مرد، ظلم آشکاری است که دنیای غرب به زنان روا داشته است. ظلم به جایگاه مادر و ظلم به فرزند وی است. ظلم به جایگاه همسری و خانواده اوست.

حضور عقیقانه زنان که نیمی از پیکره جامعه اسلامی را تشکیل می‌دهند، در عرصه اجتماع منشأ آثار و برکات بسیاری برای جامعه اسلامی خواهد بود. زنان با حضور اجتماعی خود هم به جامعه خدمت خواهند نمود، هم خود در این حضور اجتماعی به رشد و تعالی خواهند رسید. اما حضوری بدون رعایت عفاف و بی‌ضابطه منجر به بسیاری از مفاسد خواهد شد که نمونه آن را در جوامع غربی به عینه مشاهده می‌کنیم طبق آیات سوره‌های نساء، نحل و روم، نظام خلقت، زن و مرد را از یک جنس و سرشت خلق کرده و هیچ یک را بر دیگری برتری نداده است. اسلام، هیچ کدام را تحقیر نمی‌کند. از دیدگاه اسلام، پاداش اخروی و قرب الهی، ربطی به جنسیت ندارد، بلکه بستگی به ایمان و عمل دارد. هم مرد و هم زن می‌توانند به مقامات معنوی و الهی دست یابند.

## زنان علاوه بر ایفای نقش سازنده در خانه و خانواده، نقش اساسی و سرنوشت ساز مادری و همسری را نیز بر عهده دارند. زنان در جامعه و اجتماع نیز جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده‌اند، به طوری که بسیاری از چرخ‌های اقتصادی، آموزش و خدمات با دست‌ان توانمند آنان به حرکت در می‌آید.



همچنین در مهاجرت مسلمانان برای گسترش پایگاه‌های اسلام که در جهت حفظ دین اهمیت بسیاری داشته است، میان زنان و مردان مسلمان تفاوتی نبوده و همگان در راستای گسترش اسلام به مدینه مهاجرت نمودند. در قرآن نیز در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء به مهاجرت زنان مسلمان اشاره شده است و این، نشانگر عدم ممانعت دین مبین اسلام با حضور با ضوابط زنان مسلمان در عرصه جامعه می‌باشد.

آیات ۲۳ و ۲۶ سوره قصص از فعالیت‌های اقتصاد دختران شعیب می‌گوید و شرم و حیای آنها در حین کار را به عنوان الگو معرفی می‌کند. در این آیات به برخی رفتارهای اجتماعی دختران شعیب اشاره شده است، اعمالی مانند چوپانی، آب دادن به گوسفندان در کنار مردان، سخن گفتن با حضرت موسی که در این آیه مصداق مرد بیگانه است. رفتارهایی که با کمال عفاف و رعایت حجاب انجام شده است، حضور در اجتماع و پرهیز از اختلاط با مردان، راه رفتن با شرم و حیا، همه و همه باعث شده است که قرآن آنان را به عنوان الگوی حضور اجتماعی برای کل تاریخ معرفی کند.

گذشته از این سیر تاریخی که بیشتر اشاره شد، اسلام با فعالیت اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی زنان موافق است. رهبر انقلاب نیز با تأیید این حرف گفته‌اند که «از نظر اسلام، میدان فعالیت و تلاش علمی و اقتصادی و سیاسی برای زنان، کاملاً باز است. اگر کسی با استناد به پیش اسلام بخواهد زن را از کار علمی محروم کند، از تلاش اقتصادی باز دارد، یا از تلاش سیاسی و اجتماعی بی‌نصیب سازد، به خلاف حکم خدا عمل کرده است.» در عین حال که اسلام مخالف تحمیل کار سنگین بر زن است، حضرت علی (ع) درباره زنان تعبیر ریحانه را استفاده کرده و فرموده‌اند: «المراه ریحانه و لیست بقهرمانه». یعنی زن گل است، قهرمان نیست. این در حالی است که در جامعه سردرگم امروزی می‌بینیم برخی مردان هنگام ازدواج شرط قائل می‌شوند که زن باید حتماً کار کند و شغل و درآمدی داشته باشد، که این شرط به کلی خطاست.

# آموزش گام به گام تجوید

محمدهادی شمس الدینی

بَلُوك. بنابراین از این پس در تلفظ عبارت هایی مانند «الحمد لله» سعی ما بر این است که حرکت ضمه را به صورت «او» تلفظ کنیم. تلفظ فتحه هم در زبان عربی و فارسی شبیه هم است. این کلید اول را اگر رعایت کنیم، کل لهجه ما عربی می‌شود و این اولین پایه است.

## کلید دوم؛ حروف

نحوه اداء حروف عربی در صحیح خواندن آیات قرآن کریم بسیار تأثیرگذار است. زبان عربی ۲۸ حرف دارد که تلفظ ۱۸ حرف از این ۲۸ حرف با زبان فارسی هیچ فرقی ندارد و تنها ۱۰ حرف این زبان است که با شیوه تلفظ آن در فارسی متفاوت است. این ۱۰ حرف به ترتیب حروف الفبا عبارتند از: حرف «نا»، «حا»، «ذال»، «صاد»، «ضاد»، «طا»، «ظا»، «عین»، «غین» و «واو». اکنون نحوه تلفظ صحیح این ۱۰ حرف متفاوت را به سرعت بیان می‌کنیم تا شما هم به سرعت یاد بگیرید.

## کلید اول؛ حرکات

حرکات زبان عربی شامل فتحه، ضمه و کسره است که این سه را باید به عربی بگوییم نه فارسی. چرا که شیوه تلفظ این حرکات در زبان عربی با زبان فارسی تا حدودی متفاوت است. به این معنی که ما در زبان فارسی کسره را به صورت (ـ) می‌گوییم؛ ولی عرب کسره را به صورت (ای) تلفظ می‌کند. لذا وقتی می‌خوانیم «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌بایست حرکت کسره حرف باء را متمایل به یاء تلفظ کنیم نه به صورت (ـ). در این صورت ما به جای «بسم الله» چیزی شبیه «بیسم الله» را تلفظ می‌کنیم.

تلفظ ضمه نیز در عربی با فارسی کمی تفاوت دارد. در عربی صدای ضمه متمایل به حرف (واو) می‌باشد. چیزی شبیه به صدای «او» زبان فارسی اما بدون کشش. با این حال گفته شده است در زبان فارسی نیز هرگاه بعد از حرف مضموم، حرفی با صدای «او» بیاید، ضمه متمایل به واو شده و مثل ضمه عربی تلفظ می‌شود مثل «ب» در

وقتی ما تصمیم می‌گیریم به یک زبان جدید صحبت کنیم، طبیعتاً انتظار می‌رود حروف و کلمات آن را همانگونه تلفظ کنیم که متکلمین به آن زبان تکلم می‌کنند، نه به لهجه خودمان. در «علم آواشناسی» که به بررسی اصوات گفتار انسان می‌پردازد، یک قانونی کلی وجود دارد و آن این است که: «هرکسی می‌خواهد به زبانی صحبت کند، باید آن زبان را با لهجه مخصوص خودش صحبت کند.» یعنی یک فرد هندی باید زبان خودش را با همان قواعد زبان هندی اجرا کند و کسی هم که می‌خواهد عربی حرف بزند و بخواند باید با لهجه عرب بخواند.

قرآن کریم به زبان عربی است. ما هم باید قرآن را به لهجه عربی بخوانیم. اما چگونه؟ «علم تجوید» شیوه قرائت قرآن به لهجه عربی را به ما می‌آموزد. ما در اینجا مهم‌ترین کلیدهای تجوید و لهجه عربی را برای شما به صورت فشرده بیان می‌کنیم.

قرآن خواندن به لهجه عربی سه کلید اصلی دارد و این کلیدها عبارتند از: «حرکات عرب»، «حروف عرب» و «حجم حرکات حروف»

### کلید سوم: حجم حروف

کلید سوم قرائت قرآن به لهجه عربی این است که بدانیم کجا «تفخیم» و کجا «ترقیق» کنیم. خلاصه اینکه بر خلاف زبان فارسی که همه حروف یک کلمه، هم حجم ادا می‌شوند، حروف در زبان عربی هم حجم نیستند. یعنی در زبان فارسی همه حروف همانگونه که هستند، ادا می‌شوند مانند ت، ب، ر، ش و ... اما در زبان عربی حروف دارای حجم‌های متفاوتند، صدای بعضی از حروف درشت و صدای بعضی از آن‌ها نازک است و این درشتی و نازکی در کنار هم زیبایی می‌آفریند و سبب می‌شود زمانی که حروف در قالب کلمات در کنار هم قرار می‌گیرند صدای خواندن قرآن ما را قبل از اینکه آهنگین بخوانیم موسیقایی و زیبا کند. مثل یک ارکستری که سازهای آن صدای بم و صدای زیر تولید می‌کند.

نتیجه آنکه در قواعد تجوید به حجم و درشتی صدای حروف «تفخیم» می‌گویند، یعنی پر بودن و درشتی صدا. نازکی صدا و حروفی که

قرآن کریم به زبان عربی است. ما هم باید قرآن را به لهجه عربی بخوانیم. اما چگونه؟ «علم تجوید» شیوه قرائت قرآن به لهجه عربی را به ما می‌آموزد.

اولین حرف «ثا» است که باید مانند بجهای که نوک زبانش می‌گیرد و به جای اینکه بگوید «سبب» می‌گوید «ثیب» ادا شود، مانند «ثالث»، «ثم» و ... دومین حرف «حا» است که از ته گلو، درست مانند کسی که می‌خواهد پوست تخمه را از گلو خارج کند ادا شود، همچون «الحمد لله»، «الرحمن»، «الرحیم». سومین حرف «ذال» است که تلفظی شبیه به «ثا» دارد و باید نازک تلفظ و از درشت‌گویی جلوگیری شود. حرف بعدی «صاد» است که در فارسی مانند حرف «سین» تلفظ می‌شود اما در عربی متفاوت است. در زبان عربی برای تلفظ حرف «صاد» حرف را در گلوی خودشان می‌اندازند مانند «صادقین»، «صدق»، «اهدنا الصراط». حرف بعدی «ظا» است. تلفظ این حرف نیز همانند بجهای که نوک زبانش گرفته می‌شود، است، همچون حرف «ذال» با این تفاوت که حرف «ظا» از ته گلو ادا می‌شود، مانند «ظالمین»، «ظلم»، «العظیم». یکی دیگر از حروف متفاوت حرف «عین» است که برای تلفظ صحیح آن حتماً باید بین گلو بچرخد، در فارسی «انعمت علیهم» خیلی عادی و به دور از پیچیدگی تلفظ می‌شود اما در عربی باید حرف «عین» در گلو بچرخد، مانند «سبحان ربی الاعلی و بحمده». حرف بعدی «غین» است، در قرائت قرآن وقتی به این حرف می‌رسیم، باید آن را درشت و پر تلفظ کنیم و آن را در گلو بیندازیم، مانند «غیرالمغضوب». باید دقت کرد که این حرف شبیه به تلفظ حرف «قاف» نشود. قاف محکم است و همانقدر که قاف محکم است غین شل است. آخرین حرف متفاوت بین فارسی و عربی حرف «واو»

است که فارسی زبان‌ها آن را «و» ادا می‌کنند اما عرب زبان‌ها برای تلفظ آن لب را غنچه کرده و آن را مانند «و» انگلیسی تلفظ می‌کنند.

نازک تلفظ می‌شوند را نیز «ترقیق» می‌گویند به این معنی که این حروف رقیق می‌شوند. اما در زبان عربی این ۷ حرف را باید درشت ادا کرد: «صاد»، «ضاد»، «طا»، «ظا»، «خا»، «غین» و «قاف». این هفت حرف را حروف «استعلا» می‌گویند یعنی این حروف میل به بلندی دارند و صدای آنها درشت تلفظ می‌شود. حروف استعلا همیشه و در همه حال درشت تلفظ می‌شوند؛ اما دو حرف «لام» و «را» گاهی اوقات نازک و گاهی اوقات درشت تلفظ می‌شوند. «لام» فقط در کلمه «الله» در قرائت قرآن درشت تلفظ می‌شود؛ آن هم زمانی که قبل از حرف «لام» کلمه «الله» فتحه یا ضمه باشد. مثلاً در «ان الله» «لام» درشت و غلیظ تلفظ می‌شود. در غیر این صورت لام الله اگر ما قبل کسره باشد، چون کسره عامل ترقیق و نازکی است لام را نیز نازک می‌کند مانند: «بسم الله الرحمن الرحیم». اما در مورد حرف «را» باید بدانیم که ضمه و فتحه اصولاً رفیق تفخیم هستند و هر چیزی که هم خانواده فتحه و ضمه باشد تفخیم می‌شود. حرف یا صدایی هم که نسبتی با کسره داشته باشد اصولاً باعث ترقیق و نازک شدن است. در نتیجه با دانستن این نکته که فتحه و ضمه باعث تفخیم هستند و کسره باعث ترقیق است، می‌توان گفت هر وقت حرف «را» فتحه یا ضمه داشته باشد، تفخیم می‌شود و وقتی که کسره داشته باشد ترقیق تلفظ می‌شود.

بنابراین با در دست داشتن این سه کلید می‌توانیم قرآن را به لهجه خود قرآن قرائت کنیم.



# ازدواج اینترنتی

نازنین آبشاری



تجمل گرایی حتی در زمان مراسم ازدواج و اینکه کجا و با چه امکاناتی برگزار شود، نه تنها بهتر نشده که بدتر هم شده و مردم روز به روز به رغم درآمدهای پایین به برگزاری جشن هایی پر هزینه اصرار دارند.

وی خاطرنشان کرد: بارها مشاهده شده جوانانی که بعد از آشنایی اینترنتی و فضای مجازی به رابطه ازدواج رسیدند، با اسرار پر هزینه های فیلم و عکس بالا، بعد از شش ماه یا نهایتاً یک سال، به این نتیجه می رسند که با یکدیگر تفاهم نداشته و جدا می شوند و آن زمان این سوال که این همه اصرار برای ثبت خاطره ازدواج چیست، نامشخص است. روح افزا با اشاره به معرفی افراد در فضای مجازی اظهار کرد: فضاهایی مانند شبکه های اجتماعی یا وسایل ارتباطی مانند لاین و وایبر به راحتی می توانند به عنوان وسایلی باشند تا افراد آنگونه که می خواهند و نه آنگونه که هستند، خود را نشان دهند.

وی تاکید کرد: به دنبال آشنایی دو جوان، نوعی وابستگی به یک شخصیت مجازی به وجود می آید که فرد مقابل نمی تواند به مرور زمان با واقعیت کنار بیاید و در نهایت یک رابطه که با دروغ و تخیلات شروع شده، از هم می پاشد.

روح افزا به نقش خانواده ها اشاره کرد و افزود: شاید یکی از عللی که منجر به شکل گیری یک آشنایی در فضای اینترنت می شود، عملکرد نادرست خانواده ها باشد چرا که برخی خانواده ها بر این باورند جوانان همین که خودشان یکدیگر را تأیید کنند و مسیر خود را بیابند، کفایت می کند و نیازی به دخالت و تدبیر آنها برای رسیدن به نتیجه مثبت و ابده ال نیست.

## خواستگاری یکی از بایدهای آداب و رسوم باقی مانده از قدیم

این استاد دانشگاه گفت: این مسأله که خانواده ها نباید دخالت کنند درست است اما باید همواره کمی درایت باشند تا تصمیم دو جوان از دو خانواده متفاوت به نتیجه ابده آلی ختم شود وی ادامه داد: آداب و رسوم ایرانی در عناوینی مانند خواستگاری و آشنایی دو خانواده به صورت رسمی و جدی، یکی از ملزوماتی است که عده ای آن را منسوخ شده می دانند اما باید تاکید کرد که در همین مراسم ممکن است دروغ هایی که دو جوان در شبکه مجازی به یکدیگر زدند افشا شود.

روح افزا افزود: البته این مسأله که افراد همواره

اجتماعی چقدر می تواند در تغییر آداب و رسوم ازدواج آنها تاثیر گذار باشد را نمی توان نفی کرد، اما باید دریچه نگاه را تغییر داد.

وی افزود: عده بسیاری در جامعه معتقدند آداب و رسوم ازدواج در خانواده های سنتی همچنان مانند قبل است اما بر خلاف این تصور، آداب و رسوم ازدواج در تمام خانواده ها و با تمام افکار و عقاید مختلف، با ضرایب مختلفی با تغییر نسبی و مشهودی همراه بوده است.

روح افزا با اشاره به تصور عده ای مبنی بر باقی ماندن برخی از رسوم در شروع یک زندگی مشترک گفت: متأسفانه رسومی مانند جهیزیه های سنگین و مطابق آداب چشم و هم چشمی و یا مهریه های بالا در شروع یک زندگی باقی مانده اند که از مدت ها قبل هم سایه انتقاد بر آنها حاکم بود اما همچنان پابرجا هستند؛ البته مجلس شورای اسلامی با قانونی که برای مهریه وضع کرد توانست این مورد را کنترل کند اما باز هم مردم در زمان ثبت رقم مهریه به ارقامی مانند ماه و سال تولد تکیه می کنند.

این استاد دانشگاه یادآور شد: میزان اسراف و

در این مصاحبه تفصیلی به سراغ فرشته روح افزا، معاون شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده و یکی از مسئولین حوزه زنان و خانواده کشور، که تجربه زندگی بلند مدت در غرب را نیز داشته است، رفته ایم تا نظر وی را در خصوص تغییر راه و رسم ازدواج در ایران و گسترش ازدواج اینترنتی جویا شویم. وی در این گفت و گو از بایدها و نبایدهای یک ازدواج موفق و مراسم خواستگاری سخن می گوید. روح افزا همچنین درباره شبکه های اجتماعی و راههای واکنش کردن جوانان در برابر آن نیز توضیحاتی ارائه می دهد.

معاون شورای فرهنگی - اجتماعی زنان و خانواده در گفت و گویی از راه های ازدواج موفق سخن می گوید وی همچنین به تشریح تاثیر آداب و رسوم در سبک ازدواج امروزی جوانان نیز می پردازد. وی معتقدست: این موضوع که نوع آشنایی جوانان با یکدیگر در فضای مجازی و شبکه های

اشاره کرد و افزود: در شرایطی که فیلم و کتاب و مجلات و یا حتی موسیقی می تواند بهترین روش برای آموزش جوانان باشد، محتوای آنچه از این وسایل در اختیار جوانان قرار گرفته است، مخرب یا منفی هستند.

وی پیرامون این مساله گفت: زمانی که یک جوان فیلم سینمایی را مشاهده می کند، فقط به این باور می رسد که جامعه ای که در آن زندگی می کند مملو از مصیبت هاست در حالی که می توان فیلم هایی ساخت که به جوانان روحیه و انگیزه زندگی دهد و علاوه بر آن، روش های مناسب انتخاب در مهمترین شرایط را به آنها آموزش بدهند. گفته این استاد دانشگاه، سیاه نمایی در یک فیلم یا موسیقی، قدرت فکر و انتخاب و حتی تحلیل را از جوانان می گیرد.

### هشدار آسیب زا بودن شبکه های اجتماعی را همراه با راهکار به جوان ارائه دهیم

روح افزا با اشاره به اقدام مسئولین برای فیلتر کردن شبکه های اجتماعی به عنوان راه حلی برای برون رفت از این فضا، گفت: این نکته که شبکه های اجتماعی آسیب زا هستند امری بدیهی است مانند این که به فردی بگویم شیر مسموم، مسموم است اما مسئولان تا چه زمانی قصد ادامه فیلتر کردن را دارند؟ چرا در تمام این مدت به فکر راهی برای آگاهی دهی به جامعه نبودند. این استاد دانشگاه با بیان مثالی از عملکرد کشورها پیشرفته گفت: در برخی از کشورها با قرار دادن شبکه اینترنت، محدوده سنی استفاده از اینترنت و انتخاب شبکه های مناسب برای هر رنج سنی را تعریف کرده اند اما در کشور ما مسئولان هر چند وقت یک بار با افزایش پهنای باند

برای درخواست فرزند خود را ندارند و این یک تصور نادرست است. به گفته وی، آشنایی های اینترنتی در غالب فتوشاپ و حرف های کبی برداری شده از سایت های مختلف و یا معرفی های دروغین نمی تواند یک آشنایی صحیح و منطقی شمرده شود و باید آن را با دلایل منطقی به اطلاع جوانان رساند.

این استاد دانشگاه افزود: زمانی که یک جوان به عقل واقعی برسد و یک شکست از طریق فضای مجازی را پشت سر گذاشته باشد، خانواده خود را مؤاخذه می کند که چرا در شرایط حساس وی را یاری نکردند.

روح افزا چشم و هم چشمی و اهمیت پرستیژ برای پدر و مادر را نیز در نقطه مقابل یک جوان در آشنایی های مجازی قرار داد و گفت: متأسفانه به دلیل تحمل گرایی عده ای والدین، جوانان از همفکری آنها اجتناب کرده و حتی با وجود مخالفت آنها با یکدیگر، یک شراکت اشتباه در زندگی را آغاز می کنند و بعد از شکست هم خانواده و هم جوان متوجه اصل ماجرا می شوند. وی با طرح این سوال که حال جوان از کجا باید به روش انتخاب و آشنایی صحیح با شریک آینده خود پی ببرد؟، گفت: در شرایطی که آموزش و فرهنگ سازی حرف اول را می زند، تمرکز بسیاری از مدیران بر برنامه ریزی و اتخاذ سیاست هایی است که اغلب به شرایط سیاسی و اقتصادی معطوف است و کمتر مواقعی است که دغدغه اصلی مسئولان اجرایی به فرهنگ سازی صحیح برای پایه گذاری یک شیوه و آداب صحیح ازدواج محدود شود.

روح افزا در این خصوص به وسایل آموزشی و فرهنگ سازی موجود که می تواند بهترین ابزار برای آموزش جوانان و خانواده های آنها باشد

در شرایط مهم و حساس سعی در مثبت نشان دادن خود داشته و عیوب خود را پنهان می کنند، امری عادی تلقی می شود اما مدیریت این مساله باید به دست طرفین باشد تا بتوانند به آن ایرادات پی برده و با شناخت کامل با یکدیگر ازدواج کنند.

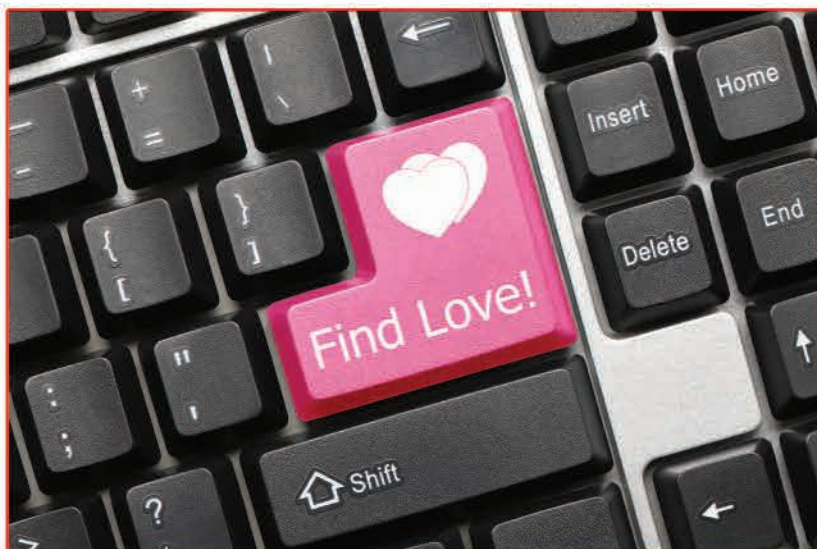
این عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان گفت: طبق آداب و رسوم قدیمی، خانواده ها علاوه بر آشنایی دو جوان، بر آشنایی دو خانواده با یکدیگر هم تأکید می کردند اما امروزه این رسم به آشنایی دو جوان با یکدیگر محدود شده و سبب می شود که دو جوان بدون آموزش و شیوه صحیح انتخاب، قدم به یکی از مسیرهای مهم زندگی بگذارند.

وی ادامه داد: این شرایط در حالی است که خانواده موظف به آموزش جوانان است و باید در انتخاب شریک زندگی فرزند خود، وی را در تمام مراحل همراهی کند تا در صورت مشاهده اختلافی که حل شدنی نیست، فرزند خود را توجیه و از بروز یک شکست سنگین در زندگی یک دختر یا پسر جلوگیری کند.

### خانواده وظایف خود در تصمیم گیری جوان را فراموش نکند

روح افزا تأکید کرد: خانواده باید بدانند که زمان انتخاب و تصمیم گیری بهترین زمانی است که می تواند تأثیرگذارترین نظر را ارائه دهد زیرا دو جوان در زمان آشنایی در فضاها و اماکن مختلف، ممکن است به دلیل پسند یکدیگر و علاقه موقتی که بین آنها به وجود آمده، از ایرادات یکدیگر چشم پوشی کنند و این وظیفه خانواده است که با توجه به شناخت کامل از فرزند خود، وی را در تصمیم گیری نهایی همراهی کنند. این استاد دانشگاه به دیالوگ معروف خانواده های ایرانی اشاره کرد و افزود: بسیاری از خانواده ها با تکیه بر جمله توکل بر خدا، از فکر کردن درباره یکی از مهمترین تصمیمات زندگی فرزندشان، باز می مانند و کار را به خدا واگذار می کنند اما آیا کتاب آسمانی فرموده است که چشمانت را ببند و توکل کن؟

روح افزا خاطر نشان کرد: متأسفانه در بین جوانان اینگونه فرهنگ سازی شده است که نظر خانواده یا حضور آنها در مراسم آشنایی، دخالت بوده و آنها آگاهی کافی درباره همفکری



از سوی مخابرات، دسترسی بیشتر مردم را به اینترنت فراهم می کنند و بدیهی است که بدون افزایش آموزش استفاده صحیح از شبکه های مجازی، با آشنایی های کاذب و نادرست اینترنتی جوانان و ازدواج نامناسب برخی از آنها مواجه می شویم.

روح افزا در ادامه اظهارات خود به لزوم یادگیری و استفاده از تکنولوژی اینترنت و برنامه های مختلف آن تأکید کرد و افزود: از سوی دیگر نمی توان استفاده از اینترنت را به طور کل ممنوع کرد زیرا این وسیله در شرایط حاضر تبدیل به یکی از ملزومات زندگی تمام افراد شده است در نتیجه تنها روشی که می تواند استفاده صحیح از این وسیله را کنترل کند، آموزش در مقاطع تحصیلی مختلف است. وی خاطرنشان کرد: زمانی که از آموزش سخن می گوئیم به این معناست که تمام جزئیات و موارد استفاده مناسب برای هر سن را به کودک و نوجوان و جوان مورد نظر نشان داده و آنها را نسبت به پی بردن به اطلاعات راست و دروغ سایت های مختلف آگاه کنیم زیرا امروزه سایت های مختلف تبلیغاتی با هدف کسب درآمد راه اندازی شده اند و با قرار دادن اطلاعات درست و نادرست، افراد را به راه های غلط جلب می کنند. وی تأکید کرد: زمانی که ما از پیشگیری سخن می گوئیم می توانیم اختصاص بودجه به یکی از روش های آموزش و فرهنگ سازی را هم مورد

نظر قرار دهیم زیرا زمانی که بودجه در آموزش قرار داده شود، یک جوان دیگر در شبکه های مجازی و خارج از آداب و رسوم ایرانی، شریک آینده خود را انتخاب نمی کند تا بعد از مدتی به طلاق یا مشکلات روحی و روانی دیگر برسد و این امر نوعی پیشگیری است.

**سیاستگذاری در مسیر نادرست برای جوانان مشکل ایجاد کرده است**

وی افزود: ما یاد گرفتیم که اجرای قوانین را پلیسی کنیم که مصداق بارز آن را در قوانین راهنمایی و رانندگی مشاهده کردیم اما این نحوه اجرا را نمی توان در مسایل فرهنگی هم اعمال کرد. روح افزا ادامه داد: بارها در محافل مختلف که جوانان حضور دارند، از سخنرانی در این زمینه دعوت شده تا کمی برای جوانان فرهنگ سازی کرده و آداب و رسوم ازدواج به سبک ایرانی را به آنها یادآوری کنند اما چرا یک کلیپ تاثیرگذاری ساخته نمی شود؟ عضو شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده در پایان اظهار کرد: با بودجه ای که موجود است می توان به برنامه ریزی کلان دست یافت و حداقل یکی از روش های موثر را اجرا کرد تا آداب و رسوم ازدواج جوانان را به شکل منطقی نزدیک تر کرد.

خانواده موظف به آموزش جوانان است و باید در انتخاب شریک زندگی فرزند خود، وی را در تمام مراحل همراهی کند تا در صورت مشاهده اختلافی که حل شدنی نیست، فرزند خود را توجیه و از بروز یک شکست سنگین در زندگی یک دختر یا پسر جلوگیری کند.



# قدر

## یا سرنوشت

امیر مسروری

فرمودند: صدقه بلا را دفع می کند و مؤثرترین داروست. صدقه قضای حتمی را دفع می کند و درد و بیماری ها را چیزی جز دعا و صدقه از بین نمی برد (۱). یا در جای دیگر روایتی آمده است، حضرت امام باقر (ع) می فرمایند: «صله رحم اعمال را پاک، اموال را بسیار، بلاها را بر طرف می کند و حساب را آسان کرده و اجل را عقب می اندازد» (۲). از این دست روایت بسیار وجود دارد که تقدیرهای الهی را می توان تغییر داد.

آنچه به عنوان نتیجه گیری بایستی بیان کرد این است، نباید نسبت به اعمال و افعال خود بی توجه باشیم. با تصمیم گیری و اجرای بعضی از کارها می توان سرنوشت خود را طوری دیگر رقم زد و از سویی در برابر قضای الهی بایستی صبر نشان داد؛ چه زیبا قرآن اشاره دارد ...

**وتواصو بالصبر .**

آنچه متأسفانه کمتر به آن توجه می شود تمکین در شرایطی است که محدوده ی فعل انسان بیشتر نمایش داده می شود. در بلاها و ابتلاهای مختلف، گاهی انسان در معرض موضوعاتی قرار می گیرد که تقدیر و قضای الهی بوده است و خواست خداوند به رخ دادن آن موضوع معطوف شده است. در چنین شرایطی بایستی بیشتر از گذشته به اطراف توجه داشت و صبر پیشه کرد. بارها شاهد بودیم انسان هایی که در حوادث سهمگین که در وقوع آن فرد نقشی نداشته است و نتوانسته آن را درست تحلیل نمایند، همین موضوع کافی بود تا به تمام فطرت خود پشت نموده و دست به رفتار غیر حقیقی و حتی خلاف فطرت و شرع بزنند؛ افرادی که نمی دانستند چه باید بکنند و در برابر حوادث چه موضعی داشته باشند.

آنچه بایستی توجه داشت این است که در تقدیر و سرنوشت یا به عبارت بهتر قدر الهی می توان با تلاش و سعی و انجام اعمالی تغییراتی انجام داد. مثلاً در روایات آمده است صدقه بلاها را دفع می کند و صله رحم طول عمر می بخشد یا ترک آن از عمر می کاهد. در چنین شرایطی وقتی بدانیم چه اعمالی بر تقدیر انسان ها تأثیرگذار است و می تواند به شدت و ضعف آن کمک کند، یقیناً راحت تر مسیر اصلی خلقت انسان یعنی بندگی دنبال می شود.

### در قضای الهی قطعیت وجود دارد

در برابر قدر، قضا قرار دارد که به معنای قطعیت و فیصله شدن یک فعل است. وقتی اسباب قضای الهی فراهم شود، فعل ناگهان رخ می دهد و انسان مبتلا به این قضا شده و حکم قطعی رخ داده است. لذا فرق مهم قضا و قدر الهی همان تغییر در قدر و تغییر ناپذیری در قضای الهی است. بر همین اساس وقتی قضای الهی حتمی شد، انسان ها باید بدانند که فعل رخ داده حتمی است و بایستی در برابر آن تمکین داشته باشند. مرگ یکی از این قضاهاست. اگر متصف باشیم می بینیم چقدر انسان ها در مرگ دیگران یا در برابر قضای الهی سر ناسازگاری دارند و چه صدمات جبران ناپذیری بر خود وارد می کنند؛ در شرایطی که قضا حتمی است و از او کاری بر نمی آید.

از آن سو شاهدیم می توانیم با اعمالی در تقدیر الهی ورود کنیم و بعضی از این اعمال، متغیرهایی را تأثیر دهند. پیامبر اسلام (ص)

شاید بسیاری از ما در روز با حوادثی مواجه شویم که وقوع آن از اختیار ما خارج باشد و تلاش برای مهار آن در توان ما نگنجد. در چنین شرایطی، می دانیم این حادثه یک امتحان یا بلا ی الهی است برای هدف خاصی که خدای متعال به وسیله آن می خواهد انسان را رشد دهد.

قدر الهی وقتی عملی می شود، دیگر چیزی از آن تجاوز نمی کند و خدای متعال با تقدیر خود، قدر مشخصی از شرایط را در نظر می گیرد؛ «انا کل شی خلقنا بقدر».

حوزه سرنوشت در همین تقدیر جمع می شود و تنافی با فعل اختیاری انسان ندارد. بر همین اساس سرنوشت به دو صورت جای می گیرد: الف) اولاً اینکه سرنوشت انسان با اختیار تناقضی ندارد. در چنین شرایطی این تصمیم و اختیار و فعل آدمی است که محدوده ی افعال را در بر می گیرد و تنافی میان سرنوشت و تقدیر الهی با فعل انسان وجود ندارد. در چنین شرایطی عواقب کار انسان ها بر عهده ی خودشان است. این انسان ها هستند که بایستی پاسخگوی رفتار و اعمالشان باشند.

ب) آنچه کمتر به آن توجه می شود تقدیری است که گاهی در ظاهر منافی با عمل اختیاری انسان است و انسان در وقوع آن نقش ندارد. سیل و زلزله، بلاهای طبیعی و... بخشی از این سرنوشت است که انسان گاهی در وقوع آن اصلاً نقشی ندارد اما می تواند با افعال خود به شدت و قلت اثر آن تأثیرگذار باشد.

به طور مثال انسان ها می توانند با اقداماتی به این حوادث توجه کنند و آن را با استحکام بخشی کاهش دهند. بر همین اساس اگر چنین تقدیری رخ دهد انسان در معرض ابتلا و آزمایش قرار می گیرد تا مشخص شود چه میزان به این تقدیر اعتماد دارد و صبور است. در اینجا بایستی پاسخی به یک شبهه ی ذهنی داد.

### آیا اراده ی انسان با فعل و علم خدای متعال منافات دارد؟

در حقیقت اراده ی انسان در طول قدرت الهی است و وقتی انسان ها فعلی را اختیار می کنند، این خدای متعال است که توفیق عمل را به بنده می دهد تا آن را انجام دهد و به فعل و فاعل علم دارد. به تعبیر بهتر، علم الهی محیط بر تمامی شئون انسان ها است.



# کودک و نوجوان

## هوشمند

که این مهم باعث می‌گردد ضمن تقویت قوای فکری به اتخاذ تصمیم‌گیری‌های عقلانی در زندگی بزرگسالی منجر گردد پس در این بخش با پاسخگویی به سوالات زیر با ما باشید.

بالاخص در کشورهای جهان سوم به مصرف‌کنندگان فکری به جای تولیدکنندگان فکر و ایده‌های جدید مبدل گشته‌اند. لذا فصلنامه زلال بر این آمده است که از این پس بخش علمی-هوشی و تفریحی را به تقویت قوای هوشی کودکان و نوجوانان اختصاص دهد.

یکی از پیامدهای اصلی دنیای مدرنیته همگام با پیشرفت روزافزون وسایل تکنولوژیک، کاهش قدرت تفکر و حافظه‌ی انسانها می‌باشد. علی‌رغم آنچه به ظاهر انسانها هوشمندانه‌تر عمل می‌نمایند لیکن قوای هوشی و فکری انسانها به بهره‌برداری کافی نمی‌رسد و انسانها

به این تصویرها نگاه کن. حالا با شماره گذاری آنها از ۱ تا ۴، داستان آنها را پیدا کن و داستان خود را به آدرس فصلنامه بفرست و جایزه بگیر

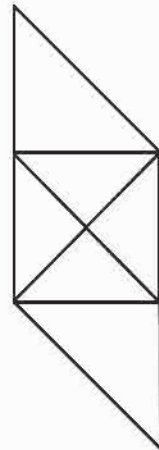
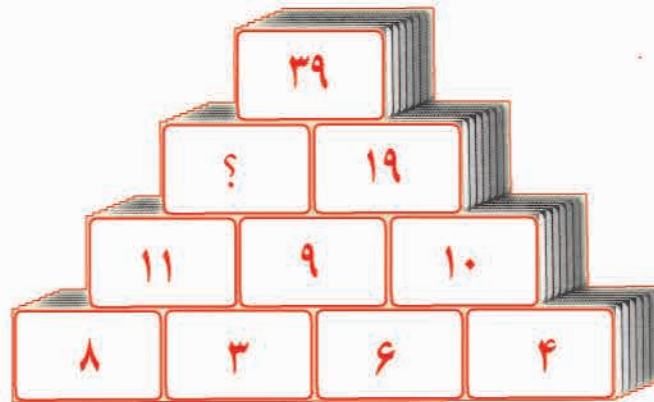


- ب.
- ش
- خ
- ر
- ش
- م
- فا

به جای علامت سوال چه حرفی باید نوشت؟

به جای علامت سوال چه عددی باید نوشت؟

در شکل زیر چند مثلث وجود دارد؟



## مربوط های جادویی زیبا را کامل کنید

عدد ثابت را که به دست آوردی چه عددی است؟

		۱۲
	۱۰	
۸		۴

عدد ثابت را که به دست آوردی چه عددی است؟

۹		
۲	۷	۶

## پنج اختلاف بین دو تصویر را پیدا کن



## رابطه

- روز تولد خود را در عدد ۲۰ ضرب کنید.
- عدد حاصل را با ۱۰ جمع کنید.
- عدد را ۵ برابر کنید.
- عدد حاصل را با عدد ماه تولد جمع کنید.
- عدد حاصل را ۲۰ برابر کنید.
- عدد حاصل را با ۱۰ جمع کنید.
- عدد حاصل را ۵ برابر کنید.
- عدد به دست آمده را با سال تولد جمع کنید (مثلاً ۵۶ نه ۱۳۵۶).
- ۵۰۵۰ را از حاصل به دست آمده کم کنید.

**اعداد را از سمت چپ دو رقم دو رقم بخوانید نتیجه حاصل چه رابطه ای را به شما نشان می دهد؟**

## چیس

## تان



خودش آب دشمنش آب؟

پر دارد ولی نمی پرد و همیشه روی یک پا راه می رود؟  
وقتی پر است راه می رود وقتی خالی است می ایستد؟

# خرید کالای خارجی = تعطیلی تولید داخلی

نسیم قباشی

مقایسه ای بکنیم می بینیم که نوع تیپ و لباس پوشیدن شان بسیار تغییر کرده است که رهبری بارها به آن متذکر می شدند و از آن با نام شیخون فرهنگی یاد کردند. جنگ امروز اینگونه نیست که کشوری جنگ نظامی و تسلیحاتی علیه کشور دیگری به پا کند، بلکه جنگ امروز جنگ فرهنگی و جنگ نرم است که دشمن با ابزارهای فرهنگی، راه و روش و تفکر خود را به جامعه مورد نظر، انتقال می دهد و تفکر آن جامعه را مانند خودش می کند. تمام ارگان های فرهنگی کشور باید این مسأله را جدی بگیرند و نیازهای اساسی جامعه را تشخیص دهند و به بهترین نحو و کیفیت آن را تولید کرده و نیاز مردم را برطرف نمایند.

## خودباختگی و بدینی

سومین آسیبی که از مصرف کالاهای خارجی در جامعه می توان عنوان کرد، خود باختگی در برابر کالای خارجی است. اگر در یک جامعه مصرف کالای خارجی بیش از حد وفور باشد، خودباختگی خاصی توسط مردم آن کشور اتفاق می افتد. خودباختگی، مردم یک جامعه را ضعیف می کند و اعتماد مردم را نسبت به مسئولان جامعه کم می کند. حتی باید گفت پایه ی بسیاری از انقلاب هایی که اتفاق افتاده است همین مسأله ی خودباختگی است. دولت باید سعی کند با سیاست های بسیار راهگشا و

البته باید گفت که برخی جاها جنس خارجی فقط با تبلیغات کاذب خود را خوب جلوه داده است، اگر نه بسیاری از کالاهایی که در کشور خودمان تولید می شود با نام و مارک خارجی به خورد خود مردم کشورمان داده می شود و از این بابت بسیاری از تولیدات کشورمان کیفیت و مرغوبیت بالاتری نسبت به جنس خارجی دارند. کاری که دولت در این حوزه باید انجام دهد این است که با تقویت، بسترسازی مناسب و حمایت های معنوی و مادی، توان تولید داخلی را از نظر قیمت و کیفیت بالا ببرد تا توجه به کالای خارجی کمتر شود و شاهد رونق تولید و مصرف کالاهای داخلی شویم.

## تغییرات فرهنگی بالغین و واردات کالای خارجی

دومین آسیبی که مصرف کالاهای خارجی در جامعه بوجود می آورد، تغییرات فضای فکری، فرهنگی و اجتماعی مردم یک جامعه است. از مهم ترین راهکارهای انتقال فرهنگ یک جامعه، انتقال تولیدات و تکنولوژی و ابزارهای زندگی یک کشور است. متأسفانه به دلیل عدم توجه جدی به مسأله فرهنگ سازی توسط ابزارهای زندگی، کالاهای خارجی بی محابا به کشور ما وارد می شود و نوع فرهنگ مردم جامعه مان را تحت تأثیر قرار می دهد. نمونه بارز آن را می توان در فرهنگ لباس پوشیدن مشاهده کرد. مردم زمان دهه اول انقلاب را با مردم این زمان اگر

از معضلات بسیار جدی ای که در جامعه ما رواج پیدا کرده است، مسأله مصرف کالای خارجی و خود باختگی در برابر آن است. متأسفانه فرهنگ مصرف کالای خارجی در کشور ما بسیار نفوذ کرده و ریشه دوانده که مقابله با آن به چیزی شبیه یک افسانه تبدیل شده است. مصرف کالاهای خارجی صرفاً مصرف یک کالا نیست بلکه همراه خود مسائل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی به همراه دارد که در ادامه سعی می شود به برخی از آن ها اشاره کنیم.

## لگد به کارگر ایرانی

اولین آسیبی که مصرف کالای خارجی به کشور وارد می کند، ضربه زدن به اقتصاد ملی است که با تعطیلی و بیکار ماندن نیروی کار داخلی ضرر بسیار زیادی را به کشور تحمیل می کند. شاید باور پذیر نباشد اما با استفاده از کالای خارجی، یک نیروی کار ایرانی بیکار می شود. یکی از ریشه های معضل بیکاری در کشور، عدم توجه به نیرو و توان داخلی و فقط به خارج نگاه کردن است. کالاهای خارجی هر چند در برخی جاها از لحاظ قیمت و کیفیت به صرفه تر از کالای داخلی هستند ولی باید گفت که اثر بلند مدت آن که بیکاری در جامعه است بسیار شدیدتر می باشد که انسان عقلایی ترجیح می دهد کالای داخلی مصرف کند.

# خرید کالای خارجی = تعطیلی تولید داخلی؟!



# MADE IN IRAN

تولید کالاهای بسیار فوی از لحاظ کیفیت و قیمت و متناسب با هر نوع سلیقه و طیفی، این خودباختگی را در جامعه از بین ببرد و امید را به جامعه ارزانی کند.

## استقلال در خطر است

چهارمین آسیب در حوزه مصرف کالاهای

خارجی، از دست دادن استقلال یک کشور است. اگر مسأله واردات کالاهای خارجی و مصرف آن را از دید سیاسی ببینیم، استفاده از کالاهای خارجی، وابستگی مرمونی را برای کشور رقم خواهد زد. این مسأله در آنجا شدت می گیرد که آن کالاها از نوع کالاهای اساسی باشد که خدایی نکرده در بزرگراه های تاریخ که کشور به آن کالا احتیاج مبرمی دارد، کشور صادرکننده از آن دریغ کند و کشور واردکننده در آن حوزه فلج شود. اگر کشوری تا این حد به واردات کالاهای خارجی وابسته باشد، می توان گفت که باید منتظر ماند تا روزی این کشور استقلال خود را از دست دهد. عدم استفاده از کالاهای خارجی توسط بزرگترین مصرف کننده کشور یعنی دولت، مسأله ای است که مقام معظم رهبری نیز در ابلاغیه سیاست های اقتصاد مقاومتی به تصریح به آن اشاره کردند و جا دارد دولت و سازمان های مربوطه به آن توجه جدی نمایند و برای حل آن راه حل هایی بجویند.

## عدم استفاده از کالاهای خارجی توسط بزرگترین مصرف کننده کشور یعنی دولت، مسأله ای است که مقام معظم رهبری نیز در ابلاغیه سیاست های اقتصاد مقاومتی به تصریح به آن اشاره کردند و جا دارد دولت و سازمان های مربوطه به آن توجه جدی نمایند و برای حل آن راه حل هایی بجویند.

### فرهنگ سازی و افزایش کیفیت، علاج کار است

از جمله کارهایی که باید صورت بگیرد فرهنگ سازی است. آنچه که حیطه مصرف جامعه را می تواند کنترل کند و به هر سو که بخواهد سوق دهد، نوع فرهنگ سازی است. رسانه ی

اجتماعی از مهم ترین ابزارهایی است که می تواند نقش کلیدی در این حوزه ایفا کند. کار دیگری که باید صورت بگیرد که تا حدودی توسط دولت باید انجام شود بالا بردن کیفیت تولید داخلی است. اگر ما می خواهیم در جامعه تبلیغ کیفیت داخلی بکنیم، باید تولیدات داخلی به آن حد از مرغوبیت برسد که مصرف کننده ی داخلی در مواجهه با کالای خارجی و داخلی، کالای داخلی را برگزیند دولت باید سعی کند با فراهم سازی بسترهای مناسب برای تولیدکنندگان و کار آفرینان و تسهیلات بسیار ارزان و راحت برای تولید کنندگان، راه را برای تولید کالای ایرانی با استحکام، مرغوب، با دوام، با قیمت مناسب و عالی باز کند و مصرف کننده ی ایرانی با خیال راحت آن کالا را انتخاب کند.

همچنین دولت باید در برابر واردات بی رویه کالاهای خارجی، مدیریت کالی داشته باشد. متأسفانه عمده کالاهای خارجی مصرفی که وارد کشور می شوند، از طریق قاچاق است که دولت باید در این حوزه چاره اندیشی کند. هم چنین باید با ملحوظ کردن عوارض و مالیات بر کالاهای وارداتی و رانت ندادن به دلار برای ارزان ماندن، از تولیدکننده داخلی حمایت کند که جنس خارجی ارزان تر از قیمت داخلی نباشد.

# میراثی از قوم لوط

حدیثه کریمی

## انگشتر های مدرینگ و نظر اسلام

اخیراً این نوع انگشتر ها جذابیت زیادی در بین زنان پیدا کرده است و چون عملی برخلاف اعمال قبل است و به جای فروردن انگشتر تا



روایات فراوانی دال بر زیباسازی خود و محیط اطراف خود وجود دارد. همچنین در مورد زینت داشتن زن ها و آراستن خود برای همسر و یا به طور کلی انگشترهای عقیق یا زمرد به دست کردن مرد وزن، روایاتی چند به چشم می خورد.

## اسلام با مد مخالف نیست

مد و مد گرایی ریشه در زیبایی جویی و تنوع طلبی دارد و این از ویژگی های فطری انسان هاست. نظر اسلام در ارتباط با مد اینست که اگر در چهارچوب موازین شرعی و عرفی باشد و اگر مورد تأیید عقل باشد بلا مانع بوده ولی اگر ناشی از تقلید کور کورانه و میمون وار از بیگانگان باشد بسیار مذموم و منفی ارزیابی می شود که در شأن انسانهای کمال یافته و فرهیخته نیست. همچنین اینگونه مدها نباید برگرفته از سنت غلط پیشینیان باشد و یا الگو برداری از اقوامی که به بدی و اخلاق ناپسند از آنها یاد می شود زینت و تجملات را نباید با مد و مدگرایی خلط کرد. این دو هرکدام مقوله ای جدا هستند که هر یک با چهار چوب خاص مورد تأیید و تصدیق اسلام است. اسلام مخالف زینت کردن طبق مد روز نیست البته که هرکدام از این مدها باید ابتدا از صافی اسلام بگذرد و اگر در شأن یک مسلمان و شیعه ای مولا علی (علیه السلام) بود، قابل پذیرش و الگو برداری است.

مد و مد گرایی که غالباً ریشه در زیبایی جویی و تنوع طلبی دارد، امروزه رفتار و افکار جوانان را به سمت خود سوق داده است. اسلام اساساً مخالف مد و مدگرایی نیست بلکه اگر در چهارچوب موازین شرعی و عرفی باشد و همچنین مورد تأیید عقل باشد خالی از اشکال بوده و مثبت نیز ارزیابی خواهد شد. زینت آلات و تجملات نیز روز به روز تحت تأثیر مدت تغییر و تحول یافته و به روز می شود. حلقه ها و انگشترها همیشه از اکسسوارهای محبوب بانوان بوده اند. اخیراً ترندی به نام انگشترهای بند انگشتری یا "میدی رینگ" (midi ring) و حتی "ناکل رینگ" (knuckle ring) رواج یافته و حلقه های باریک و زیبای متعدد، زینت بخش انگشتان خانم ها شده اند. نوشته ی حاضر در صدد است ضمن بررسی و کند و کاو در مورد این نوع انگشتر ها و ریشه یابی آن، نظر اسلام را اعم از تأیید یا عدم تأیید آن ارائه دهد.

## زینت انگشتر از منظر اسلام



اسلام دینی است جامع، که همه ی احکام زندگی را در بر میگیرد. کلیات احکام در قرآن به وضوح آمده است و ائمه ی اطهار علیهم السلام نیز جزئیات احکام را برای ما روشن میسازند. از نوع غذا خوردن و شیوه ی برخورد با اطرافیان گرفته تا چگونگی مسواک کردن دندانها و...

اسلام به روحیات و خلقیات افراد نیز توجه دارد. اصل گرایش به زیبایی و زیبا سازی و زیبا دوستی، یک امر فطری است و دین مبین اسلام نه تنها فطرت انسانها را نادیده نمی گیرد، بلکه مداوماً با تجویز الگوهای خاص در پی رسیدگی به آن است و از آنجایی که خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد،

انتهای دست، آنرا تا بند میانی انگشت بیشتر پیش نمیرند، حس تنوع طلبی زنان را برانگیخته است. ولی طبق آنچه گفته شد، هر مد و گرایشی که به مسلمانان ارائه میشود ابتدا باید از صافی اسلام بگذرد و مهر تأیید اسلام بر آن بخورد و بعد مورد استفاده قرار گیرد. لذا با بهره گیری از روایات پیشوایان معصوم باید این رفتار مورد بررسی قرار گیرد.

از حضرت صادق منقول است که انگشتر را به بند پایین انگشت برسانید. (خصال، ج ۱، ص ۲۳۷؛ بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۲).

شیخ صدوق از ابو سعید ادمی روایت کرده است: انگشتر به سر انگشتان کردن از کارهای قوم لوط است. (خصال، ج ۱، ص ۲۳۷؛ بحار الأنوار، مجلسی، ج ۱، ص ۲۱۲).

از اینگونه روایات برداشت می شود که هر عملی که انسان می پسندد صحیح نیست بلکه گاهی باید ذره بین دین را بر روی آن گذاشت تا از



عدم عیب و نقص آن مطمئن شویم. گاهی اوقات شاید به نظر آدمی نفس کار خالی از ایراد باشد و به ظاهر مشکلی نداشته باشد ولی پس از سنجیدن آن با قوانین دین، ایرادات آن آشکار می شود و این بدین دلیل است که عقل ناقص و محدود انسان به تنهایی نمی تواند جوابگوی شبهات باشد و قابلیت درک همه ی قوانین علیت را ندارد. شاید به ظاهر و طبق عرف به دست کردن اینگونه انگشترها به خودی خود ایرادی نداشته باشد و حتی افرادی آن را پسندند ولی همانطور که قبلاً گفته شد: همه ی مدها و کارهایی که عرف خواهان آن است، مورد پسند اسلام نیست.

امام صادق علیه السلام در این روایت ضمن منع افراد از اینکار، علت راتیز یادآور می شوند: آری تبعیت و الگوگیری از پیگانگان و حتی اقوام فاسق گذشته نیز مهر تأییدی به کار آنهاست. همانطور که از قوم لوط به ما رسیده است که قومی نابه خرد و هوسران بوده اند و به دنبال همین هوس هایشان به هلاکت رسیدند. از کارهای زشت قوم لوط گلوله پرانی با کمان، و هسته انداختن به یکدیگر (و حتی در بعضی موارد شرط بندی می کردند که هسته به هر کسی خورد با او عمل زشت انجام دهند) و آدامس جویدن در معابر عمومی (برای جذب افراد به خاطر شهوترانی). هم چنین لباسهای فاخر بلند می پوشیدند (که امروز رفاصه های دنیا در جهان غرب می پوشند) و دکمه های کت و پیراهنتان را می گشودند (بحار الانوار، مجلسی، ص ۱۲۱) و قلم از میان بعضی از زشتکاریهای آنها شرم دارد، از جمله کارهای آنها این بود که راهها را برای زشتکاری می بستند و آشکارا در معرض دید مردم، منکرات را انجام می دادند. تفسیر آیه ۲۹ عنکبوت: «وَأَقْوَمُ فِي نَادِيكُمْ الْمُتَكَبِّرِينَ» آمده: با یکدیگر در ملاء عام کارهای رکیک و زشت انجام می دادند (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۹۷) و در بعضی از تفاسیر، کلمه (متکبر) به هسته انداختن آنها تفسیر شده که آن هم به خاطر هوسهایشان بود (تفسیر قمی، ص ۴۹۶).

از آیات قرآن از جمله از آیه ۲۸ سوره عنکبوت استفاده می شود که زشتکاری قوم لوط به گونه ای زننده بود که در میان هیچ قوم و ملتی سابقه نداشت. چنان که لوط به آنها

## اسلام مخالف زینت

### کردن طبق مد روز

نیست البته که هر کدام

از این مدها باید ابتدا از

صافی اسلام بگذرد و

اگر در شأن یک

مسلمان و شیعه ی مولا

علی (علیه السلام) بود،

قابل پذیرش و

الگو برداری است.

گفت: «إِنَّكُمْ لَأَقْوَمُ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ الْعَالَمِينَ؛ شما کار بسیار زشتی انجام می دهید که احدی از مردم جهان، قبل از شما آنها را انجام نداده است.»

از دیگر زشتکاری قوم لوط این که: کف دست بر پشت یکدیگر می زدند، دشنامهای رکیک و زننده به همدیگر می گفتند، بازیهای بچه گانه داشتند، قماربازی می کردند، با انواع آلات موسیقی سر و کار داشتند، سنگ پرانی و متلک گفتن از کارهای معمول آنها بود، و در حضور جمع، خود را برهنه می کردند و... حضرت لوط هر چه آنها را نصیحت کرد، در دل آن آلودگان و منحرفان اثر ننموده، پاسخ آنها به حضرت لوط این بود که: «أَتُنَّا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ؛ اگر راستی می گویی عذاب خدا را برای ما بیاور (عنکبوت، ۲۹)

لجاجت و هوسبازی آنها تا این حد بود، و سرانجام حضرت لوط با قلبی آکنده از اندوه گفت: «پروردگارا مرا بر این قوم مفسد، پیروز گردان» (عنکبوت، ۳۰). به این ترتیب آنها چون بنیانگذار این فساد بودند، بار گناه کسانی را که در آینده از آنها پیروی می کنند نیز به دوش خواهند کشید، بی آنکه از گناه آنان چیزی کم شود اما اسلام نمیخواهد حتی ذره ای مشابهت بین مسلمانان و افراد نابه کار باشد به همین خاطر در اینگونه موارد همانند معلمی مهربان و در عین حال سختگیر، شاگردان مکتب خود را تربیت و از منحرف شدن آنان جلوگیری میکند. بر همین اساس می بایست با دقت در روایات و توجه به آیات قرآن کریم و کلام ائمه بزرگوار اسلام، از دچار شدن به سرنوشت چنین افرادی پیشگیری نمود و از زیباییها و لذت های دنیوی، به گونه ای مشروع و اخلاقی بهره برد.

# رزق و روزی در قرآن



يَا أَحْمَدُ إِنَّ الْعِبَادَةَ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ  
تَسَعَةٌ مِنْهَا فِي طَلَبِ الْحَلَالِ  
ای احمد همانا عبادت ده جزء دارد، که نُه  
جزء آن، طلب روزی است. **لال است**

دکتر زهرا محققیان

بهشت و نعم بهشتی است و در عموم آیاتی که رزق کریم باد شده، بیش از آن مغفرت آمده است اما رزق کریم آن روزی است که همراه با کرامت باشد و روزی بهشتیان است که به طور قطع همراه با کرامت است، زیرا بهشت جای اهل تقوی است و بیشترین کرامت را خداوند از آن اهل تقوی یاد نموده است «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» (حجرات/۱۳) و درمقابل روزی کریم، روزی است که همراه با ذلت و خواری باشد و آن طعام دوزخیان است خداوند می فرماید: «ان شجره الزقوم طعام الایم..... ذق انک انت العزیز الکریم» (دخان/۴۹-۴۳) درخت زقوم خوراک گناهکاران است.... به آنها گفته می شود بچش که تو آن فردی هستی که پنداشتی عزیز و بزرگواری. البته در دنیا نیز رزق کریم و غیر کریم می تواند مصداق داشته باشد، آن روزی که عزت و کرامت و شرافت و مناعت نفس آدمی را حفظ کند، رزق کریم است. اگرچه از کمیت و کیفیت بالایی برخوردار نباشد، و آن روزی که با دنائت نفس و زبونی و ذلت همراه باشد روزی پست است، انوری می گویند:

الوده منت خسان کم شو تا یک شبه در وثاق تو نان است

یک نفس به رسته قناعت شو کاتجا همه چیز نیک ارزان است  
تا بتوانی حذر کن از منت کابین منت  
خلق کاهش جان است  
چندانکه مروت است در دادن، در ناستدن  
هزار چندان است

### ۳. رزق معلوم:

«إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ أُولَئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَعْلُومٌ» (صافات/۴۰-۴۱)  
«جز بندگان مخلص خدا (که از کيفرها برکنارند) برای آنان (بندگان مخلص) روزی معین و ویژه ای است.»  
"رزق معلوم" یعنی خداوند در بهشت برای بندگان مخلص خود، رزقی میدهد که غیر از رزق دیگر بهشتیان است و هیچ شباهتی بر رزق دیگران ندارد، اگر چه نام رزق ایشان و رزق دیگران یکی است، به آن جهت که آنان جز به خدای تعالی به هیچ چیز دیگری وابستگی ندارند، نه به زینت زندگی دنیا و نه به نعمتهای آخرت، چرا که در دل ایشان غیر از خدا چیز دیگری وجود ندارد (ترجمه المیزان، ج ۱۷ ص ۲۰۴)

مادی نیست بلکه شامل رزق معنوی نیز میشود. قرآن در باره شهیدان می گویند: «.. بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْفَعُونَ» روشن است که روزی شهیدان، آن هم در جهان برزخ، نعمتهای مادی نیست، بلکه همان مواهب معنوی است (تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۸).

### ۲. رزق کریم:

«فَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ» (حج/۵۰). در این آیه نعمتهای بهشت، رزق کریم نامیده شده است، که مومنان خدا ترس (انفال/۴-۲) و دارای عمل صالح و مردان و زنان پاکدامن (نور/۲۶) به عنوان پاداش الهی از آن بهره مند خواهند شد. همچنین رزق کریم از آن مواهب الهی است که جهادگران و مهاجران و انصار به آن نوبت داده شده اند. «وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ» (انفال/۷۴)  
علامه طباطبائی (ره) می نویسد: رزق کریم،

یکی از موضوعات بحث انگیز و مهم قرآنی مسأله رزق و روزی است که روشن شدن ابعاد آن، علاوه بر تصحیح برداشت های نادرست، به فعالیت و تلاش و معشیت انسان جهت داده و فرهنگ کسب رزق قرآنی را در متن زندگانی مردم قرار می دهد.

"رزق" در لغت به معنی عطا و بخشش مستمر است (مفردات راغب اصفهانی، ذیل ریشه "رزق") و از آن تعبیر به روزی می شود و در اصطلاح به هر چیزی که مایه دوام حیات مخلوقات زنده است، رزق گویند. در واقع رزق موهبت و بخششی است از ناحیه خدای متعال به بندگانش، بدون اینکه استحقاق آن را داشته باشند [ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۱۴].

اقسام رزق در قرآن کریم:

### ۱. رزق معنوی

از آنجا که به هر گونه بهره ای را که خداوند نصیب بندگان می کند اعم از مواد غذایی، مسکن، پوشاک و یا علم، عقل، فهم، ایمان و اخلاص رزق گفته می شود، رزق تنها رزق

را فراخ یا تنگ نمی‌کند. در آیاتی که خداوند خود را عامل بسط و قبض روزی معرفی می‌کند، اگر دقت شود بعد از آنکه می‌فرماید خداست که روزی را برای هر که بخواهد فراخ یا تنگ می‌کند، در یک جا می‌فرماید: «انه کان بعباده خیرا بصیرا» و در جای دیگر می‌فرماید: «ان الله بكل شیء علیم» یعنی این فراخی و تنگی روزی بندگان، بر مبنای علم و حکمت خداوند است و از طرف دیگر نباید پنداشت که فراخی و تنگی روزی یک فضای حتمی و غیرقابل تغییر است و گمان کرد که: گلیم بخت کسی را که بافتند سیاه به آب زمزم و کوثر سفید توان کرد.

بلکه هر دو دگرگونی‌پذیر و قابل زوال است، قرآن کریم می‌فرماید: «ولو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض ولكن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون» (اعراف/۹۶) یعنی (و اگر اهل شهرستانها ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را به روی آنان می‌گشودیم ولی آیات ما را تکذیب کردند از این رو به واسطه اعمالشان ایشان را مواخذه نمودیم).

در کتب حدیث، روایات فراوانی درباره اعمالی که روزی را وسعت می‌بخشد و یا اعمالی که موجب فقر و تنگی روزی می‌شود آمده است. در سفینه البحار حدود چهل عمل را یاد می‌کند که مؤثر در وسعت

تنگ می‌گرداند. مانند: «الله یسط الرزق لمن یشاء و یقدر» (رعد/۲۶) و سایر آیات مشابه. علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه فوق می‌نویسد: «مراد این است که مردم نسبت به نعمت یا نعمتی که به آنها می‌رسد سطحی می‌نگرند، هرگاه نعمتی را یافتند به آن شاد می‌گردند، بدون اینکه بدانند آن نعمت با اراده حق تعالی به آنها رسیده و اگر مصیبتی به آنها وارد شود ناامید می‌گردند، گویا نمی‌دانند که مصیبت نیز به اذن پروردگار به انسان می‌رسد و اگر او اذن ندهد مصیبتی بر انسان وارد نمی‌شود».

و اما اینکه فراخی و تنگی روزی به دست خداست و قرآن آن را به عنوان یک امر قطعی و مشهود برای انسان یاد می‌کند (اولم یروا) از این جهت است که رزقی که به دست انسان می‌رسد یا به دست می‌آورد، وجود آن متوقف بر هزاران هزار سبب و شرط است که تلاش آدمی به عنوان یک سبب به‌شمار می‌آید و عموم اسباب به خدای متعال منتهی می‌گردد. پس خداست که عطا می‌کند و منع می‌نماید و روزی را فراخ می‌کند یا تنگ می‌نماید. (المیزان، ج ۱۶، ص ۱۹۳-۱۹۲).

نکته‌ای را که درباره فراخی و تنگی روزی نباید از نظر دور داشت، نقش خود انسان در فراخی و تنگی روزی است، درست است که فراخی و تنگ‌روزی متوقف بر مشیت الهی است ولی نباید مشیت الهی را بدون حساب تلقی کرد، بلکه مشیت او از روی علم و حکمت است و تا محلی قابل فراخی یا تنگی روزی نباشد خداوند روزی او

#### ۴. رزق حسن:

«و الذین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا و ان الله لهو خیر الرازقین» (حج/۵۷)

«و کسانی که در راه خدا هجرت کردند، سپس کشته شدند یا به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، خداوند به آنها روزی نیکویی می‌دهد که او بهترین روزی‌دهندگان است»!

در این آیه "رزق حسن" را پاداش همه مهاجران الهی قرار داده، خواه به مقام شهادت رسیده باشند خواه در این راه به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشند.

رزق حسن اشاره به نعمتهایی است که وقتی چشم انسان به آن می‌افتد، چنان مجذوب می‌شود که نمی‌تواند دیده از آن برگردد و به غیر آن نگاه کند، و تنها خدا قدرت دارد که چنین روزی را به کسی دهد. (مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۴۷). همچنین در قرآن به مقام نبوت و به فایده‌های حلال درخت انگور، (به ترتیب: هود/۸۷، رک المیزان ذیل آیه)، (نحل/۶۷) رزق حسن اطلاق شده است.

#### ۵. رزق و روزی گشاده و تنگ:

در قرآن کریم آیات متعددی است که مفاد آنها این است که خداوند روزی هر کس را که بخواهد گشاده می‌کند و روزی هر کس را بخواهد

و خداوند!

از جایی که گمان نمی‌کنی

روزی تو را می‌رسد...





روزی است، از آن جمله: صله رحم، حسن رفتار با همسایه، تعقیب نماز صبح و عصر، صبح زود برای طلب روزی بیرون آمدن، همواره با طهارت بودن، اجابت مؤذن، ترک حرص، شکر نعمت، اجتناب از قسم دروغ، شستن دست قبل از طعام، هر روز سی مرتبه سبحان الله گفتن، استغفار و نماز شب... (سفینه البحار، ج ۱، ص ۵۲۰-۵۱۹) و در نهج البلاغه آمده است که: «الاستغفار تسبیحا لدرور الرزق» (خطبه ۱۴۳). طلب آموزش از خدا، سبب ریزش و فراوانی روزی است و نیز «استرلو الرزق بالصدقه» (کلمات قصار/ ۱۳۷) به واسطه صدقه دادن، طلب نزول روزی کنید و نیز می فرماید: «الزکوة تسبیحا للرزق» (کلمات قصار/ ۲۵۲) زکات دادن، سبب وسعت روزی می شود. و نیز در سفینه البحار اعمالی یاد شده که موجب فقر و تنگی روزی می شود از آن جمله: قسم دروغ، زنا، عادت به دروغ، کثرت استماع غناء، اندازه گیری نکردن در معیشت، ترک فامیل، خواب پیش از طلوع خورشید، دست نشستن هنگام غذا و استخفاف به نماز و... (سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۲-۳۸۱). و از امام صادق (ع) آمده که: «کثرة السحت

یبعث الرزق» (همان، ج ۱، ص ۵۲۰) مال حرام خوردن روزی را از بین می برد. و از امام مجتبی (ع) آمده است که: «ترک الزنا و کنس القضاء و غسل الاثاء مجلبه للفقیر» (همان، ج ۱، ص ۵۲۰) ترک زنا و رفتن جلوی در خانه و شستن ظروف غذا، توانگری می آورد. و از طرفی، دعا برای وسعت روزی، یکی از اموری است که در روایات سفارش شده و کمتر دعای مأثوری است که در آن از خدا، وسعت روزی، روزی حلال و طیب خواسته نشده باشد. امام علی (ع) در وصیت نامه خود به فرزندانشان امام مجتبی (ع) می فرماید: «آنگاه خداوند کلیدهای خزینه های خود را در دست تو قرار داد، بدینگونه که به تو اجازه داد که از او مسألت نمایی، پس هر زمان بخواهی می توانی به وسیله دعا، درخواست کنی که درهای نعمت را به روی تو بگشاید.» (نامه ۳۱ نهج البلاغه). و در بخش دیگر مهمترین درخواست را سه چیز می شمارد: «از خزان رحمت خداوند چیزی را درخواست کن که دیگری بر دادن

آن توانائی ندارد، مانند: افزایش در عمر و تندرستی و وسعت رزق» (همان). و کمتر دعایی است که در کتب ادعیه آمده و در آن درخواست وسعت روزی و روزی حلال و طیب نشده، از آنجمله در دعای ابو حمزه در چند مورد این درخواست شده است، مانند: «وارزقنی من فضلک رزقا واسعا حلالا طیباً» و مانند: «اللهم اعطنی السعة فی الرزق» و نیز «وارزقنی رزقا واسعا من فضلک الواسع» ( مفاتیح الجنان، ص ۳۳۴ تا ۳۵۸) و در دعاهای ماه مبارک رمضان می خوانیم «واجعل فیما تقضی و تقدر ان تطیل عمری و توسع علی رزقی و تؤدی عنی امانتی و دینی آمین رب العالمین» (همان، ص ۳۱۶) و در آنچه مقرر می کنی قرار داده که عمر من دراز و روزی من وسیع و امانت من ادا شود، ای پروردگار جهانیان مستجاب کن!

بنابراین با توجه به مطالب فوق می توان بدین نکته راه یافت. در عین حال که فراخی و تنگی روزی به دست خداست و اوست که روزی را فراخ یا تنگ می کند، خودش وسائلی را معین نموده که توسط آنها می توان روزی را فراخ و یا تنگ نمود، البته باز، فراخی دهنده و تنگ کننده، خداست.



# مدیر محبوب کیست؟

مریم سلمانی زاده



شاید شنیده و یا خوانده باشید که می گویند مدیریت هم علم است و هم هنر یعنی هم آگاهی است و هم تجربه، هم آکنسایبی است و هم ذاتی، هم توانایی است و هم عشق. مدیریت حکومت بر یک سازمان نیست، بلکه نفوذ و تشستن به قلبهای کارکنان سازمان است. سازمان صرفاً ساختار فیزیکی یک اداره و کارخانه نیست بلکه مجموعه ایست که همه کارکنان در آن سهیم هستند و روزگار سپری می کنند. به عبارت دیگر بخشی مهم از زندگی آنها در این مکان سپری می شود. مجموعه الزاماً یک سری افراد با ویژگیهای مختلف به عنوان نیروهای کاری نیست بلکه همراهانی هستند که با همدیگر روزها را شب و گاه شبها را روز می کنند. پس باید بپذیریم رضایت شغلی بخشی اصلی از رضایت زندگی است. حال ایجاد این رضایت در سازمان بستگی زیادی به مدیر مجموعه دارد. برخی مدیران حکم مدیریشان از جنس کاغذ و امضاء مافوق است و برخی از جنس عمل و کارکرد و تجربه، برخی امضایشان چند روزی اعتبار دارد و برخی عملکردشان یک عمر، به راستی جایگاه ما در دید نیروی انسانی مان کجاست؟ برای تقویت جایگاه در قلب کارکنان چه باید کرد؟

## نکات اساسی که مدیران باید بدانند:

۱. موقع حرف زدن با اعتماد به نفس به چشمان افراد نگاه کنید و متبسم باشید.
۲. سعی کنید اسامی کارمندان را به طور صحیح به خاطر بسپارید و در حین صحبت کردن با آنها نامشان را به زبان بیاورید.
۳. به موقع از کارمندان قدردانی کنید و انرژی کاری آنها را افزایش دهید.
۴. به آنها فرصت مشارکت در تصمیم گیری دهید و خلاقیت آنها را تقویت کنید.
۵. هرگز برای پیشبرد اهداف کاری خود، دیگران را با وعده های بی اساس فریب ندهید.
۶. همواره به خاطر داشته باشید به کار بردن الفاظ مؤدبانه از اقتدار شما نمی کاهد.
۷. اشتباهات زیر دستان را بیش از حد لازم به آنها گوشزد نکنید.

۸. امین و راز دار افراد باشید.
۹. روی اشتباهات خود پافشاری نکنید و بی تعصب خطاهای خود را بپذیرید.
۱۰. با عبارات کتابه آمیز و نیش دار به دیگران درس عبرت ندهید.
۱۱. با آرامش و خونسردی به حرفهای دیگران گوش کنید و برای صرفه جویی در زمان مرتباً حرف آنها را قطع نکنید.
۱۲. به نحوه پوشش و ظاهر خود توجه بسیار داشته باشید.
۱۳. در جلسات دائماً به ساعت خود نگاه نکنید و دلهره به وجود نیاورید.
۱۴. تا صحت و سقم مسئله ای روشن نشده کسی را مواخذه نکنید.
۱۵. معاشرین چاپلوس خود را پر و بال ندهید. یکی از آسیب های جدی در سازمان ها این است که: به جای درمان ریشه، به کندن برگهای زرد رغبت بیشتری نشان می دهند.
- به عبارتی دیگر به جای علت یابی و رفع مشکلات، صرفاً به اصلاح آنها می پردازند. آیا بهتر نیست ضمن چاره جویی برای عوارض و مسائل پیش آمده، بر روی علل هم تأثیر گذاشت تا مسأله به طور همه جانبه حل شود و از اتلاف سرمایه ها و منابع با ارزش جلوگیری شود.

## توماس ادیسون چه می گوید؟

توماس ادیسون دائماً دنبال اکتشافات جدیدتر و مهم تر بود. دیدگاه او نسبت به روند اکتشافات به بهترین نحو با جمله معروف خودش روشن می شود: من شکست نخورده ام، من فقط ۱۰ هزار راه مختلف یافته ام که کار ساز نیستند. او معتقد است که تلاش کردن ارزش دارد. تلاش کردن مهم تر از اشتباهایی است که ممکن است انسان مرتکب شود. چون آسان ترین راه اجتناب از شکست و تلاش نکردن است. وقتی خطا کردید بی مسئولیت و بی تفاوت نباشید اما از آن درس عبرت بگیرید و از خود بپرسید از این اشتباه چه نتیجه ای و چه درسی می گیرم؟ توماس ادیسون می گوید: بیشتر آدمهایی که در زندگی شکست می خورند همان هایی هستند که در چند قدمی موفقیت تسلیم شده اند.



# رنگ سیاه چادر بهترین پوشش

## در برابر نامحرم

معصومه سیفی کنارکی

مکروه است؛ مگر برای پوشش در مقابل نامحرم؛ چرا که رنگ سیاه مقتدرترین رنگ و به عنوان رنگی محافظه کار، جدی و بزرگ مورد توجه قرار می گیرد و برای نشان دادن احترام در موقعیت های رسمی و مهم، مورد استفاده قرار می گیرد. سیاه مظهر غم و اندوه است و حس سنگین و عمیق می بخشد و زن نیز به طور طبیعی در مواجهه با نامحرم، نیاز به نوعی اقتدار برای دفع مزاحمت و همینطور جدی و قابل احترام بودن برای حفظ حریم ها را دارد. حسی که از رنگ پوشش سیاه به مخاطب منتقل می شود، حس یاس و جواب نه برای خواسته های شهوانی می باشد. بدیهی است استفاده از رنگهایی غیر سیاه که جذاب نبوده و به عنوان رنگهای ایستا مطرح است و از نظر عملکرد در ردیف رنگ مشکی قرار دارد بدون اشکال می باشد. مانند رنگ خاکستری که غیر جذاب به نظر می رسد و یک حالتی از شکل رسمی بودن، وقار و اقتدار را نشان می دهد و وقتی به تنهایی مورد استفاده قرار بگیرد، کمی دلنگ کننده است. خاکستری الفا کننده دانایی و بلوغ و کمال است و البته مانع از گفتگوهای نشاط انگیز می شود و رنگ سرمه ای و طوسی و رنگهای مشابه دیگر چنین شرایطی را داراست، اما استفاده از رنگهایی که بر اساس روانشناسی، جذاب و محرک است و موجبات انس را فراهم می کند، جای تأمل دارد.

با نامحرم می باشد گفته می شود از لحاظ روانشناسی، رنگ مشکی سبب افسردگی و ایجاد فضای سنگین می گردد و حتی در اسلام نیز استفاده از رنگ سیاه مکروه می باشد. با بررسی دقیق روایات و مراجعه به عرف مومنین در می یابیم که در اسلام، استفاده از رنگ سیاه به طور مطلق مکروه نیست و دارای استثناء می باشد. چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم می فرمایند: لباس سیاه مکروه است، مگر در کفش و عمامه و عبا. ( کتاب حلیه المتقین فصل چهارم) همچنین، ام سلمه یکی از زنان پیامبر اکرم

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزُوجُكُمْ وَبَنَاتِكُمْ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْرِكُنَّ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلْبَابِهِنَّ ذَلِكُ أَذَىٰ أَنْ يَعْرِفْنَ فَلَ يُؤْذِينَ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

«ای پیغمبر به زنان و دختران و زنان مؤمنان بگو که خویشتن را به چادر فرو پوشند، این برای آنکه به [عفت] شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، نزدیک تر است و خدا آمرزنده ی مهربان است.» (سوره ی احزاب: ۵۹)

صلی الله علیه و اله وسلم می گوید: هنگامی که آیه حجاب نازل شد، زنان انصار از خانه ها بیرون می آمدند در حالیکه عبا ی مشکی بر سر انداخته بودند. «تفسیر در المثنوی سیوطی ذیل آیه حجاب» با توجه به مستندات روانشناسی در زمینه اثرات رنگ سیاه، در می یابیم که اسلام بهترین صورت استفاده از این رنگ را برای بانوان مطرح نموده است، یعنی در همه جا

نوشته ی حاضر حکایتی است از دغدغه های فکری دختران و زنان جوان و مذهبی که از یکسو عاشقانه پایبند به احکام و واجبات دینی می باشند و از سوی دیگر بنابر روحیات جنسیتی خویش خواستار زیبایی هستند. آموزه های دینی نیز که منطبق بر فطرت و طبیعت آدمی می باشد، زمینه های ارضای این نیاز را فراهم نموده است:

۱. ارضای حس جلوه نمایی و زیباگرایی، به صورت تام و بدون هیچ محدوده برای همسر.
۲. ارضای حس جلوه نمایی و زیباگرایی عاقلانه و عرف پسند و به دور از گناه در حضور زنان و محارم، البته تا آن جا که با منافع دیگران تعارضی نداشته باشد و ارضای این حس ضربه ای به ساختار هویتی زن نزند. به همین سبب، در مواجهه با نامحرم جلوه نمایی ممنوع گردیده و زیباگرایی نیز، اگر موجبات تحریک و مفسده و جلب توجه را فراهم کند، حرام می باشد.

در این میان، استفاده از رنگهای مختلف برای بانوان در اجتماع، پیوسته مورد بحث بوده و دغدغه بانوان مذهبی اطلاع از نظریات اسلامی در این زمینه است که متأسفانه در رسانه ها، گاهی اوقات عقیده های شخصی و گاهی فمینیستی مطرح گردیده است. از مهمترین این مباحث، استفاده از رنگ مشکی برای پوشش ظاهری زن در مواجهه

مكلف، با توجه به حکم و با استفاده از عقل، باید مصداقهای حکم را شناسایی کرده و وظیفه خویش را تشخیص دهد. شاید بتوان با استدلال عقلی، حرمت استفاده از این رنگها را نیز مطرح نمود.

**حکم شرعی: استفاده از پوششی که موجب جلب توجه و محرک و مفسده انگیز باشد، حرام است. (فتوای همه ی مراجع)**

مستندات علمی: بعضی از رنگها، به طور قطعی از نظر علم روانشناسی، جذاب و محرک و موجب جلب توجه می گردد. نتیجه: بنابر این، استفاده از رنگی که موجب تحریک و مفسده و جلب توجه گردد حرام است.

در هر صورت، نوع و رنگ پوشش زن، نشانگر طرز تفکر وی می باشد و اوج بندگی، کسب رضایت الهی است.

«و به رنگ خدا، رنگ خدایی بگیرید و چه رنگی بهتر از رنگ خداست؛ صِبْغَةُ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَتَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ ۱۳۸ بقره...»

برای مثال: رنگ قرمز اولین رنگی است که ما به آن توجه می کنیم، رنگ قرمز تحریک کننده احساسات قوی و شدید است و در عین حال، با شور و هیجان تر از همه رنگهاست. قرمز واقعی، پراوتعاش ترین و گیراترین رنگ در طیف رنگها می باشد و نمایانگر هیجان، سرعت، قدرت، لذت و شور است. قرمز باعث جلب توجه فوری می شود و اشیاء یا تصاویر را به پیش زمینه متقل می کند. قرمز باعث می شود مردم احساس گرمی کنند و برای مردان جذابیت زیادی دارد. صورتی تند، دارای بالاترین تمرکز قرمز می باشد و آن را انرژی زاتر، شوخ تر و جذاب تر می سازد.

زرد از نظر روان شناسی، شادترین و جالب توجه ترین رنگ طیف می باشد همراه با حس گرمی، خوش بینی و شادی.

بنابراین رنگی مطلوب برای علام و بسته بندی کالاهاست. نارنجی یک رنگ محرک و انرژی زا است که نمایانگر دوستی، شادی و ماجراجویی است.

آبی دوست داشتنی ترین رنگ از میان رنگهاست و مطلوب و خاص مردان است. همه ارتباطات ما با آبی، مثبت است.

از نظر شرع مقدس اسلام، انسان مؤمن و

### رنگ سیاه مقتدرترین رنگ

و به عنوان رنگی محافظه

کار، جدی و بزرگ مورد

توجه قرار می گیرد و برای

نشان دادن احترام در

موقعیت های رسمی و مهم،

مورد استفاده قرار می گیرد



# شهید سوخته ...

محمد حسین حسام

بیادشست هزاره



استادپس از کمی مکث فرمودند : ایشان در عشق خدا سوخته است !!!  
 گفتم ..... ایشان شهید شده. فرمانده گردان یازهرا (سلام الله علیها ) هم بوده.  
 استاد ادامه داد : ایشان قبل از شهادت سوخته بوده ، خصوصیات بارزی داشت که هم دوستاش می دیدند و می گفتند وهم خانواده اش از مادر که می پرسیدی می گفت در هر حال نماز شبش ترک نمی شد؛ حتی با بدن مجروح و زخمی. جراحتهای بسیارش باعث شده بود که بین همه معروف شود به شهید زنده .

شب بود .....  
 به همراه چند نفر از دوستان دور هم نشسته بودیم. ضبط روشن بود. دعای توسل پخش می شد. هر کسی در حال خودش بود. صدای در، آمد. بلند شدم و در را باز کردم. در نهایت تعجب دیدم استاد گرامی ما حضرت آیت الله جوادی آملی پشت در است. با خوشحالی گفتم بفرماید. ایشان هم در نهایت ادب قبول کردند و وارد شدند. سریع ضبط را خاموش کردیم. استاد در گوشه ای اذاتاق نشستند. بعد گفتند اگر مشکلی نیست ضبط را روشن کنید !!!  
 صدای سوزناک و نوا می ملکوتی او در حال پخش بود.

استاد پرسیدند اسم ایشان چیست ؟  
گفتم : محمدرضا تورجی زاده

چه جذابتی !!!  
 پا که در گلستان شهدا می گذاری، شمیم عطر شهادت تو را سرمست می کند. در ناگزیر رفتن و ملدن، حسی نجیب تو را به سمت مقبره ای می کشاند و چشمانت به مزار می افتد که در اکثر اوقات خالی از زائر نیست. هنوز هم بعد از چندین

آوازه صدای سوزناک و جذاب و ملکوتیش بین همه ی بچه های پیچیده بود. در وصیت نامه های بچه ها که نگاه می کردی، می دیدی که تقاضا می کردند در مراسم هفته ی آنها؛ ایشان دعای کمیل بخواند.

ایشان... آخر... از ساعت ها قبل از شهادت، دستش را به کمر گرفته بوده و گفته: نمی دانم چرا پهلویم درد می کند او همتا، دقایقی بعد مورد اصابت قرار گرفت!!!  
شهید سوخته مارزق عجیبی دارد. انگار هر کسی که او را میشناسد بهره ای از این رزق برده است. وصف او نه تنها در شهر شهیدان - اصفهان - که در اکثر نقاط کشور زیانزد است. آخر پیرمردی که سراغ قبر شهید را از من گرفت از دیار نصف جهان نبود و به نیابت کسی آمده بود تا زیارت کند. آری، امامش گفت: شهدا در فقهه ی مستانه شان و در شادی و وصولشان عند ربهم برزقوند. عاشق ولایت فقیه بود...

**در پیام آخرش برای مردم گفته است:**

آخرین پیام من این است که قدر امام و ولایت فقیه را داشته باشید. خداوند می گوید: اگر شکر نعمت کردید نعمت را افزون می کنم، اگر هم کفران نعمت کنید از شما آن را می گیرم. شکر گزاری از خدا فقط دعا به امام نیست. بلکه اطاعت از فرمانهای او است.

یک مثال نظامی هم می زد. می گفت: ببینید، شبها که می رویم رزم شبانه یک بلدچی جلوی ستون است. فقط او راه را می شناسد. ما بقی افراد حتی فرمانده پشت سر اوست.

این بلدچی راه را رفته و برگشته. اگر تندتر از او حرکت کنیم روی مین می رویم. اگر هم عقب بمانیم یا اسیر می شویم یا کشته.

ما الان در کشورمان یک بلدچی داریم که همه باید پشت سر او باشند. او کسی نیست جز رهبر عزیز ما، محمد در وصیتنامه اش هم به این نکته اشاره کرده بود: عزیزان، امام را همچنان خورشیدی در برگیرید و به دورش بگردید. از مدار او خارج نشوید که نابودیتان حتمی است.

محمد رضای عزیز دریای مواجی است که نه تنها من، بلکه همه و همه غرق در او می شوند. چرا که او غرق در خدا بود.

رازی دارد..... حتما هم رازی دارد.

ظاهر امر نشان می دهد که به این راحتی هم که می شنوی و می بینی نیست. پرسشی که در ذهن می آید این است که چه کسی می تواند در عشق خدا بسوزد؟ چگونه و چه باید کرد تا به این مرحله رسید؟ از مادر باید پرسید. مادری که عاشقانه و مخلصانه کودک خود را پرورش داده، جالب بود، با مادر که صحبت می کردی آرامشی در لحن کلامش بود که نمی توانستی قبول کنی که از فدا کردن فرزندش



سال تیز نگاهش قلبها را نشانه می گیرد. روی سنگ مزار مطهرش را که نگاه کنی، «یا زهرا» نقش بسته است که رازها دارد...

گفته اند هیتی در گردان برگزار شده بود. با خواندن روضه ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) حال عجیبی به بچه ها داده بود... و در آخر روضه دستش را مشت کرده بود، می گوید روی زمین و با گریه می گفت: ای زمین، تو چطور شاهد این همه ظلم بودی...!

آری... علاقه ی وافرش به حضرت زهرا (سلام الله علیها) را نه تنها از زبان خانواده و دوستانش، که در سوز صدایش نیز می توان دریافت.



به مادر سپرده بود: جنازه ام را از حسینیه بنی فاطمه (علیه السلام) تشییع کنید و قبل از دفن، پیشانی بند یا زهرا (سلام الله علیها) به سرم ببندید و لباس سیاه به من بپوشانید. روی سنگ قبر من هم فقط بنویسید با زهرا.

به دوستانش گفته بود من در عملیاتی شهید می شوم که رمز آن یازهرا (سلام الله علیها) است. من هم فرمانده گردان یازهرا (سلام الله علیها) هستم!

و چه زیبا شهادتی داشت... حین فرماندهی گردان یا زهرا در سنگر فرماندهی جراحی هم چون حضرت زهرا (س) بر او وارد شد: جراحیاتی بر پهلو و بازو و ترکش هایی مانند تازیانه بر کمر



از احترام زیادش به پدر و مادر، از اخلاق پسندیده اش، از گوش به فرمان امام بودنش، از روحیه جهادی پسرش. از حرفهای او فهمیدم که صفات او از یک جا نشأت می گرفت. از آنجایی که سید شهیدان اهل قلم، سید مرتضی آوینی گفت.....

سوختن بهای قرب است و چنین سوختنی راجز به پروانگان بی پروای عشق نمی بخشندش. چه زیبا شعری سرودی محمد رضا جان.....

**هیبت، مصیبتی است تنها ماندن**

**هنگام رحیل همراهان جا ماندن**

**سخت است زمان هجرت هم قفسان**

**میهن قفس شدن ز ره و ماندن**

**در چون و چرا ی حسرت هستی تا چند**

**تا چند اسیر خودسری ها ماندن**

**در حسرت پر کشیدن از دام وجود**

**ماندیم و نبود در خور ما ماندن**

**مشتاق رحیل و بال و پر سوخته ایم**

**سخت است در این سرا خدایا ماندن**

و اما... دوست عزیز:

گوشه ی دلت که گیر کنده به سیم خاردارهای این دنیا... با زخمی می شوی... با می سوزی و آتش می گیری... سخت است زندگی با جگر پاره شده... سخت سخت است... نمی شود هوای شهادت نکرد. زندگی سراسر آزمون است و شهادت مهر قبولی...

**التماس دعای شهادت... یازهرا**

# قضاوت در مورد دیگران

سید محمد سادات اخوی

دومین نکته ای که از این آیه می توان دریافت، عدم تجسس است. به طور معمول زمانی تجسس رخ می دهد که افراد می خواهند بر اساس این تجسس به داده یا مسئله ای پی ببرند و بر اساس آن اظهار نظر و اظهار رأی در مورد افعال فرد داشته باشند. چنین مسئله ای نیز با نهی مستقیم خدای متعال صورت گرفته است.

لا تجسسوا، همین کافی است تا بدانیم اکثر مشکلات و موانع پیشرفت انسان ها در زندگی و حتی اختلافات خانوادگی تجسس و سرک کشیدن در زندگی دیگران است.

خدای متعال برای حریم شخصی افراد احترام قائل شد و هر موضوعی را که در این حریم گنجانده شود از حق الله و حق النفس بر شمرده و توبه را جایز می داند. این مسئله تا زمانی است که حریم نشکند و جامعه آلوده نشود. در چنین شرایطی به دلیل تسریع این موضوع به جامعه خدای متعال برخورد و نهی به ویژه امر به معروف و نهی از منکر را دستور فرموده است.

با خود بیندیشیم اگر تجسس ها و دخالت ها و

را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه پذیر و مهربان است!) این آیه بردارنده سه حکم مهم و ارزشمند است. موضوعی که معمولا در اظهار نظرات به طور مکرر رخ می دهد و خدای متعال با بیان اجتنبوا (پرهیزید) آن را نهی نموده است. اولین مسئله ظن یا همان حدس و گمان است. بارها رخ داده افراد در مورد دیگران اظهار نظری می کنند که نه تنها به آن علم ندارند بلکه بر اساس شنیده ها و یا نگاه اشتباه به یک فعل رخ داده است. در نگاه اسلام و دینداری این نوع برداشت از رفتارهای مردودی است که در کنار غیبت ذکر شده است. به تعبیر بهتر اظهار نظر بر اساس ظن و حدس در کنار غیبت نهی شد. در همین راستا امیر المومنین (ع) می فرمایند: «بدانید که بین حق و باطل، بیش از چهار انگشت، فاصله نیست. یکی از حاضران پرسید: چگونه بین حق و باطل، بیش از چهار انگشت فاصله نیست؟ امام انگشتان را کنار هم گذاردند و بین گوش و چشم خود قرار دادند و سپس فرمودند: «باطل آن است که بگوئی شنیدم، و حق آنست که بگوئی دیدم». و چه زیبا حضرت، مسئله ظن و حدس اشتباه و یا ضعیف که به طور روزمره جامعه دچار آن هست را تبیین می نماید.

قضاوت را باید رفع نزاع و درگیری میان دو جریان یا گروه و یا دو نفر دانست. اصل قضاوت برای خداست و حق قضاوت را خدا به بنده اش داده است. به واقع باید گفت قضاوت و داوری در مورد افراد و رفع نزاع یک حق انتسابی از سوی خدا همچون حق امامت و نبوت است. حقی که خدای متعال با خطاب قرار دادن داوود می فرماید: «یا داوود إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ»<sup>۱</sup>

بر همین اساس می توان دریافت که قضاوت در اساس تعاریف دینی یعنی رفع نزاع و کنش میان دو گروه یا دو فرد بر اساس داوری. لذا استفاده از کلمه قضاوت برای نظر دادن در مورد افعال یک فرد یا بررسی کنش های افراد جامعه صحیح نیست و خطایی استعملی است. به عبارت دیگر، اگر فردی در مورد دیگران نظری داد این نظر از نگاه شارع به عنوان قضاوت نامیده نمی شود بلکه آن را ظن و گمان و یا برداشت واقعی از افعال آن فرد حمل می شود. در این یادداشت به بررسی این نوع نگاه می پردازیم.

قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره حجرات به صورت مستقیم می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اجتنبوا كثيرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب بعضکم بعضا یحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرموه و اتقوا الله ان الله توأب رحیم» (ای کسانی که ایمان آورده اید! از بسیاری از گمان ها پرهیزید، چرا که بعضی از گمان ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود



فرد خاطی را جدی پنداشت. به واقع تغافل سیره ای است که اگر مردم به آن تمسک کنند نه تنها موضوع خطای هر فرد آشکارا در بین مردم نمی چرخد بلکه قضاوت های مختلف فراموش می شود. آنچه در جامعه ما امروزه بسیار کم توجه می شود همین مسئله تغافل است. تغافل آنقدر که روایت های متعدد و مکرر را با خود همراه نموده شاید موضوعات دیگر این چنین مورد توجه نبوده است. چه زیباست افرادی که با تغافل اولاً خاطی را از اشتباهی که نموده آگاه می کنند و ثانیاً با این عمل جلوی تجری و عصیان بیشتر خاطی را می گیرند و حریم خاطی در برابر او شکسته نمی شود. معمولاً در جامعه تا خطایی رخ داد، فرد، متهم به هزاران مسئله می شود بدون آنکه جوانب کار را سنجیده و بررسی کنند.

البته آنچه مهم است تفاوت اظهار نظر با مسئله امر به معروف و نهی از منکر است. این دو موضوع تراحم ندارد. فردی که به طور علنی مظاهر اسلامی و شئون دینی را رعایت نمی کند و تجاهر به این کار را موجب افتخار خود می داند، اینجا اظهار نظر کردن و پرده نگه داشتن مورد نکوهش قرار گرفته است. روایت های باب امر به معروف و نهی از منکر در این مسئله مصداق پیدا می کنند. کسی که در حریم عمومی و نه حریم شخصی مسئله را انجام داده که این مسئله به دیگران و از همه مهمتر به نظام اسلامی ضربه وارد ساخته، دیگر تغافل برایش جایی ندارد و اگر کسی امر به معروف نکند در جرم او شریک است.

آنچه بایستی به عنوان نتیجه گیری بیان کرد این است، اظهار نظر بدون سند و قطع و یقین مورد نکوهش و نهی خداوند است. جستجو برای اطلاع از رفتارهای دیگران در موضوعات شخصی و یا رخ داده در حریم شخصیشان در کنار غیبت گناهی بزرگ برشمرده می شود. از سویی تغافل یکی از راه های حل خطاها و بهبود مشکلات موجود اشخاص است که این مسئله بایستی با سو برداشت با امر به معروف و نهی از منکر اشتباه گرفته شود.

**ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید، چرا که بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز (در کار دیگران) تجسس نکنید و هیچ‌یک از شما دیگری را غیبت نکنند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! (به یقین) همه شما از این امر کراهت دارید تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است!**



سرک کشیدن ها در زندگی دیگر افراد جامعه نباشد چه میزان کنش و نزاع میان افراد کاهش می یابد.

سرک کشیدن شاید در وهله اول یک مسئله مخفی را آشکار می کند اما آنقدر تبعات دارد که در کنار غیبت و حدس و گمان ذکر شده است. در مورد سومین مسئله ای که در این آیه اشاره شده، غیبت است که پرداختن به آن می تواند از این موضوع خارج شود. اما باید دانست آفت و اساس همه مشکلات در جامعه و اظهار نظر های اشتباه غیبت است. البته غیبت اخص از تهمت و ظن و حدس اشتباه است. در غیبت، فرد ذم شخصی را می کند که آن عیب را داراست اما از منظر مخاطب مغفول و پنهان است. حال اگر این غیبت با تهمت و افترای دروغ همراه شود علاوه بر غیبت، غیبت کننده مستوجب عذاب تهمت و افترا هم می شود. مسئله ای که خدای متعال برایش حد و تعزیر قرار داده است.

در کنار اظهار نظرها و برداشت های اشتباه، گاهی فردی اشتباهی انجام می دهد که با نادیده انگاشتن یا تغافل می توان آن مسئله را در همان مکان و زمان نگه داشت و حفظ آبروی



# حقیقتی که به خاطره ها می پیوندد!

محمد صفاریان پور

در مردان را بسیار راحت می توان درک کرد. مردان و پسران زیر آبرو برداشته با موهای دم اسبی یا سیخ شده، با شلوارهای لی چسبان پاره و با تیشرت های اندامی، با عشوهِ حرف زدن و ... تمام خصوصیاتِ که یک دختر می تواند داشته باشد را بعضی از پسرهای امروزی دارا هستند. با بروز این رفتارها، مشخص می شود که چرا قرآن رعایت حیا را هم از مردان هم از زنان خواسته است.

## چرا سن ازدواج بالا رفته است؟

یکی از پیامدهای بی حیایی، بالا رفتن سن ازدواج است. در کنار تمام مشکلات اقتصادی که باعث دیر ازدواج کردن جوانان می شود ولی بروز بی حیایی مناسفانه باعث ارتباطات غیر شرعی دختران و پسران در آستانه ازدواج می شود و آنهایی که در زمان پذیرفتن مسئولیت مهم و سازنده زندگی هستند وقتی می توانند بدون پذیرفتن مسئولیت خود را از نظر روحی و روانی ارضا کنند هیچ گاه زیر بار این مسئولیت نمی روند.

## بلوغ زودرس نتیجه بی حیایی

یکی دیگر از پیامدهای ترویج بی حیایی، بلوغ زودرس است. حتما شنیده اید که کسائیکه سنشان از ۳۰ گذشته است وقتی رفتارهای یک نوجوان سیزده یا چهارده ساله را می بینند که به راحتی در فضاهای مجازی و حقیقی با جنس مخالف خود ارتباط برقرار با صحبت های جنسی می کند، می گویند ما همسن او که بودیم بسیاری از این مطالب حتی به گوشمان نرسیده بود که این نشانه بلوغ زودرس و نتیجه ترویج بی بندوباری و بی حیایی است.

ابتدا مردان را به حیا دعوت کرده و بعد حیا را به خانم ها گوشزد کرده است. خداوند در ابتدا می فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِیْنَ یَغْضُؤْا مِنْ اَبْصَارِهِمْ»

در گذشته های نه چندان دور پدر و مادرها، پدر بزرگ و مادر بزرگ ها دائم به دختران نصیحت می کردند که «دخترم چادر سرت کن»، «دختر که در خیابان بلند بلند نمی خنده»، «دخترم موهات بیرون آمده» و ... یا در بعضی از اوقات که صحبت های خاصی بین خانواده می شد سریع به دختر خانم منزل می گفتند:

«دخترم برو تو آشپزخانه یک سری به غذا بزن»، «دخترم برو تو اوقات یک لحظه» و ...

به خصوص این رفتارها وقتی که برای یک دختر خانمی خواستگار می آمد بیشتر بروز پیدا می کرد. استدلال قدیمی ها از اینگونه رفتارها این بود که «چشم و گوش دختر باز می شه» و اینکه «دختر باید حیا داشته باشه». روی همین حساب هر جا نامحرمی بود سعی می کردند در عقیف ترین و البته لطیف ترین پرده ها دختر را محفوظ نگه دارند تا مبدا عصمت و پاکی او خدشه دار شود.

از سویی خود دخترها هم در گذشته بر اساس تربیت خانوادگی در ارتباط با نامحرم بسیار باحیا بودند، اما رفته رفته با ورود تکنولوژی های مدرن در زندگی افراد و البته عدم استفاده صحیح از این تکنولوژی ها قبح بسیاری از رفتارها ریخت. ورود سریال های ترکیه ای با رویکرد ترویج بی حیایی، اختلاط دختر و پسر بدون در نظر گرفتن چهارچوب های اسلام، از بین رفتن قبح برخی حرکات، همه و همه دست به دست هم داده تا ریشه حیا را در جامعه خشک کنند.

## حیا؛ اول مردان بعد زنان

اما نکته ای که در جامعه کنونی به چشم می خورد، تنها از بین رفتن حیا بخشی از جامعه یعنی زنان و دختران نیست بلکه بی حیا شدن پسرها و مردان نیز می باشد برخی فکر می کنند که حیا فقط برای خانم هاست ولی طبق آیات قرآن کریم اینگونه نیست قرآن



«به مردان با ایمان بگو دیده فرو نهند، سپس با خطاب مستقل سراغ زنان رفته و می فرماید: «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ یَغْضُؤْنَ مِنْ اَبْصَارِهِنَّ»؛ «او به زنان با ایمان بگو دیدگان خود را از هر نامحرمی فرو بندند این معنا بر این نکته تاکید دارد که به همان اندازه که زنان باید مراقب گوهر عفت و حیا خود باشند، مردان هم باید تلاش کنند تا عنصر حیات بخش حیا را در خود نهادینه کنند.

## بقای جامعه و خانواده در گرو حیا

حیا موجب بقای جامعه و افزایش عشق بین دو جنس مخالف (زن و شوهر) می شود و همین عشق است که بنای تشکیل خانواده را می سازد. شاید در گذشته خیلی معنای باحیا بودن مردان را متوجه نمی شدیم. می گفتیم لباس های مردان که ساده است و چهره ها هم اغلب با محاسن و ساده و مدل موها هم کوتاه و معمولی است. مردان سرشان هم در کار خودشان است و بدون توجه به دیگران صاف می روند محل کار و از آنجا هم یکسره به منزل می آیند. به قول معروف سر و گوششان نمی جنبید اما در زمان کنونی ولزه بی حیایی

انسان گاهی باید از شخصیت والای خود که خداوند به آن اطلاق خلیفه‌الهی کرده است هم حیا کند. باید بسیاری از اعمال پست را در حد شخصیت خود نداند. باید در برابر بسیاری از رفتارها از خالق و معبود خود حیا کند و او را ناظر بداند.

### لاحیا فی الدین یعنی چه؟

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در روایتی که در کتاب اصول کافی آمده است، فرموده‌اند: حیا بر دو قسم است، یکی حیا خردمندانه و آن دیگر حیا احمقانه. حیا خردمندانه ناشی از علم و دانش است و حیا احمقانه عبارت از جهل و نادانی است.

در برخی از موارد دینی به جهت آشنایی و آموزش آن‌ها نباید حیای بیجا به خرج داد. به عنوان مثال: شخصی نوجوان که باید از احکام دینش مطلع شود و مسائلی از جمله غسل جنابت، استبراء و احکام طهارت و جنسی به او گفته شود. اگر در این زمینه حیا به خرج دهیم همان حیای جاهلانه است. اینجاست که در روایتی داریم «الاحیاء فی الدین».

امیدواریم با تقویت حیا در درون خودمان و توجه مسئولان به این امر دوباره شاهد پاک‌ی و عصمت باشیم.

### نکته‌ای که در جامعه

کنونی به چشم می خورد،

تنها از بین رفتن حیای

بخشی از جامعه یعنی زنان

و دختران نیست بلکه

بی حیا شدن پسرها و

مردان نیز می باشد

برخی فکر می کنند که

حیا فقط برای خانم‌هاست

ولی طبق آیات قرآن کریم

اینگونه نیست قرآن ابتدا

مردان را به حیا دعوت

کرده و بعد حیا را به خانم‌ها

گوشزد کرده است.

نوجوانی که به راحتی با گردش در کوچه و خیابان و یا یک جستجوی ساده در اینترنت و یا مشاهده بسیاری از فیلم‌های ایرانی اکران شده در سینما و تلویزیون هزار نوع بی بندوباری را چشم می بیند، دیگر معنا و مفهوم حیا را نمی فهمد. از چنین نوجوانی چشم و دل پاک را نباید توقع داشت.

یکی دیگر از پیامدهای ظهور بی حیایی در ایران اسلامی، شکاف بین خانواده‌ها و نهایتاً افزایش طلاق است. در گذشته مرد به دلیل حیای خانم‌ها که در بالا به آن اشاره شد، تنها زنی که آرایش کرده و با لباس‌های جذاب و طنزهای زنانه می دید فقط همسر خود بود لذا دیگر به قول معروف «هوا برش نمی داشت». اما در زمان کنونی بعضاً دیده می شود که مردان، همسران خود را که کوهی از مسئولیت خانه داری و بچه داری به دوششان است را با زنان و دختران بیکاری که چندین ساعت را صرف آرایش خود می کنند، مقایسه می کنند. این مردان، زنان بد حجاب خیابانی، چشم‌هایشان را پر کرده است.

چشم چرانی، هرزه گری، هوس بازی، فروپاشیدن کانون خانواده و سرانجام طلاق عاقبت بی حیایی است که می تواند بزودی دامن جامعه ما را بیالاید. از سوی قیاس همسر خود با مردان دیگر از سوی زنان نیز نتیجه ترویج بی حیایی در بین مردان جامعه است.

اگر از حیا در جامعه گذر کنیم، حیا در کانون خانواده هم بسیار مهم است. اگر پدر و مادر در برخورد با هم در مقابل دیدگان فرزندان حیا به خرج ندهند نمی دانید چه فاجعه‌ای رخ می دهد. اگر پدر و مادری در محیط خانواده بددهانی کنند، اگر در محیط خانواده سریال‌های خارجی که موجب ترویج بی بند و باری می شود، اگر در محیط خانواده دختران و مادر خانواده در پوشش مناسب خود حریم‌ها را رعایت نکنند، اگر در محیط خانواده فضای دسترسی به اینترنت و تکنولوژی مدیریت شده نباشد و دسترسی به هر اطلاعاتی راحت باشد، مشخص است که در آن خانواده چه اتفاقی خواهد افتاد.

### عالم محضر خداست

اما بعد دیگری که حیا دارد، بعد فردی است.



سید جواد موسوی

# شادی یک فرصت است



تمدن جدید، دنیای ماشینی امروز و درگیر شدن بشر امروزی با انواع مظاهر تکنولوژی، دنیای مدرن فارغ از دین، نتیجه ای جز سردرگمی، افسردگی، بی حوصلگی بشر مدرن امروزی به دنبال نداشته است. نگاهی به آمار خودکشی ها، افسردگی ها، مصرف بالای داروهای آرام بخش، مؤید این ادعاست. لذا برای تأمین این نیاز اساسی، بشر به فکر برطرف کردن آن افتاده است و هم اکنون برخی کشورها برای درمان بیماری های روانی، به خنده درمانی روی آورده اند. باشگاه خندان های هند، نام تشکیلاتی با اهداف بهداشت روانی است که در شهر بمبئی هند فعالیت می کند و از استقبال زیادی برخوردار شده است. گردانندگان این تشکیلات معتقدند: عمل خندیدن، ضمن این که تنش های روحی و عصبی را رفع می نماید، در بهبود اغلب بیماری های روحی و حتی جسمی نیز مؤثر می باشد.

اگرچه خندیدن یکی از مظاهر اصلی شادی است، اما شاد بودن تنها خندیدن نیست. با توجه به تعاریف متعددی که برای شادی ارائه شده، می توان گفت که همان احساس رضایت و خوشبختی در زندگی هر فردی است. لذا می توان گفت انجام تمام کارهای اخلاقی و خوب چون کمک به دیگران، دوست داشتن دیگران، عفو و گذشت یا هر کار اخلاقی دیگری که احساس رضایتمندی درونی را در پی داشته باشد، یک شادی درونی را برای فرد به ارمغان می آورد؛ که ممکن است به صورت لبخند ظاهر شود.

دین اسلام حتی در این باره نیز به این ویژگی مهم انسان توجه نموده است.

برخلاف تصور برخی، دین اسلام با شادی هیچ تضادی ندارد و یک فرد دیندار، شادمان هم می تواند باشد. استاد مطهری در این زمینه می گوید: "بعضی از مقدس مآبان و مدعیان تبلیغ دین، به نام دین با همه چیز به جنگ برمی خیزند؛ شعارشان این است: اگر می خواهی دین داشته باشی، به همه چیز پشت پا بزن، دنبال مال و ثروت نرو، حیثیت و مقام را ترک کن، زن و فرزندت را رها کن، از علم بگریز که حجاب اکبر و مایه گمراهی است، شاد مباش و شادی نکن، از خلق بگریز و به انزوا پناه ببر و امثال اینها." ایشان این حرف را در مورد اسلام غیرمطلق می داند و می فرمایند: "یکی از مختصات دین اسلام این است که همه تمایلات فطری انسان را در نظر گرفته و هیچ کدام را از قلم نینداخته است. معنای فطری بودن قوانین اسلامی، هماهنگی آن قوانین و عدم ضدیت آنها با فطریات بشر است."

## شادی، فرصت است

امامان و پیشوایان دینی ما نیز همواره به شادی که یکی از نیازهای مهم در زندگی بشر است، توجه می نمودند. به عنوان مثال امام علی (ع) از شادی به عنوان فرصت یاد کرده اند و فرموده اند: "اوقات السورور خلسه؛ مواقع شادمانی، فرصت است." این حدیث را می توان اینگونه تعبیر کرد که شادی زمان و فرصتی برای بدست آوردن نشاط و توانایی بیشتر است. حتی در برخی از احادیث ایشان یکی از صفت های افراد دیندار را چهره خندان و شاد ایشان می دانند؛ «المؤمن بشره فی وجهه و حزنه فی قلبه؛ شادی مؤمن در چهره اش و اندوهش در دلش است.» لذا ایشان که افراد را به شاد بودن دعوت می کردند خود نیز اینگونه بودند. استاد شهید مطهری در این باره

می گوید: «علی، مردی بود بشاش، بر خلاف مقدس مآب های ما که همیشه از مردم دیگر بهای مقدسی می خواهند، همیشه چهره های عبوس و اخم های در هم کشیده دارند و هیچ وقت حاضر نیستند یک تبسم به لبشان بیایند؛ گویی لازمه قدس و تقوا، عبوس بودن است. مؤمن، اندوه خودش را در هر موردی در دلش نگه می دارد، وقتی با مردم مواجه می شود، شادی اش را در چهره اش ظاهر می کند. علی (ع) همیشه با مردم با بشاشت و با چهره بشاش رو به رو می شد؛ مثل خود پیغمبر. علی (ع) با مردم مزاح می کرد مادام که به حد باطل نرسد؛ همچنان که پیغمبر مزاح می کرد. یگانه عیبی که برای خلافت به علی (ع) گرفتند، این بود که گفتند: عیب علی (ع) این است که خنده روست و مزاح می کند؛ مردی باید خلیفه شود که عبوس باشد و مردم از او بترسند.»

## یک چهارم روز را به تفریح اختصاص

دهید

امام رضا (ع) می فرمایند: "کوشش کنید اوقات روز شما چهار ساعت باشد. ساعتی برای عبادت و مناجات با خدا، ساعتی برای تأمین معاش، ساعتی برای معاشرت با برادران مورد اعتماد و کسانی که شما را به عیب هایتان آگاه سازند و در باطن به شما خلوص دارند و ساعتی را هم به تفریحات و لذایذ اختصاص دهید و با این بخش از زندگی، قادر خواهید بود آن سه بخش دیگر را به خوبی انجام دهید

بنابراین در دین اسلام حتی به تقسیم اوقات و اختصاص زمانی برای شادی و شادمانی توصیه شده است. این حدیث نشان می دهد که نشاط

### میخور غم گذشته: اکنون را دریاب

کلام آخر اینکه شادی و شادزیستن در قید زندگی کردن در زمان حال است. همانطور که در سوره حدید آیه ۲۲ آمده است " لَكَيْلًا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ " (تا بر آنچه از دستتان می رود اندوهگین نباشید و به آنچه به دستتان می آید شادمانی نکنید و خدا هیچ متکبر خود ستاینده ای را دوست ندارد). اما با کمال تأسف، برخی افراد به روزهای گذشته و از دست رفته خود و برخی دیگر به آینده به صورت افراطی نگاه می کنند؛ یا در حسرت دیروز خود هستند و یا در آرزوهای دور و دراز فرداها غرق می شوند و آرامش و آسایش را از زندگی خود و اطرافیان خود می گیرند. البته نگاه به آینده برای ساختن آن کاری بسیار پسندیده است اما نه به صورتی که زمان حال فدای آن شود و از دست برود. حتی می توان گفت که امروز، آینده دیروز است که دارد میگذرد. لذا آینده زمانی در دست ماست که قدر امروزمان را بدانیم.

امام علی(ع) درباره این موضوع می گوید: «گذشته عمر تو رفته است و باقی مانده آن، محل تردید است؛ پس زمانی را که در آن به سر میبری، برای عمل، غنیمت شمار». در جای دیگر می فرماید: «قلب را از اندوه گذشته آکنده مساز که تو را از آمادگی برای آینده باز می دارد». و باز فرموده است: «نگرانی های سال را بر نگرانی امروزت اضافه مکن، برای امروز مشکلات خودش کافی است».

لذا اگر امروزمان را به امید آینده از دست بدهیم اشتباه بزرگی را مرتکب شده ایم در نتیجه آینده خود را نیز از دست داده ایم.



و شادمانی تأثیر ویژه ای بر فعالیت های دیگر می گذارد و فردی که زمانی را برای تفریح اختصاص داده است از نظر روحی و روانی آمادگی انجام فعالیت های روزمره با توانی مضاعف را پیدا می کند.

### شادی به هر قیمتی؛ هرگز

همانگونه که پیشتر دیدیم، توصیه های فراوانی به شادی، گشاده رویی و نشاط شده است اما نباید غفلت کرد و شاد زیستن و شاد بودن به هر قیمتی و با هر طریقی بدست آورد. تقرب یا عدم تقرب انسان به حضرت احدیت را می توان کلیدی ترین معیار و مرز میان تفکر دینی و تفکر غیر دینی دانست. نگاهی به آموزه های دینی نشان می دهد، دین، شادی بدون هرگونه گناه و فساد و در چارچوب گزاره های دینی را مقبول دانسته و آن را مشروع می پندارد و شادی خارج از آن را تقبیح می نماید.

در اسلام برای شادی ضوابط و حد و مرزی قائل شده اند. شادی هایی که برای روح انسان مضر است و انسان را از هدف اصلی آفرینش که همان بندگی است دور می کند و سبب حرکت انسان به فقههرا و دوری از یاد خدا می گردد، ناپسند اعلام شده و مطلوب نیست. همانند انواع شادی هایی که با مستی، نشنگی و ... در دنیای امروز شیوع پیدا کرده است. این نوع شادی ها به رغم ایجاد حالت خوشایند زودگذر در انسان، عوارض جسمانی و روحانی متعددی دارند. فرد عاقل

برای بهره مندی از زندگی سرشار از سرور و نشاط، سعی نمی کند برای به دست آوردن شادی لحظه ای، مابقی عمر خود را در حسرت و غم به سر برد.

برخی افراد به روزهای گذشته و از دست رفته خود و برخی دیگر به آینده به صورت افراطی نگاه می کنند؛ یا در حسرت دیروز خود هستند و یا در آرزوهای دور و دراز فرداها غرق می شوند و آرامش و آسایش را از زندگی خود و اطرافیان خود می گیرند

# تسلیم در برابر خدا

هر روز در زندگی ما صدها مورد پیش می‌آید که اگر با خودمان رو راست باشیم و دنبال حق برویم و نخواهیم سر خودمان کلاه بگذاریم، هر کدام حکمش در قانون خدا مشخص است. در دین بی‌نظیر ما همه چیز حساب و کتاب دارد و درستش از غلطش جداست. اما اینکه چقدر دلمان تسلیم باشد و بخواهیم پاک زندگی کنیم دیگر با خودمان است. روح اسلام، تسلیم امر خدا شدن در امور کوچک و بزرگ زندگی است؛ وگرنه اگر بخواهیم با توجیه عقلمان زندگی کنیم، برای هر کار بدی دهها توجیه وجود دارد. این روزها خیلی از قوانین و حساب کتاب‌های دین دارد رنگ می‌بازد و با همین توجیه‌ها مباح می‌شود، درحالی‌که وقتی اثرات مخربش را روی زندگی می‌گذارد و غیرقابل کنترل می‌شود آن وقت دنبال راه‌حل می‌افزیم و به فلسفه احکام اجتماعی دین بی می‌بریم. اموری هست که در زندگی امروز ما فراگیرتر است و غالباً به خاطر رفتارهای نادرستی که وجود دارد تبدیل به معضلی در جامعه شده، مثل شیوه پوشش، رواج موسیقی، شیوه رانندگی، نحوه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی، و مصرف کالای خارجی و قاچاق. چه بهتر که احکام درست این مسائل را بدانیم و مطابق آن عمل کنیم تا زندگی فردی و اجتماعی‌مان اصلاح شود:

## پوشش



در زمینه پوشش افراد در جامعه، همه در طول عمرمان شنیده‌ایم که از نظر مراجع تقلید، «پوشش زن» در مقابل نامحرم باید به گونه‌ای

باشد که به جز گردی صورت و مچ دست به پایین (بدون آرایش و زیورآلات) آشکار نباشد، برجستگی‌ها و زیبایی‌های بدن زن - با وجود پوشیدن آن - آشکار نباشد، و رنگ و خصوصیات آن به گونه‌ای نباشد که جلب توجه کند و موجب تحریک اطرافیان شود. پس پوشیدن لباس تنگ و بدن نما، لباسی که قسمتی از بدن را عریان می‌کند، و کشش و لباسی که با هدف تحریک نامحرم‌ان انتخاب شود - حتی چادر براق و جذاب - حرام است. بر همین اساس استعمال عطر و آرایش نمودن هر قسمت از بدن در محیط بیرون، برای زن حرام بوده و هرچه که در عرف برای او زیور محسوب شود باید پوشانده شود، حتی اگر ابرو یا حلقه از دواج باشد.

پوشش مرد نیز در مقابل زن باید به گونه‌ای باشد که موجب فسده و گناه دیگران نشود. از طرف دیگر لباسی که پوشیدن آن به خاطر رنگ، کیفیت دوخت، مندرس بودن یا علل دیگر، توجه مردم را جلب کند و صاحب لباس را انگشت‌نما کند، «لباس شهرت» نامیده می‌شود و پوشیدن آن حرام است. استفاده از لباسی هم که ترویج فرهنگ کفر و شرک است حرام است مثل استفاده از کروات و سایر پوشش‌های غیراسلامی فرهنگ غربی.

## موسیقی

حضور در مجلس غنا، آموزش یا نواختن یا گوش دادن به غنا و خرید و فروش آلات موسیقی برای استفاده حرام، حرام است. حضرت آیت الله خامنه‌ای در رساله آموزشی خود بحث مفصلی از احکام موسیقی ارائه داده‌اند که در ادامه گوشه‌ای از آن را می‌خوانیم تا بتوانیم فهم درستی از مفهوم غنا پیدا کنیم:

غنا که عبارت است از آوازخوانی، در صورتی که مضمّن عن سبیل الله باشد، حرام است. بنابراین دو گونه غنا داریم: یک غنا، غنای حلال است که غیر لهوی مضمّن است. یک غنا، غنای حرام است و آن عبارت است از غنای لهوی مضمّن. البته اگر نمی‌دانیم این آوازی را که آوازخوان می‌خواند، مصداق غنای لهوی مضمّن است یا نه، بنا را بر

حلیت غنا می‌گذاریم.

۱- لهوی بودن: لهو عبارت است از آن چیزی که انسان را سرگرم کند و از امری غافل نماید. البته نمی‌توان گفت هر لهوی حرام است، بلکه لهوی که موجب اضلال مردم باشد، حرام است. مثلاً انسانی که اشتغال ذهنی دارد یا مصیبتی بر او وارد آمده یا گرفتاری و نگرانی دارد، با شنیدن آوازی سرگرم شده و از آن ناراحتی و خیالات غافل می‌شود. این آهنگ لهو است، اما حرام نیست.



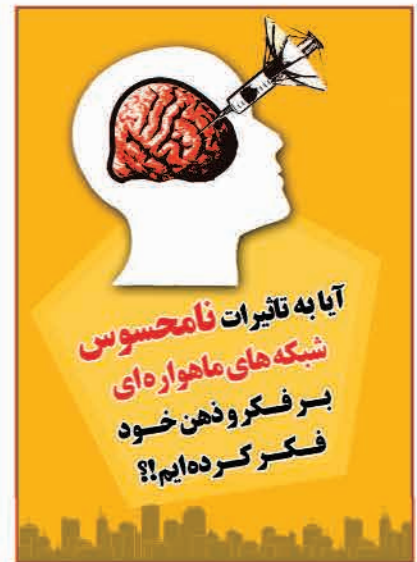
۲- مضمّن بودن یعنی اضلال عن سبیل الله: اضلال به معنای گمراه شدن از صراط مستقیم است؛ اعم از انحراف از عقیده یا عمل صحیح. نحوه اضلال در غنا: ممکن است ضلال غنا به سه نحو باشد:

یک- مضمون کلمات آن موجب گمراهی - شود؛ مانند اینکه مضمون آوازی، انسان را به شراب خواری یا بی‌حجابی بکشاند، یا اینکه از عمل خیری باز دارد یا موجب شود اعتقادات حق جایشان را به اعتقادات باطل دهد. دو- مثل آهنگی که اختصاص به رقص محرم داشته باشد. یا آوازی که انسان را به شهوت وادار می‌کند. سه- اوضاع و احوال و شرایط گوناگون دیگر موجب اضلال است؛ مثلاً در خواننده خصوصیتی است که إلهاء عن سبیل الله می‌کند؛ مانند اینکه خواننده، زنی باشد که با وضع و حالش موجب گمراهی شود؛ هرچند اشعارش گناه‌آفرین نباشد یا لحن و آهنگش معمولی باشد.

## برخی مصادیق لهُو حرام:

۱- صدای آلات موسیقی که محرک شهوت باشد. ۲- محرک و موجب انجام حرامی باشد؛ یعنی این صدا طوری باشد که انسان را به کار حرامی وادارد. ۳- صوتی که انسان را از انجام واجبی باز می‌دارد؛ مثلاً جاذبه صوت باعث ترک جهاد، طلب رزق، تحصیل علم و... شود. ۴- اصوات و آهنگ‌هایی که حالت بی‌مبالاتی به دین را به انسان القاء می‌کند و او را از فضای دین خارج می‌کند، مصداق لهُو مضل عن سبیل الله است. ۵- صوت مرقص؛ این صوت مصداق اتم و اظهر صوت لهُوی مضل عن سبیل الله است. به طور کلی می‌توان گفت: هر آهنگ و صوتی که فضا را به سمت بی‌مبالاتی نسبت به دین، گناه و بی‌توجهی به تکلیف شرعی بکشاند، حرام است. آنچه مسلم است این است که ترویج موسیقی و غنا در جامعه، با توجه به اینکه مصداق‌های حرام آن بر مصداق‌های حلال غلبه دارد، جایز نیست.

## شبکه‌های اجتماعی و اینترنتی و ماهواره‌ای



چیزی که این روزها در میان تمام اقشار جامعه رایج شده، عضویت و استفاده از شبکه‌های اجتماعی است. اما حکم استفاده، بازدید و همچنین عضویت در شبکه‌های اینترنتی اینچنین است که به‌طور کلی اگر مستلزم مفسده (مانند ترویج فساد، نشر اکاذیب و مطالب باطل) بوده و یا در آن خوف ارتکاب گناه باشد و یا موجب تقویت دشمنان اسلام و

حرام از آن نمی‌کند و تهیه و نگهداری آن در خانه اش مفسده‌ای دربر ندارد. ولی در هر حال قانونی که در این مورد وجود دارد باید مراعات گردد.

## کالای خارجی و قاچاق



روح اسلام، تسلیم امر خدا شدن در امور کوچک و بزرگ زندگی است؛ وگرنه اگر بخواهیم با توجیه عقلمان زندگی کنیم، برای هر کار بدی دهها توجیه وجود دارد. این روزها خیلی از قوانین و حساب کتاب‌های دین دارد رنگ می‌بازد و با همین توجیه‌ها مباح می‌شود. چه بهتر که احکام درست این مسائل را بدانیم و مطابق آن عمل کنیم تا زندگی فردی و اجتماعی‌مان اصلاح شود.

مسلمین شود، جایز نیست و الا مانعی ندارد. خرید و نگهداری و استفاده از ماهواره هم طبق فتوای مراجع برای استفاده در امور حرام، حرام است و برای استفاده‌های حلال جایز است. ولی چون این وسیله برای کسی که آن را در اختیار دارد زمینه دریافت برنامه‌های حرام را کاملاً فراهم می‌کند و گاهی نگهداری آن مفاسد دیگری را نیز دربردارد، خرید و نگهداری آن جایز نیست مگر برای کسی که به خودش مطمئن است که استفاده

اگر کسانی که از بابت خرید یک کالا توسط ما سود می‌برند یا کمکی به آنها می‌شود، از دشمنان ما باشند یعنی کسانی که در حال جنگ با مسلمانان هستند مثل رژیم غاصب صهیونیستی یا گروه‌های تکفیری، خریدن آن کالا حرام است. اما اگر یقین نداشته باشیم که کالایی که در داخل کشور تولید یا توزیع می‌شود متعلق به دشمنان یا صهیونیست‌ها هست یا اینکه به آنها کمک می‌شود یا نه، خریدن آن کالا اشکالی ندارد. مگر اینکه مفسده‌ای بر آن مترتب شود، مثلاً اینکه حجم زیادی از آن کالا که مشابه داخلی هم دارد استفاده شود و این کار موجب تضعیف کالای ایرانی شود و ضرر به اقتصاد اسلام و مسلمین بخورد که در این صورت یک حکم ثانوی است و مفسده بر آن مترتب می‌شود. اما تا زمانی که در آن حد نباشد، استفاده از آن کالا اشکالی ندارد. فرقی نمی‌کند که این کالا سخت‌افزار باشد یا نرم‌افزار، حکم خرید کالای دشمنان شامل نرم‌افزارها هم می‌شود. برخی برنامه‌ها که اصل ورود به آنها و تعداد استفاده‌کنندگان از آنها برای صاحبش مفید است، ورود به برنامه هم حرام می‌شود.

هر چیزی را که قانون قاچاق دانسته، خرید و فروش آن از نظر شرعی حرام است و استفاده از آن جایز نیست. در صورتی هم که شک داریم کالایی را که می‌فروشند قاچاق است یا نه، خریدش مشکلی ندارد با این شرط که تبلیغ کالای قاچاق نباشد، ولی در اینگونه موارد احتیاط خوب است.

# چگونه

# غذا

## بخوریم؟

طاہرہ سادات سید ناری

خوردن در نگاه دین بهره گیری از نعمت های الهی در مسیر بندگی خداست لذا در آموزه های دینی توصیه های فراوانی در این باره شده است. در این مقاله تنها بخشی از مواردی که در جامعه برخلاف روایات عرف شده است را بیان می کنیم.

### ۱- طیب بودن

حلال بودن و طیب بودن غذا دو شرط مهم غذایی است که بین این دو شرط اغلب به مسئله حلال بودن توجه می شود تا طیب بودن. بیشتر افراد جامعه غذای حلال می خورند اما برخی از غذاهای حلال، طیب نیست. مثلاً پُفک، نوشابه و تنقلاتی که ضرر دارد و هم



چنین بسیاری از فست فودها و... حلال هست اما طیب نیست. در قرآن به حلال بودن و طیب بودن غذا هم زمان سفارش شده است.

«...كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا...» (نحل/۱۱۴)، مانده (۸۷) علاوه بر آیه مذکور ۴ بار دیگر نیز در قرآن بر طیب بودن خوردنی ها تأکید شده است. «...كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ...» «...بخورید از روزیهای پاکیزه ای که به شما داده ایم...» (مکارم/بقره/۵۷، بقره/۱۷۲، اعراف/۱۶۰، طه/

۸۱) هم چنین در حدیث معراج آمده است: یا أحمد... فَإِنَّ أَطْيَبَ مَطْعَمِكَ وَ مَشْرَبِكَ قَانَتْ فِي حِفْظِي وَ كَنْفِي... (ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۰۳) ای احمد اگر خوردن و آشامیدنت پاک باشد در حفظ و حمایت من هستی. در روایتی دیگر نیز مومن به زنبور عسل تشبیه شده: أَنْ النَّبِيِّ (ص) قَالَ: مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ النَّحْلَةِ إِنْ أَكَلَتْ أَكَلَتْ طَيِّبًا وَ إِنْ وَضَعَتْ وَضَعَتْ طَيِّبًا ... (میزان الحکمه، ۱۴۱۹، ج ۷).



پیغمبر صلی الله علیه و اله فرمودند: مؤمن مثل زنبور عسل است. پاکیزه می خورد و پاکیزه تولید می کند. زنبور عسل از بهترین غذای طبیعت یعنی گلها و شیره گلهای سالم تغذیه می کند. در حقیقت زنبور عسل تولید کننده بهترین ها و مصرف کننده بهترین هاست. شیعه نیز باید از غذای پاک و حلال برای تغذیه جسم خود استفاده می کند و از سالم ترین موضوعات علمی برای تغذیه روح خود بهره ببرد. (کتاب از گل به گل بهار ۸۵، ص ۷۱ و ۷۲) ۶۹ شباهت بین ویژگی های مشترک زنبور عسل و مؤمن در کتاب از گل به گل تألیف آقای مهدی نیلی پور ذکر شده است که در این قسمت با توجه به موضوع مورد بحث تنها یک شباهت آن را بیان کردیم

### ۲- راه رفتن هنگام خوردن

در جامعه بسیار دیده می شود که مردم هنگام راه

رفتن در حال خوردن هستند. اسلام از این کار نهی فرموده است عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ لَا تَأْكُلْ وَ أَنْتَ تَمْشِي إِلَّا أَنْ تَضْطَرَّ إِلَى ذَلِكَ (من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۳۵۲) امام صادق علیه السلام فرمودند: در حال راه رفتن چیزی نخور جز آنکه در اضطرار و ناچاری.



راه رفتن هنگام خوردن سبب نظاره گر شدن دیگران می شود. هرچند در حالت نشسته هم ممکن است برخی شاهد خوردن باشند اما فردی که در حال خوردن راه می رود باعث می شود افراد بیشتری را در معرض دید خوردن خود قرار دهد. در این میان شاید کسی توان خرید آن خوردنی را نداشته باشد و دلش بخواهد.

النَّبِيِّ (ص): مَنْ أَكَلَ وَ دُوَّ عَيْنَيْنِ يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُوَاسِهْ ابْتِغَاءَ بَدَاءٍ لَا دَوَاءَ لَهُ. (مجموعه ورام، ج ۱، ص ۴۷) پیامبر صلی الله علیه و اله فرمودند: هر کس غذا بخورد و در همان حال شخصی با چشم ناظر غذا خوردن او باشد، و با او هم غذا نشود، به دردی گرفتار شود، که درمان ندارد.

### ۳- نایستادن و پوشیدن کفش هنگام خوردن

در مراسم هایی مثل عروسی و... که در تالارها برگزار می شود در حالت ایستاده و کفش به پا غذا می خورند.



عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع) قَالَ: الْبِشَارِجَاتُ  
يَعْظُمَنَّ الْبَطْنَ وَ يَحْدَرَنَّ الْمَتْنَ. (مستدرک  
الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۶، ص: ۳۴۱)



پیش غذا خوردن سبب بزرگ شدن شکم می شود.  
مردم در اثر بزرگ شدن شکم به سوی راه های مختلف رومی آورند از جمله عمل های جراحی و یا رژیم های فشرده، در صورتی که اگر مطابق دستورات اسلام عمل کنند و تا گرسنه نشوند غذا نخورند و قبل از سیر شدن نیز دست از غذا خوردن بکشند و هم چنین از خوردن دسر ها خودداری کنند دیگر نیازی به این قدر دگر رفتن و فشار آوردن به خود نیست. برخی مدتی در خوردن افراط و پس از چاق شدن تفریط میکنند. بهتر همان اعتدال است. برای عملی کردن این روایات باید شرایط آن مهیا شود. نه آن که مثلاً از یک سو در رسانه ها تبلیغ خوردنی های غیر طیب شود و از سوی دیگر کارشناسان از خوردن آنها نهی کنند.

النَّبِيُّ ص: مَنْ أَكَلَ وَ دُوَّ عَيْنَيْنِ  
يَنْظُرُ إِلَيْهِ وَ لَمْ يُوَاسِهِ ابْتَلَى بِدَاءٍ لَا  
دَوَاءَ لَهُ. (مجموعه ورام، ج ۱،  
ص ۴۷)

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند:  
هر کس غذا بخورد و در همان  
حال شخصی با چشم ناظر غذا  
خوردن او باشد، و با او هم غذا  
نشود، به دردی گرفتار شود، که  
درمان ندارد.

در روایات آمده است که هنگام خوردن باید روی زمین نشست و کفش در پا نباشد. قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) إِذَا جَلَسَ أَحَدُكُمْ عَلَى الطَّعَامِ فَلْيَجْلِسْ جَلْسَةَ الْعَبْدِ وَ لَا يَضَعَنَّ أَحَدُكُمْ إِحْدَى رِجْلَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى وَ لَا يَتَرَبَّعَ فَإِنَّهَا جَلْسَةٌ يَبْغُضُهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ وَ يَمُتُّ صَاحِبَهَا. (الكافي، ج ۶، ص ۲۷۲) امام علی علیه السلام فرمودند: هر گاه یکی از شما به خوردن نشست باید مثل بنده بنشیند و پا به روی پا نگذارد و چهار زانو نشیند که خداوند چنین نشستن را دشمن دارد و بر صاحبش غضب می کند. قَالَ ص: إِذَا أَكَلْتُمْ فَأَخْلَعُوا نَعَالَكُمْ فَإِنَّهُ أَرْوَحُ لَأَقْدَامِكُمْ وَ إِنَّهُ سَنَةٌ جَمِيلَةٌ. (طَبَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، ص: ۲۰) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: وقتی غذا می خورید کفشهای خود را در بیاورید که باعث راحتی پاهایتان و سنت زیباست.



شاید یکی از دلایل نپوشیدن کفش در هنگام خوردن رابطه ای باشد که کف پا با اعضا و جوارح بدن دارد و بیرون آوردن کفش سبب آرامش اعضا بدن می شود. (سبک زندگی با رویکرد نظم از منظر امام علی علیه السلام، ۱۳۹۲ ص ۴۴)

در ساندویچی ها و اغلب رستوران ها نیز صندلی برای نشستن وجود دارد و فضا به نحوی نیست که انسان بتواند روی زمین بنشیند و کفش هایش را در بیاورد.

#### ۴- نخوردن پیش غذا (دسر)

در رستوران ها قبل از غذا، دسر می آورند در صورتی که حضرت علی علیه السلام پیش غذا خوردن را سبب بزرگی شکم بیان می کنند.





# حدیث عنوان بصری



علامه مجلسی در بحار الانوار از شیخ بهایی و ایشان نیز از شهید اول ( شیخ شمس الدین محمد بن مکی) نقل می کند: پیرمردی فرتوت به نام بصری در مدینه زندگی می کرد که از عمرش نود و چهار سال می گذشت. وی در احوال خود می گفت: من سالیانی به نزد مالک بن انس رفت و آمد داشتم، چون امام جعفر صادق (ع) به مدینه آمد، من به نزد او رفتم و آمد کردم، و دوست داشتم همانطوریکه از مالک تحصیل علم کرده‌ام، از او نیز تحصیل علم نمایم.

«پس روزی آنحضرت به من فرمودند: من مردی هستم مورد طلب دستگاه حکومتی (آزاد نیستم و وقتم در اختیار خودم نیست، و جاسوسان و مفسدان مرا مورد نظر و تحت مراقبه دارند). و علاوه بر این، من در هر ساعت از ساعات شبانه روز، آواراد و اذکاری دارم که بدانها مشغولم. تو مرا از ورودم و ذکرم باز مدار! و علومت را که می خواهی، از مالک بگیر و در نزد او رفت و آمد داشته باش، همچنانکه سابقاً حالت اینطور بود که به سوی وی رفت و آمد داشتی.»

«پس من از این جریان غمگین گشتم و از نزد وی بیرون شدم، و با خود گفتم: اگر حضرت در من مقدار خیری جزئی را هم تفرس می نمود، هر آینه مرا از رفت و آمد به سوی خودش، و تحصیل علم از محضرش منع و طرد نمی کرد.

پس داخل مسجد رسول الله (صلی الله علیه و آله) شدم و بر آنحضرت سلام کردم. سپس فردای آن روز به سوی روضه برگشتم و در آنجا دو رکعت نماز گزاردم و عرض کردم: ای خدا! ای خدا! من از تو می خواهم تا قلب امام جعفر (ع) را به من متمایل فرمائی، و از علمش به مقداری روزی من تمائی تا بتوانم بدان، به سوی راه مستقیم و استوارت راه یابم! «و با حال اندوه و غصه به خانام باز گشتم؛ و به جهت آنکه دلم از محبت امام جعفر (ع) اشراب گردیده بود، دیگر نزد مالک بن انس نرفتم. بنابراین از منزل خارج نشدم مگر برای نماز واجب (که باید در مسجد با امام جماعت بجای آورم) تا به جائیکه صبرم تمام شد. در اینحال که سینهام گرفته بود و حوصله‌ام به پایان رسیده بود نعلین خود را پوشیدم و ردای خود را بر دوش افکندم و قصد زیارت و دیدار امام جعفر (ع) را کردم؛ و این هنگامی بود که نماز عصر را بجا آورده بودم.»

«پس چون به در خانه حضرت رسیدم، اذن دخول خواستم برای زیارت و دیدار حضرت. در اینحال خادمی از حضرت بیرون آمد و گفت: چه حاجت داری؟! گفتم: سلام کنم بر شریف.

خادم گفت: او در محل نماز خویش به نماز ایستاده است. پس من مقابل در منزل حضرت نشستم. در اینحال فقط به مقدار مختصری درنگ نمودم که خادمی آمد و گفت: به درون بیا که برکت خداوندی به تو روی کرده است.

من داخل شدم و بر حضرت سلام نمودم. حضرت سلام مرا پاسخ گفتند و فرمودند: بنشین! خداوند تورا پیامرزد!

«پس من نشستم، و حضرت قدری به حال تفکر سر به زیر انداختند و سپس سر خود را بلند نمودند و گفتند: کنیهات چیست؟»

گفتم: ابا عبدالله (پدر بنده خدا)! حضرت گفتند: خداوند کنیهات را ثابت گرداند و تو را موقتاً بدارد ای ابا عبدالله! حاجت چیست؟

من در این لحظه با خود گفتم: اگر برای من از این دیدار و سلامی که بر حضرت کردم غیر از همین دعای حضرت هیچ چیز دیگری نباشد، همین بسیار است.

«سپس حضرت سر خود را بلند نمود و گفت: چه می خواهی؟»

عرض کردم: از خداوند مسألت نمودم تا دلت را بر من منقطع فرماید، و از علمت به من روزی کند. و از خداوند امید دارم که آنچه را که درباره حضرت شریف تو درخواست نموده‌ام به من عنایت نماید.

حضرت فرمود: ای ابا عبدالله! علم به آموختن نیست. علم فقط نوری است که در دل کسی که خداوند تبارک و تعالی اراده هدایت او را نموده است واقع می شود. پس اگر علم می خواهی، باید در اولین مرحله در نزد خودت حقیقت عبودیت را بطلبی؛ و بواسطه عمل کردن به علم، طالب علم باشی؛ و از خداوند پیروی و استقامت نمایی تا خدایت ترا جواب دهد و بفهماند!

«گفتم: ای شریف! گفت: بگو: ای پدر بنده خدا (ایا عبدالله)!»

گفتم: حقیقت عبودیت کدام است؟

گفت: سه چیز است: ۱- اینکه بنده خدا برای خودش درباره آنچه را که خدا به وی سپرده است ملکیتی نبیند؛ چرا که بندگان دارای ملک نمی باشند، همه اموال را مال خدا می بینند، و در آنجائیکه خداوند ایشان را امر نموده است که بنهند، می گذارند؛ ۲- اینکه بنده خدا برای خودش مصلحت اندیشی و تدبیر نکند؛ ۳- تمام مشغولیاتش در آن منحصر شود که خداوند او را بدان امر نموده است و یا از آن نهی فرموده است بنابراین، اگر بنده خدا برای خودش ملکیتی را در آنچه که خدا به او سپرده است نبیند، انفاق

نمودن در آنچه خداوند تعالی بدان امر کرده است بر او آسان می شود و چون بنده خدا تدبیر امور خود را به تدبیرش بسپارد، مصائب و مشکلات دنیا بر وی آسان می گردد و زمانی که اشتغال ورزد به آنچه را که خداوند به وی امر کرده و نهی نموده است، دیگر فراغتی از آن دو امر نمی یابد تا مجال و فرصتی برای خودنمایی و فخریه نمودن با مردم پیدا نماید. پس چون خداوند، بنده خود را به این سه چیز گرامی بدارد، دنیا و ابلیس و خلاق بر وی سهل و آسان می گردد؛ و دنبال دنیا به جهت زیاد اندوختن و فخریه و مباحثات با مردم نمی رود، و آنچه را که از جاه و جلال و منصب و مال در دست مردم می نگرد، آنها را به جهت عزت و علو درجه خویش طلب نمی نماید، و روزهای خود را به بطالت و بیهوده رها نمی کند.

و ایست اولین پله از نردبان تقوی. خداوند تبارک و تعالی می فرماید:

آن سرای آخرت را ما قرار می دهیم برای کسانی که در زمین اراده بلندمنشی ندارند، و دنبال فساد نمی گردند؛ و تمام مراتب پیروزی و سعادت در پایان کار، انحصاراً برای مردمان با تقوی است.

«گفتم: ای ابا عبدالله! به من سفارش و توصیه ای فرما!»

گفت: من تو را به سه چیز وصیت و سفارش می نمایم؛ زیرا که آنها سفارش و وصیت من است به اراده کنندگان و پویندگان راه خداوند تعالی و از خداوند مسألت می نمایم تا تو را در عمل به آنها، توفیق مرحمت فرماید. سه مورد آن نه امر، درباره تربیت و تأدیب نفس است، و سه مورد از آنها در باره حلم و بردباری است، و سه مورد از آنها درباره علم و دانش است. پس آنها را به خاطرت بسیار، و مبادا در عمل به آنها از تو سستی و تکاهل سر زند!

عنوان گفت: من دلم و اندیشه ام را فارغ و خالی نمودم تا آنچه را که حضرت می فرماید بگیرم و اخذ کنم و بدان عمل نمایم.

«پس حضرت فرمود: اما آن چیزهایی که راجع به تأدیب نفس است ۱- مبادا چیزی را

بخوری که بدان اشتها نداری، چرا که در انسان ایجاد حماقت و نادانی میکند؛ ۲- چیزی مخور مگر آنگاه که گرسنه باشی؛ ۳- چون خواستی چیزی بخوری از حلال بخور و نام خدا را ببر و به خاطر آور حدیث رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را که فرمود:

هیچوقت آدمی ظرفی را بدتر از شکمش پر نکرده است. اگر بقدری گرسنه شد که ناچار از تناول غذا گردید، پس به مقدار ثلث شکم خود را برای طعامش بگذارد، و ثلث آنرا برای آبش، و ثلث آنرا برای نفسش باز گذارد.

**«و اما آن سه چیزی که راجع به بردباری و صبر است: ۱- پس کسیکه به تو بگوید: اگر یک کلمه بگوئی ده تا می شنوی به او بگو: اگر ده کلمه بگوئی یکی هم نمی شنوی!»**

۲- کسیکه ترا شتم و سب کند و ناسزا گوید، به وی بگو: اگر در آنچه میگوئی راست می گوئی، من از خدا می خواهم تا از من درگذرد؛ و اگر در آنچه می گوئی دروغ می گوئی، پس من از خدا می خواهم تا از تو درگذرد.

۳- اگر کسی تو را بیم دهد که به تو فحش خواهیم داد و ناسزا خواهیم گفت، تو او را مزده بده که من درباره تو خیرخواه می باشم و مراعات تو را می نمایم.

**«و اما آن سه چیزی که راجع به علم است: ۱- پس، از علماء پیروی آنچه را که نمیدانی؛ و مبادا چیزی را از آنها پیروی کنی تا ایشان را به لغزش افکنی و برای آزمایش و امتحان پیروی کنی.»** مبادا که از روی رأی خودت به کاری دست زنی؛ و در جمیع اموری که زمینه احتیاط وجود دارد احتیاط را پیشه خود ساز. ۳- از فتوی دادن بپرهیز همانطور که از شیر درنده فرار می کنی؛ و گردن خود را پل عبور برای مردم قرار نده.

ای پدر بنده خدا (ایا عبدالله) دیگر برخیز از نزد من! چرا که تحقیقاً برای تو خیر خواهی کردم؛ و ذکر و ورد مرا بر من فاسد مکن، زیرا که من مردی هستم که روی گذشت عمر و ساعات زندگی حساب دارم و نگرانم از آنکه مقداری از آن بیهوده تلف شود و تمام مراتب سلام و سلامت خداوند برای آن کسی باد که از هدایت پیروی می کند و متابعت از پیمودن طریق مستقیم می نماید.

## قرآن را با هدف درک مفاهیم قرآنی و سرلوحه قرار دادن در مراحل زندگی تلاوت می کنیم

برنامه تلاوت قرآنی شما در سطح کشوری و بین المللی به چه صورت بوده است؟



یکی از مهم ترین تلاوتهای بنده تلاوت در سال های ۷۹ و ۸۹ در محضر رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت ... العظمی خامنه ای بود و از جمله تلاوتهای مهم دیگر اجرای برنامه در موسم حج تمتع و در مسجدالحرام (سال های ۸۲ و ۸۹)، تلاوت بعنوان قاری افتخاری در مسابقات بین المللی قرآن کریم در تهران و در حضور ریاست جمهور در سال ۷۹، تلاوت در برنامه های مختلف با حضور سران سه قوه و سایر وزرا و شخصیت های مهم کشور و همچنین اجرای برنامه به همراه گروه تواشیح بین المللی سلام در مسابقات بین المللی قرآن کریم و همچنین در همایش های مختلف کشوری و بین المللی. آیا تا به حال برای انتشار و ترویج قرآن کریم چه فعالیت هایی انجام داده اید؟

ضبط ترتیل تصویری از کل قرآن کریم در شبکه جهانی "سلام" در سال ۸۲ تا ۸۵، ضبط تلاوت تحقیق از سوره های "واقعه، الرحمن، حمد، ناس و فلق" در کشور عربستان و تکثیر آن در کل کشور عربستان با نام "الشیخ عبدالمجید فقیه"، تولید کاست ترتیل آموزشی برای دانش آموزان مقطع ابتدایی سراسر کشور در سال ۷۸، تولید کاست ترتیل آموزشی برای دانش آموزان مقطع ابتدایی سراسر کشور تحت عنوان "فجر قرآن کریم" در سال ۸۰ از جمله برنامه های اجرایی بنده

با توجه به حضور شما در مسابقات متعدد قرآنی در سطح کشوری و بین المللی تاکنون موفق به کسب چه رتبه هایی شده اید؟

- کسب رتبه اول در رشته قرائت در مسابقات بین المللی قرآن کریم دانشجویان مسلمان (تیریز ۹۱)
  - کسب رتبه دوم در رشته قرائت در مسابقات بین المللی قرآن کریم در کشور عربستان (مکه مکرمه-۷۸)
  - کسب رتبه اول در رشته قرائت قرآن در مسابقات ملی قرآن کریم دانشجویان (تهران-۸۹)
  - کسب رتبه اول در رشته قرائت در مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (قم-۷۸)
  - کسب رتبه اول در رشته قرائت در مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان اوقاف و امور خیریه (کرمانشاه-۷۹)
  - کسب ۳ رتبه اول رشته قرائت در مسابقات سراسری قرآن کریم سازمان آموزش و پرورش (سالهای ۷۹-۷۸ و ۸۱)
  - کسب رتبه اول در مسابقات قرائت قرآن اساتید دانشگاه های آزاد سراسر کشور (رشت ۹۲)
  - کسب رتبه اول در مسابقات قرآن اساتید دانشگاه های آزاد سراسر کشور در رشته ترتیل (کرمانشاه-۹۳)
  - کسب رتبه اول رشته ترتیل در مسابقات دانشجویان دانشگاه های دولتی سراسر کشور (کردستان-۹۴)
- و ... از جمله رتبه های کسب شده بنده در مسابقات متعدد قرآنی است.



در این شماره از مجله زلال به سراغ یکی از قاریان بین المللی قرآن کریم رفته ایم تا بتوانیم چند لحظه ای از تجربیات و فعالیت های قرآنی ایشان بهره مند شویم.

کوتاه از زندگی نامه "مجید فقیه"؛ وی متولد سال ۱۳۶۳ در شهر اصفهان و فارغ التحصیل رشته مهندسی برق و الکترونیک است که در حال حاضر به عنوان مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان و عضو بنیاد ملی نخبگان مشغول فعالیت است.

لطفاً بفرمایید از چه زمانی فعالیت قرآنی خودتان را آغاز کردید؟

بنده از سن ۷ سالگی با راهنمایی خانواده در جلسات قرآن شرکت کردم و با بهره جویی



از اساتید سطح ممتاز شهر اصفهان نظیر استاد منصور سرشوق، حاج صادق همدانی، دکتر حاج اسماعیلی و نیز استفاده از تلاوت اساتید مطرح مصری چون استاد عبد الباسط و استاد شحات اتور فعالیت قرآنی خود را آغاز کردم و در این مسیر به فراخور نیاز از محضر اساتید دیگری مثل استاد شاهمیوه هم بهره جستیم.

## چه سبکی را در تلاوت قرآن کریم دنبال می‌کنید؟

اساس کار بنده بر پایه تلاوت استاد شحات انور است ولی غیر از سبک شحات از اساتید دیگری همچون استاد محمد عمران، استاد محمود رمضان و استاد حصان نیز در تلاوت‌هایم بهره می‌گیرم.

## چه عواملی را باعث موفقیت خود در عرصه قرآنی می‌دانید؟

در درجه اول باید لطف خدا را بزرگترین عامل موفقیت خودم بدانم که عنایت فرمود و بنده را در این راه قرار داد و پس از آن دعای خیر پدر و مادر، تلاش‌ها و تمرین‌های مستمر و استفاده از اساتید برجسته از مهمترین عواملی هستند که موفقیت بنده را در این مسیر رقم زده‌اند.

## با تلاوت قرآن کریم چه هدفی را دنبال می‌کنید؟

هدف غایی باید رضایت خداوند و شناساندن کلام خدا و زیباییش به خلق باشد، نباید از قرآن جز نامی و جز خط و نوشته‌ای نزد ما باشد قرآن باید پیشوای ما باشد نه ما پیشوای قرآن  
قرآن ابزار و تریبانی برای کسب منافع نیست، خوان گسترده‌ای است که همگان باید از آن بهره‌مند شوند

## حرف آخر...

**راست گفت آنکه سخن گفت از قرآن و آنکه بدان رفتار کرد پیش افتاد از دیگران**



## در حوزه ترویج قرآن بوده است آیا فعالیت دیگری نیز در این زمینه داشته‌اید؟

بله، به غیر از موارد ذکر شده می‌توان به برنامه‌هایی شامل برگزاری کلاس‌های آموزش قرائت قرآن و اجرای مسابقات قرآنی ویژه ارگان‌ها و نهادها از جمله شهرداری اصفهان، سازمان همیاری شهرداری‌ها، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان آموزش و پرورش، شرکت ذوب آهن اصفهان، شرکت فولاد مبارکه اصفهان، سازمان کار و امور اجتماعی استان اصفهان، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان و ... تدریس تخصصی قرائت قرآن در مؤسسات قرآنی از جمله ناهن الاثمه، مؤسسه مهد قرآن کریم و داوری مسابقات قرآن کریم مؤسسه بین‌المللی جامعه المصطفی، سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان، بنیاد شهید و امور ایثارگران، هلال احمر، اداره کار و امور اجتماعی، اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان بهزیستی و ... اشاره کرد.

## تاکنون در چه کشورهایی به تلاوت قرآن کریم پرداخته‌اید؟

بنده تاکنون به کشورهای فرانسه (۷۹)، بلژیک (۷۹)، غنا (۸۳)، سریلانکا (۸۷)، اندونزی (۸۸)، پاکستان (۸۶ و ۹۰)، مالزی (۸۸ و ۹۰)، هندوستان (۹۰)، عراق (۹۲)، تایلند (۹۳) سفر داشته‌ام و دو بار نیز به سفر بیت ا... الحرام به جهت انجام مناسک حج تمتع و اجرای برنامه‌های قرآنی اعزام شده‌ام.

مصاحبه‌کننده: نفیسه سادات ناجی





# منازعه حقوقی

## ارث زوج و زوجه از یکدیگر

وجیهه کریملو

دوم (نصف) از اموال وی را به ارث می برد و اگر دارای فرزند باشد یک چهارم (ربع) از اموال وی را به ارث می برد که این بحث در ماده ۹۱۳ قانون مدنی مقرر شده است.

**۳- اگر مردی بیش از یک همسر داشته باشد تکلیف چیست؟ آیا هر کدام یک چهارم یا یک هشتم ارث می برند؟**

جواب منفی است. در صورت تعدد زوجات همان سهم یک چهارم یا یک هشتم بین همسران تقسیم می شود کما این که ماده ۹۴۲ قانون مدنی مقرر میدارد "در صورت تعدد زوجات ربع یا ثمن ترکیه که تعلق به زوجه دارد بین همه آن ها بالسویه تقسیم می شود

**۴- آیا زن و شوهر از تمام اموال یکدیگر اعم از خانه، زمین، باغ، ماشین و ... بطور یکسان ارث می برند؟**

باید گفت طبق قانون در این باره بین زن و شوهر تفاوت وجود دارد. شوهر از تمام اموال همسرش ارث می برد اما زن از عین اموال منقول ارث می برد اما در مورد اموال غیر منقول مانند زمین و خانه از قیمت آنها ارث می برد یعنی خانه و زمین ارزیابی می شوند و از قیمت آنها یک چهارم یا یک هشتم به زن تعلق می گیرد در این باره ماده ۹۴۶ قانون مدنی مقرر می دارد: "زوج از تمام اموال زوجه ارث می برد و زوجه در صورت فرزند دار بودن زوج یک هشتم از عین اموال منقول و یک هشتم از قیمت اموال غیر

منقول اعم از عرصه و اعیان ارث می برد در صورتی که زوج هیچ فرزندی نداشته باشد سهم زوجه یک چهارم از کلیه اموال به ترتیب فوق می باشد.

نکته اصلی در میراث زوج و زوجه این است که زوجین در نکاح دائم از یکدیگر ارث می برند بنابراین اگر نوع نکاح موقت باشد طبق قانون ارثی از یکدیگر ارث نمی برند. در این باره ماده ۹۴۰ قانون مدنی مقرر می دارد: "زوجین که زوجیت آنها دائمی بوده و ممنوع از ارث نباشند از یکدیگر ارث می برند". نکته دوم در این باره میزان و سهم هر یک از زن و شوهر از اموال یکدیگر است سؤالاتی که در این زمینه مطرح می گردد:

**۱- "اگر مردی فوت کند و فرزندی نداشته باشد آیا سهم الارث همسر وی با سهم الارث زنی که شوهر وی فوت کرده و دارای فرزند می باشد یکسان است؟"**

طبق قانون سهم الارث سهم این دو زن از یکدیگر متفاوت است. اگر مردی فوت کند و دارای فرزند نباشد همسر وی یک چهارم (ربع) از اموال وی را ارث می برد و اگر دارای فرزند باشد زن یک هشتم (ثمن) از اموال شوهرش را ارث می برد.

**۲- اگر زنی فوت کند شوهرش چه مقدار از اموال وی را ارث می برد؟**

در اینجا نیز بحث وجود فرزند مطرح است. اگر زن فوت شده دارای فرزند نباشد شوهرش یک

گاهی وقت ها اطلاعات اشتباه دادن به مردم باعث می شود که مردم هم اشتباه فکر کنند و هم حق و حقوق قانونی خود را ندانند. این مسأله خیلی وقتها فکر من را به خودش جلب کرده، مخصوصاً وقتی از تلویزیون اطلاعات غلط حقوقی به مردم داده می شود. همین اواخر در یکی از سریال هایی که ماه رمضان پخش می شد و مسلماً بعد افطار مخاطبان زیادی داشت در خصوص سهم الارث زن و شوهر اطلاع نادرستی داده شد و باعث شد که من تصمیم بگیرم در این باره میزان ارث زن و شوهر را به صورت مبسوط در این فصلنامه توضیح دهم.



# کلینیک کودک

دکتر نرگس عطریان

## در هنگام رخداد مرگ عزیزان

### به کودکان چه بگوییم؟

از دست دادن عزیزانی که برای کودک اهمیت زیادی دارد تجربه ای بسیار تلخ می باشد. فشار ناشی از مرگ اطرافیان یکی از دشوارترین مسائلی است که انسانها با آن مواجه می شوند اما این تجربه کودکان را با مسائل بیشتری مواجه می سازد چرا که درک موضوع مرگ برای کودکان دشوارتر و پیچیده تر است. اما در هنگام رخداد این موضوع با وجود پیچیدگی و سختی کار باید به کودک حقیقت را گفت و او در نهایت باید بداند که فردی را از دست داده است و آن شخص دیگر پیش او باز نخواهد گشت و باید موضوع فوت شخص را به او گفت. دروغ گفتن در این زمینه هیچ ضرورتی ندارد اما لازمی گفتن همه جزئیات و حقایق هم نیاز نیست. همچنین اطلاعات باید در سطح درک و فهم او باشد. از دادن وعده هایی مثل اینکه او بر می گردد و به مسافرت رفته

است اجتناب کنید و از جملاتی مثل اینکه او به خواب رفته است، استفاده نکنید چون باعث می شود کودک از خوابیدن بترسد یا دچار کابوسهای شبانه و اختلال در خواب گردد. توجه داشته باشید ساده صحبت کنید و از گیج کردن او پرهیزید. مثلاً به یک کودک دو تا چهار ساله کافی است بگویید: وقتی انسان یا حیوانی نتواند نفس بکشد و بدنش حرکت کند مرده است. یا به کودک شش ساله توضیح دهید کسی که قلبش نمی زند مرده است و چیزهایی که می میرند دیگر هرگز بر نمی گردند. سعی کنید هنگام صحبت کردن با کودک احساساتتان را کنترل کنید زیرا ممکن است وحشت زده شود. در ضمن از مثالهای عینی که کودک در مورد مرگ تجربه کرده است برای توضیح مرگ استفاده کنید. مثلاً در مورد ماهی که از تنگ آب بیرون افتاده بود، یا مرگ حیوان خانگی همسایتان صحبت کنید. می توانید از مرگ برگهای درختان در زمستان بگویید تا مفهوم مرگ

برایش قابل درک گردد. گاهی پیش می آید کودک نگران این است که والدینش بمیرند. اگر سوالی در این زمینه دارد لازم نیست جلوی صحبت کردن او را بگیرید. بهتر است اجازه دهید نگرانی اش را بگوید تا دچار اضطراب نشود و به راحتی به او بگوید هیچ کس به طور دقیق نمی داند چه زمانی می میرد اما مرگ برای همه طبیعی است و خیلی بعید است که من قبل از پیر شدن بمیرم پس لازم نیست تو فعلاً به این موضوعات فکر کنی و نگران باشی چون در زمان پیری من، تو خود آدم بزرگی شده ای!!!

## راهکارهای پرفورد در برابر مشاخره کودکان



بچه ها به دلایل متعددی با هم بحث و دعوا می کنند و همدیگر را اذیت می کنند. گاهی آنها خسته، عصبی و گرسنه هستند گاهی نیز به دنبال جلب توجه هستند.

گاهی می خواهند قدرت خود را اثبات کنند و گاهی نیز به دنبال یک همبازی و همراه می گردند و البته عموماً به دنبال تلاش برای به دست آوردن توجه اطرافیان هستند. برای برخی از کودکان رویارویی با کودکان قلندرتر از خودشان سخت است. در این مواقع به حرفها و نگرانی هایشان با دقت گوش کنید و به او بگویید ((من نگرانی تو را درک می کنم)).

کودکشان را تشویق کنید تا درباره آنچه در جامعه برایش پیش می آید حرف بزنند.

راهکارهایی به او برای رویارویی با آدمهای زورگو پیشنهاد دهید. از جمله: ۱- بی توجه به افراد زورگو و بی تفاوتی از کنار آنها گذاشتن

۲- استفاده از ترنند خنده و شوخی ۳- توضیح دادن قاطعانه و محکم در خصوص موضوع به فرد قلندر ۴- یادگیری برخی تکنیکهای صحیح ورزشهای رزمی ۵- اجتناب از صحنه قابل ذکر است چه پر خاشگری و چه ترسو بودن می تواند از محیط منزل نشأت بگیرد، یعنی یا از والدین به طور الگو برداری به کودک منتقل گردد و یا در اثر رفتارهای ناصحیح به صورت عکس العمل در کودکان به وجود آید.

پس باید ریشه درمان را در محیط منزل جستجو کرد. مثلاً زمانی که کودکان در کنار هم ساکت، آرام و منطقی هستند هیچ کس به آنها توجهی نمی کند ولی بلافاصله که جنگ و دعوا می کنند بزرگترها سر صحنه حاضر می شوند اما بهتر است زمانی که رفتار خوب و مناسب دارند آنها را تشویق کنید. سعی کنید نسبت به دعوای و جر و بحث های جزئی آنها بی توجه باشید. گویی نه می بیند نه می شنود تا حل مسائل شان با دیگران را تمرین نمایند. اما مشروط به این که هیچکدام از آنها در معرض آسیب و خطر جدی نباشند. مطالعات نشان می دهد محبتهای چند دقیقه ای در طول روز و چندین مرتبه ای، به طور قابل توجهی از رفتارهای پر خاشگرانه و نق زدن کودکان می کاهد در حالی که مقایسه کردن و تبعیض قائل شدن بین کودکان باعث کدورت و افزایش قلندریهای کودکی و بزرگسالی در بین آنها می گردد.

# تأثیر دعا

## بر سلامتی روح و جسم انسان

شهناز مهرانی

دعا نیایش با خدا و یکی از حقایق بسیار پر معنا و سازنده ی جنبه های مثبت در انسان و از اساسی ترین عوامل رشد و تعالی انسان است. در دعا و نیایش روح به منظور تقرب به درگاه پروردگار و به سوی مبدء غیر مادی می گراید و در این گرایش موقعیت اصلی خویش و سرمایه های گرانبهای خود را درک می کند و از اسارت در چنگ ناامیدی رهایی می یابد. از طرفی دیگر، زندگی ماشینی و شیوع انواع انحراف های اخلاقی بیش از پیش انسانها را دچار مشکلات روحی و روانی کرده است. سرخوردگی و سرگردانی بشر امروزی، آنقدر گسترده است که همگان به گونه ای آن را احساس می کنند. به همین جهات عواملی مثل عوامل اضطراب آفرین، ضعف و ناتوانایی های متعدد، افسردگی و سایر اختلالات روانی بر انسانهای امروزی چیره گشته است و احساس پوچی و بی معنایی در زندگی انسانها بیشتر گشته است. در این مواقع بهترین راه پیشگیری از تشویش خاطر و رسیدن به آرامش و سلامت روانی برقراری رابطه با قدرت مطلق هستی است و اطمینان قلبی انسان و اعتماد به آینده بیشتر می شود. تحقیقات تجربی نشان داده اند که ذکر دعا و نیایش با خدا در پیشگیری و درمان اضطراب و افسردگی ها نقش اساسی دارد. باور به این موضوعات که خدایی هست تا موقعیت ها را کنترل کند و مسئول روزی انسانهاست، دل انسان را محکم می کند. حتی تحقیقات نشان داده اند افراد دارای باورهای مذهبی با بهره گیری از نیایش با خدا در مقایسه با افراد غیر مذهبی سریع تر درمان شده اند.

از آنجا که دعا و نیایش برخاسته از باورهای ویژه است می تواند به پیشگیری و درمان افسردگی نیز کمک کند. دانستن معنا و هدف زندگی، احساس تعلق داشتن به منبع والا و امیدواری به یاری خداوند در شرایط سخت زندگی همگی از جمله باورهایی هستند که افراد مذهبی با بهره مندی از آنها می توانند از دچار شدن به افسردگی پیشگیری کنند. دانشمندان دانشگاه آریازس دانمارک با استفاده از سیستم اسکن مغزی به مطالعه به روی مغز انسان در هنگام دعا و صحبت با خداوند پرداختند و اعلام کردند مغز افراد در هنگام دعا به گونه ای که در هنگام صحبت با یک دوست فعال می شود، فعالیت می کند. نتایج نشان می دهد افراد در هنگام دعا قسمتی از مغزشان فعال می شود که در برقراری رابطه ی موثر نقش دارد و این نشان از این دارد که در هنگام نیایش به باور قطعیت وجود خداوند رسیده اند.

میان

آرزوی تو و بجزده خداوند

دیواری است به نام

ایمان و اعتماد

پس اگر دوست داری

به آرزویت برسی

با تمام وجود

ایمان پیاور و اعتماد کن ....

تحقیقی مداومی در طول

۲۶ سال به روی ۱۰۰۰۰ کارمند انجام گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که افراد متدین کمتر از افراد بدون اعتقاد به خاطر مشکلات قلبی و عروقی جان می سپارند. همچنین در مهمترین و گسترده ترین تحقیقات مربوط به تأثیر شفاعت و دعا، متخصص قلب شناس، راندولف بیرو، روی ۳۹۳ بیمار بستری شده در واحد مراقبتهای بیماری کرونوی قلب در بیمارستان عمومی سان فرانسیسکو بررسیهایی انجام داده است. برای برخی از این بیماران توسط گروههای خانگی دعا و نیایش هایی انجام شده اما برای برخی این دعا و نیایش انجام نشد در این تحقیق نه پزشکان و نه پرستاران و نه خود بیماران نمی دانستند که دعا و نیایش برای کدامیک از بیماران انجام می شود. نتایج این تحقیق بسیار چشمگیر بوده و موجب تعجب بسیاری متخصصین و دانشمندان قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که آن دسته از بیمارانی که مراقبتهای پزشکی آنان با دعا و نیایش برای سلامتی آنها همراه شده بود نیاز به داروی کمتری داشته و تجهیزات پزشکی به مدت زمان کمتری برای آنها استفاده شده و وضعیت سلامتی آنها نسبت به سایر بیماران بسیار بهتر بوده است.

# غرور



دکتر نورمسن عطریان

عَجَبًا لِلْمُتَكَبِّرِ الْفَخُورِ الَّذِي كَانَ بِالْأَمْسِ نُطْفَةً ثُمَّ هُوَ عَدَا جَيْفَةً

شگفتا از متکبر فخر فروش که دیروز تطفه‌ای بود و فردا مرداری خواهد بود

تفسیر: ح ۲، ص ۳۲۸، ج ۱

## آثار و پیامدهای فردی و اجتماعی غرور:

برخی از پیامدهای غرور که زندگی دنیوی و اخروی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد عبارتند از:

۱. غرور حجاب ضخیمی بر عقل و فهم انسان می‌افکند و او را از درک حقایق باز می‌دارد و به او اجازه نمی‌دهد خود و دیگران را آنچنان که هست بشناسد و حوادث اجتماعی را درست ارزیابی کرده و در برابر آنها موضع صحیحی بگیرد.

۲. غرور مایه‌ی شکست در زندگی و مسبب عقب افتادگی از زندگی است. چرا که شخص مغرور در انجام کارها دقت کافی به خرج نمی‌دهد و همین امر کار او را خراب می‌کند. امام علی (ع) می‌فرمایند: غرور ناشی از آرزوهای فساد عمل می‌شود. همچنین می‌فرمایند: مستی غرور از مستی شراب هم سخت‌تر است.

۳. غرور مانع از عاقبت اندیشی و به پایان رساندن صحیح کار می‌شود چرا که فرد از تفکر در عاقبت کار باز می‌ماند.

۴. غرور اغلب سبب ندامت و پشیمانی می‌شود زیرا انسان نمی‌تواند ارزیابی صحیحی از دیگران و از خود داشته باشد و در محاسبات خود دچار اشتباه می‌شود.

آیا تو می‌توانی هر چقدر گردن خود را برافرازی هم تراز کوهها شوی؟ حتی می‌توانی چند سانتی متر قامت خود را بلندتر نشان دهی؟ غرور چیزی است که ظاهر آجالب و دوست داشتنی است ولی باطنی ناخوشایند، مجهول و تاریک دارد. از لوازم و آثار غرور جهل و فریب، تیرنگ، نقصان و شکست می‌باشد. البته گاه‌گاه غرور ناپسند با ویژگیهای مثبتی که در برخی از انسانها وجود دارد اشتباه می‌شود مثل عزت نفس، که گروهی ارزشمند می‌باشد و از انسان سخت مراقبت می‌کنند. برای نگهداری از دارایی‌های خدادادی و ظرفیتهای موجود، انسان باید خود را به صفتی بیاراید به نام عزت نفس، انسان عزیز احساس ارزشمندی، سرافرازی و خود پنداری مثبت می‌کند، هرگز خود را در مانده نمی‌باید، قدرت حل مسئله را دارد و در زندگی به جای نگرانی و مستأصل شدن، تهدیدها را به فرصت تبدیل می‌کند و با مشکلات برخورد صحیح می‌نماید. خداوند در قرآن می‌فرماید: *لله العزة ولرسوله والمؤمنين* (مناقفون: ۸) و عزت از آن خدا، پیامبر و مومنان است.

پس در غرور، شخص مغرور به آنچه واقعیتهای ندارد می‌بالد و زیاده‌تر از خود، خود را بروز می‌دهد. اما عزت نفس یک امر واقعی است که شخص حالات و رفتار خود را از آن خدا می‌داند و تنها از خود نمی‌بیند.

گاه‌ها حالت احساسی در وجود انسان پیش می‌آید که در آن، شخص بیش از حد لازم برای خود و خواسته‌های خود ارزش قائل است و در مقابل تواضع و فروتنی را به فراموشی می‌سپارد. از لحاظ اخلاقی این حالت افراط گرایانه را غرور می‌نامند. غرور یعنی اطمینان و آرامش قلب نسبت به آنچه که با هوای نفس موافق بوده و طبیعت انسان به آن تمایل داشته باشد. منشاء این گرایش جهالت یا وسوسه‌های شیطانی است و یکی از بزرگترین گناهان شمرده می‌شود. از دیدگاه روانشناسی نیز غرور همان هوای نفس است و فرد خود را نسبت به دیگران بزرگتر می‌داند. منشاء غرور می‌تواند عواملی مانند: جهالت، وسوسه‌های شیطانی، پیروی از هوای نفس و شهوت باشد. افراد متکبر و مغرور غالباً به هنگام راه رفتن پاهای خود را محکم به زمین می‌کوبند تا مردم را از آمد و رفت خود آگاه سازند، گردن به آسمان می‌کشند تا برتری خود را به پندار خویش به زمینیان مشخص سازند. ولی قرآن کریم می‌فرماید: آیا تو اگر پای خود را به زمین بکوبی هرگز می‌توانی زمین را بشکافی یا ذره‌ی ناچیزی هستی به روی این کره‌ی عظیم خاکی؟ واقعیت این است که همانند مورچه‌ای که بر صخره بسیار عظیمی حرکت می‌کند و پای خود را بر آن صخره می‌کوبد و صخره بر حماقت و کمبود ظرفیتش می‌خندد.



# اخبار مؤسسه مهد قرآن کبر و ولایت استان اصفهان در آئینه تصویر



جلسه فراتر هفتگی قرآن بر اهران در مهد قرآن کریم  
تحت نظر قاری بین المللی دکتر نیکدستی  
(جمعه ها بعد از نماز مغرب و عشاء)



جلسه محوری و هفتگی حفظ قرآن کریم در مهد قرآن  
تحت نظر استاد غلامحسین احمدی (صبح جمعه ها)



برگزاری آزمون علمی عمومی مؤسسه مهد قرآن اصفهان



جلسه هفتگی سخنرانی و ترویج شملتر دین  
و عرض ارادت به محضر معصومین (ع) (صبح دوشنبه ها)



برگزاری آزمون طرح ۱۳۹۹ در مهد قرآن کریم



برگزاری آزمون کارکنان دولت توسط مهد قرآن کریم اصفهان



حضور مدیران موسسات قرآنی استان ایلام  
در مهد قرآن کریم اصفهان



برگزاری دوره تربیت مربی مکتب الرضا در  
مهد قرآن کریم اصفهان



جلسه محوری فراتر هفتگی خواهران در مهد قرآن  
کریم و تقدیر از برترین ها تحت نظر داور کشوری  
سورکار خاتم کریم زاده (بعد از ظهر چهارشنبه ها)



حضور مدیران موسسات قرآنی  
استان تهران در مهد قرآن کریم اصفهان

# اخبار اتحادیه مؤسسات قرآنی مردمی استان اصفهان درآینه تصویر



بازدید مدیر عامل اتحادیه و مؤسسات قرآنی استان تهران از اتحادیه مؤسسات قرآنی استان اصفهان



بازدید مدیر عامل اتحادیه و مؤسسات قرآنی استان ایلام از اتحادیه مؤسسات قرآنی استان اصفهان



حضور مدیر کل و مسئولین اداره کل ارشاد اسلامی در اتحادیه مؤسسات قرآنی اصفهان



بازدید مدیر عامل اتحادیه و مؤسسات قرآنی استان خوزستان از اتحادیه مؤسسات قرآنی استان اصفهان



بازدید مدیر عامل اتحادیه و مؤسسات قرآنی استان مازندران از اتحادیه مؤسسات قرآنی استان اصفهان



حضور مدیر شورای توسعه و ترویج فعالیتهاى قرآنی کشور در جمع مؤسسات قرآنی استان اصفهان



اولین همایش توانمندسازی مؤسسات و مراکز قرآنی استان اصفهان



برگزاری جلسات هیئت مدیره اتحادیه و مؤسسات قرآنی استان اصفهان



برگزاری همایش تجلیل از حافظان قرآن کریم اصفهان



تقدیر از پنج مؤسسه برتر در سیزدهمین آزمون سراسری قرآن و عترت ارشاد اسلامی



برگزاری پنجاه محفل قرآنی توسط مؤسسات قرآنی استان اصفهان

طراح جدول: زهرا نظری

نماد و پیکه	بیماری کم خونی	کلیج	نگاه خیره	خاک گور	تلخ
زندگی کردن	ادیب	پسوند شباهت	دادگستری فاجریان	سست راست	سوره ۵۸ قرآن
	۱۱		مستن		از صفات خداوند
		پنهان	از خفتی پیش امیه	متون فقرات فدرامیون قابلهائی	خالص
		شهر رازی			
			گوسفند پشمی		تداوم
	زود ولی برعکس نام مردانه		حرف دخان کچی		فرآورده های شیری
		خادم معبد		با ساختن می آید	شامان همه می شود
		لین کهن ایران		یک رنگ	صنم
آبر زهینی	با آمدن نوروز می رود	در حال وزیدن			سفرش ها
		مقابل آمدن			از آثار علامه مجلسی
	آثر رطوبت شقایق	پایخت فراری تعبیر و مرطوب		نزد ایرانیان است زین آرمانورین	۶
			قسمی با بازی نماد رنگه یکی از کوههای ایران		پختن
حرف دوم الفبا			۹ زره آلود خشک از آجازهها		پر دبار
		۱۵			
		هارمونیک خطاط معروف ایرانی			ماریوس
				لبه شمشر یونانی	پازده
پله متحرک	از ضرایف ایرانی رسالی کلام	ام المصاب		نوعی بیماری پوستی خوراک ماست و اسفنج	از رسوم سنتی خوانسگاری
	۱۳ ماد فخر حرف ندا	تاریس			۱۴
	۵ واحد سطح خاک				استراحت کردن نوعی میمون
				۴ پاسخ فرد برای دعوی مقابل خدا	
سودن گندم					
		کلاغ سمت و جهت		پر دباری و شکلیایی نشاره به دور	بسیار پختنده مستون بدن
			از شهرهای شمال کشور		صورتگر
	جسم و کالبد و تن		۷ تنبل چالیزی		جبین

رمز جدول شماره ۶: کتاب بحار الانوار

اسامی برندگان جدول فصلنامه شماره ۶ (۱- سرکار خانم فرزانه خانی ۲- سرکار خانم مریم سلطانی)

رمز جدول شماره ۷ را به آدرس دبیرخانه فرستاده و همچنین جهت دریافت جوایز به دبیرخانه فصلنامه مراجعه نمایید.

# اشتراک فصلنامه زلال

## مشخصات فردی مشترك

نام :  
نام خانوادگی :  
تاریخ تولد :  
میزان تحصیلات :  
تلفن تماس (با پیش شماره شهرستان) :  
کدپستی :  
نشانی دقیق پستی منزل :

## نحوه اشتراك

واريز هزینه اشتراك يك ساله (پست عادی به مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان و پست سفارشی به مبلغ ۱۵۰۰۰ تومان) به شماره حساب ۱۳۲۸۷۴۰۰۴۲ نزد بانک ملت

## شیوه های اشتراك

### پیامک :

نام و نام خانوادگی و شناسه پرداخت را به شماره ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ ارسال نمایید.

### ایمیل :

تصویر فرم اشتراك و فیش واریزی خود را پس از تکمیل نمودن به آدرس زیر ارسال نمایید.  
[Zolal.mahdgh@yahoo.com](mailto:Zolal.mahdgh@yahoo.com)

### تماس تلفنی :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را از طریق تلفن ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ اعلام بفرمایید.

### نماین :

مشخصات فردی و فیش واریزی خود را به شماره ۰۳۱۳۲۲۸۵۴۰۶ ارسال نمایید.

### پست :

پس از تکمیل فرم اشتراك آن را به همراه فیش واریزی خود به نشانی: اصفهان - خیابان سروش - چهارراه  
عسگریه - کوچه محمدی - پلاک ۵ - دبیرخانه فصلنامه زلال - صندوق پستی ۹۳۱۱۳-۸۱۶۳۸  
ارسال نمایید.

## شرایط ویژه

در صورتیکه از تاریخ ۹۴/۰۷/۱۰ الی ۹۴/۰۸/۳۰ فرم اشتراك را ارسال نمائید تنها مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال بابت هزینه پستی را پرداخت خواهید کرد و بصورت رایگان فصلنامه را دریافت خواهید کرد.

در ضمن پایگاه های بسیج و مراکز فرهنگی دارای مجوز جهت اشتراك رایگان مجله می توانند تصویر مجوز خود را همراه با آدرس و تلفن به دفتر مجله ارسال نمایند.

با تقدیم سلام و احترام حضور شما خوانندگان گرامی نظرات شما عزیزان در راستای تحقق هدف ترویج فرهنگ انس با قرآن و بهبود خدمت رسانی یار و یاور ما خواهد بود لذا امیدواریم با مدد ما در هر گام ، بهبود روز افزون فصل نامه را شاهد باشیم .

با سپاس فراوان

# پرسشنامه



از چه طریقی با فصلنامه آشنا شدید ؟

دوستان  سایت مهدقرآن  مدارس مهادهاد  مطالعه یکبار مجله

زمان انتشار فصلنامه را چگونه ارزیابی می کنید ؟

خوب  به موقع  بد  بی تفاوت

مطالب مرتبط با مباحث قرآنی چگونه است ؟

کامل و مفید  مناسب  شایسته نیست  گنج کننده است

گرافیک و صفحه آرایی فصلنامه به چه صورت است ؟

مرتبط و جذاب  خوب  ضعیف  بی ارتباط

حجم مطالب را چگونه ارزیابی می کنید ؟

کامل و خوب  خوب  نسبتاً زیاد  خیلی زیاد

نظر شما در خصوص قراردادن بخش جدول و سرگرمی چیست ؟

ایده جالبی است  خوب است  مناسب این نوع مجله نیست  بی تأثیر است

مطالب فصلنامه تا چه حد به مباحث قرآنی مرتبط است ؟

کاملاً مرتبط است  خوب است  نسبتاً مرتبط است  مرتبط نیست

تصویر روی جلد تا چه حد معرف محتوا و موضوع فصلنامه است ؟

مرتبط و جذاب  خوب  ضعیف  بی ارتباط

مطالب فصلنامه تا چه حد در زندگی روزمره کاربرد دارد ؟

کاملاً مرتبط است  خوب است  نسبتاً مرتبط است  مرتبط نیست

فصلنامه تا چه حد انگیزه شما را به رجوع به قرآن برای پاسخ به مسائل روزمره بالا برده است

خیلی زیاد  زیاد  خیلی کم  بی تأثیر است

در صورت عدم چاپ نشریه تا چه اندازه کمبود آن را احساس می کنید ؟

خیلی زیاد  زیاد  خیلی کم  بی تأثیر است

## سوالات شخصی :

نام و نام خانوادگی :

جنسیت :

میزان تحصیلات :

شغل :

پست الکترونیکی (email):

در صورت داشتن انتقاد یا پیشنهاد سازنده لطفاً آن را بیان نمائید

## معرفی مراکز وابسته به

### موسسه مهد قرآن کریم و ولایت استان اصفهان

#### مدارس ابتدائی مهـاد

نام مرکز	آدرس	تلفن
دبستان قرآنی پسرانه مهاده پروین	خیابان جی، خیابان پروین، جنب پل هوائی شهید رفیعیان نش خیابان صفوی نژاد	۳۲۲۶۲۷۶۵ - ۳۲۲۶۲۷۴۸
دبستان قرآنی پسرانه مهاده سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، بلوار بهمن ۲، جنب دبیرستان حکمت	۳۶۵۰۰۰۱۴
دبستان قرآنی پسرانه مهاده مدرس	خیابان مدرس، ایستگاه سرچشمه، مقابل بانک صادرات	۳۴۴۵۹۳۵۴
دبستان قرآنی دخترانه مهاده صغیر	خیابان صغیر، نرسیده به چهارراه عسکریه، مقابل مسجد رضوی، کوی لاله	۳۲۲۸۵۲۴۹
دبستان قرآنی دخترانه مهاده بهارستان	بهارستان، خیابان ولی عصر (هج)، خیابان طوطی، پلاک ۲۰۶	۳۶۸۲۳۵۳۵
دبستان قرآنی پسرانه مهاده بهارستان	بهارستان، خ الف شرقی، روبروی بانک قوامین	۳۶۸۰۱۰۴۷

#### پیش دبستانی های مستقل مهـاد

پیش دبستانی قرآنی مهاده آل خجند	خیابان سروش، خیابان آل خجند، روبروی مسجد امام حسین (ع)	۳۲۲۵۸۷۳۵
پیش دبستانی قرآنی مهاده سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، خیابان فارابی ۶، کوچه لادن، پلاک ۸۰	۳۶۵۱۳۳۹۹
پیش دبستانی قرآنی مهاده عسکریه	چهارراه عسکریه، نش خیابان صغیر، کوچه محمدی، پلاک ۵	۳۲۲۸۵۴۰۶
پیش دبستانی قرآنی مهاده مشتاق	خیابان مشتاق دوم، خیابان مهر، کوچه شهید علیخانی، ابتدای بلوار مهر	۳۲۶۰۴۵۷۴

#### مهدکودک های جوانه های قرآن

مهدکودک جوانه های قرآن مدرس	خیابان مدرس، چهارراه سرچشمه، روبروی درمانگاه موسی بن جعفر (ع) کوی سرچشمه، بن بست شمس	۳۴۴۶۳۳۳۱
مهدکودک جوانه های قرآن سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، الوند ۴، خیابان اوج	۳۶۵۰۹۰۵۵
مهدکودک جوانه های قرآن رباط دوم	خیابان رباط دوم، خ گل محمدی ۲، ادامه مادی، شاهد ۳، جنب پست برق	۳۴۳۹۳۷۵۷

#### مراکز بزرگسالان

مرکز فرهنگی قرآنی (برادران)	میدان شهداء، خ ابن سینا، جنب پارک شمس، مرکز تخصصی قرآن	۹۵۰۱۵۵۸۵
مرکز فرهنگی قرآنی (خواهران)	میدان شهداء، خ ابن سینا، جنب پارک شمس، مرکز تخصصی قرآن	۹۵۰۱۵۵۸۵
مرکز فرهنگی قرآنی دبستان سپاهانشهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، بلوار بهمن ۲، جنب دبیرستان حکمت	۳۶۵۰۰۰۱۴
مرکز فرهنگی قرآنی پیش دبستان سپاهان شهر	سپاهان شهر، بلوار شاهد، خیابان فارابی ۶، کوچه لادن، پلاک ۸۰	۳۶۵۱۳۳۹۹
مرکز فرهنگی قرآنی مشتاق	خیابان مشتاق دوم، خیابان مهر، کوچه شهید علیخانی، ابتدای بلوار مهر	۳۲۶۰۴۵۷۴
مرکز فرهنگی قرآنی آل خجند	خیابان سروش، خیابان آل خجند، روبروی مسجد امام حسین (ع)	۳۲۲۵۸۷۳۵

#### مراکز تخصصی

صندوق قرض الحسنه مهد قرآن	میدان شهداء، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۶۶۸۱
کتابخانه تخصصی قرآن و عترت	خیابان ابن سینا، کوچه شماره ۳۷ (میرعلاءالدین)	۳۴۴۸۲۱۹۰
مرکز آموزشی کامپیوتر مهاده	میدان شهداء، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۶
مرکز آموزشی زبان مهاده	میدان شهداء، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۴
مرکز مشاوره هدایت	میدان شهداء، خیابان ابن سینا، جنب پارک شمس	۳۴۴۷۸۱۶۵ - ۳۴۴۷۸۱۶۳